

خبرنامه



سال دوازدهم، شماره صد و دوازدهم، مهر و آبان ماه ۱۴۰۳

در نشست کنشگری رسانه برای صلح مطرح شد:

**می‌توانیم در کنار موشک دور برد، صلح دور برد هم داشته باشیم**



در جلسه شورای پژوهشی مطرح شد:

**ثبات مدیریتی باعث ارتقاء جایگاه و پیشرفت‌های علمی-پژوهشی خانواده پژوهشگاه می‌شود**





ژړو، شگه علوم انساني و مطالعات فرهنجی



### بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با معاونین و مدیران سازمان میراث فرهنگی

میراث فرهنگی و صنایع دستی بسیار پر اهمیت است. به ویژه از دید فرهنگی، چرا که اگر بخواهیم فرهنگ و تمدن ایرانی را به جهان معرفی کنیم، باید میراث فرهنگی زنده‌ای داشته باشیم تا بتوانیم سایت‌ها و موارد جدیدی را از طریق ثبت داخلی و بین‌المللی به آن اضافه کنیم.



### فهرست

- \* ثبات مدیریتی باعث ارتقاء جایگاه و پیشرفت‌های روزافزون در پژوهشگاه ..... ۳
- \* تصویب درس تمدن‌پژوهشی برای تمامی دانشجویان ..... ۶
- \* درس «وفاق ملی» در عملکرد رئیس پژوهشگاه علوم انسانی ..... ۷
- \* هم‌اندیشی «پژوهشگاهیان و آینده پژوهشگاه» ..... ۹
- \* رونمایی از کتاب «زهره حریف ماه شد»، به مناسبت هفته دفاع مقدس ..... ۱۱
- \* رونمایی از پوستر همایش «ما و غرب در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» ..... ۱۳
- \* هفتمین همایش ملی زبان‌شناسی رایانشی ..... ۱۵
- \* دهمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا در خوی ..... ۲۰
- \* کرسی ترویجی «تبیین دیدگاه‌ها و تدقیق مفاهیم حوزه مناسبات کار و زندگی» ..... ۲۲
- \* کرسی ترویجی «تدوین بسته آموزشی مبتنی بر قالب‌های معنایی» ..... ۲۸
- \* ضرورت بازاندیشی در دوره‌بندی‌های رایج تاریخی براساس اندیشه بومی ..... ۴۶
- \* نسبت هوش مصنوعی با علوم انسانی و ضرورت نقش‌آفرینی پژوهشگاه در این عرصه ..... ۵۰
- \* گزارش چهارمین جلسه شورای انتشارات پژوهشگاه ..... ۵۳

### نشست‌ها و سخنرانی‌ها:

- \* تاریخ اقتصادی ایران؛ زمین‌داری و اقتصاد ارضی در ایران (نشست چهارم) ..... ۵۵
- \* تاریخ اقتصادی ایران؛ زمین‌داری و اقتصاد ارضی در ایران (نشست پنجم) ..... ۵۷
- \* کنشگری رسانه برای صلح ..... ۵۹
- \* ایران‌شناسی؛ هویت و فرهنگ ایرانی ..... ۶۲
- \* نگرش جنسیتی در مناسبات کار و زندگی در ایران ..... ۶۵
- \* بازاندیشی در سالمندی؛ روایت‌های نیک‌بودگی ..... ۷۱
- \* بررسی موسیقی گفتار در هنرهای نمایشی ..... ۷۴
- \* اهمیت امروزیین مطالعات فلسفه سده‌های میانه در ایران ..... ۷۶
- \* خواندن؛ معناها، سیاست‌ها و آینده‌ها ..... ۷۷
- \* منزلت کودکی در ایران از منظر حقوقی، تربیتی و ارتباطی ..... ۸۰
- \* زنان، ترجمه و نشانه‌شناسی ..... ۸۷
- \* آرایش سازه در زبان سغدی ..... ۸۹
- \* معرفی بخش عروض فارسی از کتاب «الابداع فی العروض» ..... ۹۰

دکتر نجفی در پنجاه و چهارمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه:

## ثبات مدیریتی باعث ارتقاء جایگاه و پیشرفت های روز افزون علمی-پژوهشی خانواده پژوهشگاه می شود

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از درود و صلوات بر پیامبر خاتم صل... علیه وآله وسلم و اهل بیت معصوم علیهم السلام، ضمن خوش آمدگویی به اعضای جدید شورا و همچنین تبریک ارتقاء مرتبه علمی برخی از اعضای شورا، گفت: با توجه به وقفه پدید آمده در تشکیل جلسات شورا به دلیل تغییرات صورت گرفته در مدیریت پژوهشگاهها و مراکز پژوهشی پس از برگزاری انتخابات رئیسان آنها، امیدواریم با بهره گیری از دیدگاهها و نظرات اعضای شورا تسریع لازم در زمینه انجام فرایندهای مرتبط با فعالیت های علمی و پژوهشی اعضای هیأت علمی به منظور جلوگیری از ایجاد وقفه در امور مرتبط با برنامه های پژوهشی اعضاء صورت پذیرد.

رئیس پژوهشگاه با اشاره به برگزاری نشست هم اندیشی «پژوهشگاهیان و آینده پژوهشگاه» در روز نهم مهرماه، گفت: هرچند عموماً این گونه بوده است که با تغییر دولت ها و مسئولان وزارت، مدیریت دانشگاه ها و مؤسسات علمی و پژوهشی نیز دچار تحول شده است، اما ظاهراً نگرش وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری فعلاً حکایت از ثبات مدیریتی و

پنجاه و چهارمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه شانزدهم مهر ماه با حضور اعضای این شورا در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. بحث و تبادل نظر درباره دوره بندی های تاریخی ایران و اسلام و مبانی و شاخص های آنها و تنفیذ و تصویب برنامه های پژوهشی انفرادی (نوع الف) پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه های مختلف پژوهشگاه از بخش های مختلف این جلسه شورا بود.

اعضای شورا در این جلسه ضمن تبریک ارتقاء مرتبه برخی از اعضای هیأت علمی و نیز حضور اعضای جدید در شورا پس از برگزاری انتخابات رئیسان پژوهشگاهها و مراکز پژوهشی، انتصاب دکتر مهدی معین زاده به عنوان معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی؛ انتصاب مهندس زهره عطائی آشتیانی به عنوان معاون کاربردی سازی علوم انسانی و انتصاب دکتر هادی وکیلی به عنوان مدیر پژوهشی پژوهشگاه را تبریک گفتند و برای آنان آرزوی توفیق روز افزون کردند. دکتر نجفی: امید است ثبات مدیریتی پژوهشگاه باعث ارتقاء جایگاه و پیشرفت های روز افزون پژوهشی و علمی خانواده پژوهشگاه شود



از مجموعه، علاوه بر آنکه ثبات و آرامش پژوهشگاه را به مخاطره انداختند، با زیر سؤال بردن بلوغ و فقدان نیاز به انتخاب قیّم از خارج از پژوهشگاه، شأن و اعتبار پژوهشگاه را هم تضعیف کردند. نابالغی و منفعت‌طلبی شخصی این افراد، منجر به تلاطم و ناآرامی کوتاهی در پژوهشگاه شد که با درایت و تدبیر، ثبات و آرامش بر مجموعه پژوهشگاه حاکم شد.

وی با اشاره به یکی دیگر از سیاست‌ها و رویکردهای خود در طول مدیریت بر پژوهشگاه افزود: امیدوارم با همراهی و مشارکت همه اعضای پژوهشگاه و به دور از هرگونه حب و بغض و سیاسی و جناحی کردن مسائل، در جهت ارتقاء و ثبات و پیشرفت روزافزون پژوهشگاه گام برداشته و با افزایش کیفی و کمی شاخص‌ها بتوانیم پژوهشگاه را به جایگاه اصلی خود در جامعه علمی و پژوهشی کشور نائل سازیم و خانواده پژوهشگاه طبق روال به‌صورت خودجوش و صمیمانه باوجود سلائق مختلف و متنوع در کنار هم به‌رفع مشکلات بپردازند.

عدم تغییر و تحول در پژوهشگاه دارد. دکتر نجفی با اشاره به سیاست‌های مدیریتی خود در طول تصدی پژوهشگاه ادامه داد: یکی از سیاست‌هایی که بارها از ابتدای قبول مسئولیت ریاست پژوهشگاه بر آن تأکید داشته‌ام و در بررسی مسائل و چالش‌های مختلف پیش‌روی پژوهشگاه نیز شاهد آن بوده‌اید، بهره‌گیری از خرد جمعی و طرح صادقانه و شفاف مسائل پژوهشگاه با اعضای خود پژوهشگاه بوده است. باوجود وضعیت مطلوب ایجاد شده در بخش‌های مختلف پژوهشگاه اعم از فعالیت‌های عمرانی و بازسازی‌های صورت گرفته تا پرداخت دیون باقیمانده از سال‌های گذشته و علاوه بر آن افزایش بودجه قابل ملاحظه پژوهشگاه در طول سه سال گذشته و... متأسفانه شاهد این بودیم که چند نفر از اعضای پژوهشگاه با انعکاس اخبار نادرست از وضعیت پژوهشگاه براساس نگرش‌ها و رویکردهای سیاسی و جناحی و منافع شخصی، تلاش کردند با پیشنهاد انتخاب رئیس برای پژوهشگاه از استادان خارج



سوی اعضای شورا و ارائه توضیحاتی از سوی رئیس‌ان پژوهشکده‌های ذی‌ربط، برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی به تنفیذ و تصویب اعضای شورا رسید. بحث و تبادل نظر اعضاء درباره مبانی و شاخص‌های دوره‌بندی‌های تاریخی از دیگر موضوعات مورد بحث و تبادل نظر اعضای شورای پژوهشی بود. در این زمینه با توجه به اهمیت بررسی و تشریح دوره‌بندی‌های صورت گرفته از تاریخ ایران و اسلام و مبانی و شاخص‌های اصلی آنها، مقرر شد در جهت فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر موضوع، مسئله توسط دکتر عبدالمجید مبلغی صورت‌بندی و در جلسه آتی شورا مورد بحث و بررسی بیشتر قرار گیرد.

### تنفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

در بخش بعدی جلسه شورا، عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف) پیشنهادی اعضای هیأت علمی از پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه از جمله پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات؛ پژوهشکده مطالعات قرآنی؛ پژوهشکده فلسفه؛ پژوهشکده مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق؛ پژوهشکده اقتصاد؛ پژوهشکده زبان‌شناسی؛ پژوهشکده اخلاق و تربیت؛ گروه پژوهشی مدیریت؛ و مرکز اسناد فرهنگی آسیا توسط دکتر هادی وکیلی، مدیر پژوهشی پژوهشگاه قرائت شد. در این قسمت پس از طرح نکاتی از



در جلسه شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه انجام شد:

## تصویب ارائه درس تمدن پژوهشی برای تمامی دانشجویان ورودی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

• بررسی و تصویب طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری؛ مطابق دستور جلسه مقرر شورا و طرح‌نامه پیشنهادی رساله دانشجویان دوره دکتری پژوهشگاه مورد بحث و تبادل نظر اعضای قرار گرفت. ابتدا طرح‌نامه پیشنهادی راشین جهانگیری، دانشجوی رشته «زبان‌های باستانی ایران» با عنوان «بررسی تاریخی-تحلیلی گویش دری زردشتی یزد» و سپس طرح‌نامه کریم فرجی، دانشجوی رشته «تاریخ ایران بعد از اسلام» با عنوان «بررسی رویکرد مستشرقان نسبت به امپراطوری مغول و حکومت ایلخانی» توسط دانشجویان تشریح و توسط اعضای مورد مورد بررسی، اصلاح و تصویب قرار گرفت.

جلسه شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، هفدهم مهرماه با حضور حداکثری اعضای شورا برگزار شد.

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از حمد خداوند متعال و سلام و صلوات بر اهل بیت علیهم‌السلام، از زحمات دکتر یحیی فوزی معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پیشین پژوهشگاه و رئیس کنونی پژوهشگاه مطالعات اجتماعی و همچنین دکتر روح‌اله کریمی مدیر تحصیلات تکمیلی تشکر و قدردانی کرد.

پس از صحبت‌های رئیس پژوهشگاه اعضای شورا به بررسی دستور جلسه پرداختند. از جمله موضوعات مورد بررسی و تصویب این جلسه عبارت بودند از:

• بررسی و تصویب برنامه درسی نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴؛ از جمله موارد مهم تصویب شده لزوم ارائه درس تمدن پژوهشی برای تمامی دانشجویان ورودی در همه رشته‌های فعال در پژوهشگاه به صورت درس پایه بود.





خبرگزاری برنا منتشر کرد:

## درس «وفاق ملی» در عملکرد رئیس پژوهشگاه علوم انسانی

### درس «وفاق ملی» در عملکرد یک رئیس دانشگاه انقلابی

در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، با آغاز به کار هر دولت جدید، یک پارادایم فکری جدید بر فضای اجتماعی-سیاسی کشور سیطره می‌یابد که ترجمان این پارادایم، معمولاً و طبق عرف سیاسی سه دهه اخیر، در گزاره یا شعاری که دولت جدید خود را به آن می‌شناساند یا از طرف برآیند نیروهای سیاسی به آن شناخته می‌شود، تجلی پیدا می‌کند. در نسبت با دولت چهاردهم، این شعار یا کلیدواژه محوری، «وفاق ملی» است.

البته، این شعار بر خلاف ظاهر ساده خود، بسیار سهل و ممتنع است و رسیدن به آن، بسیار دشوارتر و پیچیده‌تر از آن است که به نظر می‌رسد. دلیل اصلی این دشواری و پیچیدگی آن است که افراد و گروه‌ها برای گام برداشتن در این مسیر، نه تنها باید

این روزها بحث «وفاق ملی» بیش از هر زمان دیگری در سطح محافل عمومی و سیاسی کشور مطرح می‌شود. پس از دوقطبی‌سازی‌های کاذبی که در طول چند سال گذشته بر جامعه ایران تحمیل شد، حالا دولت دکتر پزشکیان نیز روی این موضوع تمرکز دارد و بحث «وفاق ملی» به یکی از شعارهای محوری دولت جدید تبدیل شده است. مسئولان و مدیران اجرایی کشور نیز هر کدام با درک شرایط حساس کشور، به‌نوعی تلاش می‌کنند از تمام ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمانی و... برای گذر از شرایط حساس و خاص کشور استفاده کنند.

خبرگزاری برنا در مطلبی به بحث «وفاق ملی» پرداخته و دکتر موسی نجفی، استاد تمام دانشگاه و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را موضوع سوژه خود قرار داده است که در ادامه، مطلب این خبرگزاری از نظرتان می‌گذرد:



نسبتاً رادیکال ساختار سیاسی کشور است و بارها، در مناسبت‌های مختلف، نظرات صریح و عیان خود را مطرح کرده، در این مناظره در برنامه «جریان» شبکه اول سیما، به صراحت می‌گوید که با وجود حساسیت نهاد نظارتی و فشارهای فزاینده برای اخراج او از محل کارش، صرفاً و صرفاً به واسطه پادرمیانی «رئیس» محل



کار او، یعنی دکتر نجفی، جلوی اخراج او گرفته شد. این در حالی است که در انقلابی‌گری و غیرت دکتر نجفی نسبت به نظام و انقلاب هیچ‌کس کوچک‌ترین تردیدی ندارد و او یکی از اندیشمندان مورد عنایت مقامات ارشد نظام است که عمری در راه اعتلای فکری انقلاب اسلامی مجاهدت کرده است. لیکن، اعتبار علمی، وارستگی اخلاقی و اعتقاد قلبی این استاد مورد احترام علوم انسانی به «آزاداندیشی» در ساحت دانشگاه (که توصیه قدیمی و همیشگی رهبری نیز بوده است) موجب شده که دکتر نجفی برای حفظ شأن و کرامت اهل علم و معلمان دانشگاه و مهیا بودن فضا برای کار علمی و حتی اظهارنظرهای سیاسی ایشان، در چارچوب کلی نظام و با حفظ خطوط قرمز «ولایت» و «امنیت ملی»، حساسیت و غیرت عملی داشته باشد. الغرض، در فضای کنونی جامعه، و با لحاظ شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی کشور، وجود نیروهایی، چون دکتر موسی نجفی، که هم شأن علمی، هم توان مدیریتی و هم سعه صدر و هنر تعامل با جریان‌های مختلف فکری در فضای دانشگاهی را دارد، یک «فرصت» است که بهره‌گیری از آن، هم به اعتلای فضای علمی کشور یاری می‌رساند و هم مصداقی عملی در جهت تحقق شعار «وفاق ملی» دولت محترم است.

جاه‌طلبی‌ها، زیاده‌خواهی و انحصارطلبی‌های خود را تعدیل کنند، که به لحاظ اخلاقی و سلوک فردی نیز باید نوعی آزادگی، وارستگی و مداراگری سرلوحه عمل قرار گیرد. در صورت مهیا بودن چنین صفاتی و چنین سلوکی، برخورد سلبی و حذفی، جای خود را به پذیرندگی و مدارا می‌دهد؛ خشم و تفرعن جای خود را به مهر و فروتنی می‌دهد؛ در یک کلام، وفاق ملی محتاج دریادلی یا به اصطلاح خودمانی «دل‌گندگی» است.

یکی از مصداق عملی «وفاق ملی»، به‌عنوان شعار و سرلوحه سیاسی دولت محترم چهاردهم، دو سال پیش از روی کار آمدن این دولت، در یکی از مراکز آموزش عالی وزارت علوم، یعنی قلب تپنده علوم انسانی کشور، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، رقم خورد. وقتی در شهریورماه ۱۴۰۰، نام دکتر «موسی نجفی» به‌عنوان گزینه اصلی ریاست پژوهشگاه مطرح شد، به‌ناگاه جریان‌های رسانه‌ای مشکوکی شروع به تخریب‌های گسترده و حتی ترور شخصیت این استاد قدیمی و صاحب‌نظر به دانشگاه کردند، کأنه دکتر نجفی با یک دست، پتک «خفقان» و با دستی دیگر، داس «اخراج» در کف گرفته و می‌خواهد نفس و نطق هر صدای متفاوت یا دیدگاه متمایزی را بپُرد.

اما وقتی در نهایت دکتر نجفی از سوم بهمن همان سال، رسماً سکان مدیریت دانشگاه را در دست گرفت، همه تبلیغات و عملیات روانی مخالفان سرسخت، خنثی شد. نه تنها خبری از داس، درو و بگیر و ببند و بستن نبود، که این استاد کهنه‌کار و صاحب‌ایده در علوم انسانی، ضمن دراز کردن دست همکاری با طیف‌های مختلف فکری در پژوهشگاه، خط قرمز خود را صرفاً خطوط قرمز اصلی انقلاب، یعنی ولایت و امنیت ملی اعلام کرد.

طبق این میثاق، هر یک از نیروهای آکادمیک رسمی پژوهشگاه، با هر طرز فکری، اگر نسبت به رعایت حریم این خطوط قرمز متعهد باشند، درهای پژوهشگاه به روی آنان باز است و امکانات مجموعه برای کار علمی در اختیار آنها خواهد بود. از این‌رو، برعکس تبلیغات شدید قبلی مبنی بر ملتهب شدن فضای این مرکز آموزش عالی با حضور نجفی، کم‌ترین تنش و التهابی در فضای کار و اقدامات علمی آن ایجاد نشد. (فارغ از هر توضیح و تطویلی، کافی است به اظهارات دکتر مصطفی مهرآیین در ویدئوی پیوست‌شده توجه کنیم).

دکتر مصطفی مهرآیین، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، که یکی از منتقدان

## هم‌اندیشی «پژوهشگاه‌های آینده پژوهی»

\* ارتقاء اعضای داخلی با ورود افراد بیرونی و موقت از دانشگاه‌های دیگر (مشاور، معاون و کارشناس) نادیده گرفته و این امر باعث سرخوردگی و ناامیدی کارکنان و اعضای هیأت علمی شد.

\* تدوین دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها و برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت جهت ارائه کارنامه پربار به وزارتخانه و حتی تغییر ساختار پژوهشگاه شاید به‌منظور نزدیکی بیشتر با محیط آموزشی و دانشگاه، رغبت اعضای هیأت علمی را برای داشتن چشم‌اندازهای وسیع‌تر در عرصه پژوهشی کاهش داد و به روزمرگی در امر پژوهش بسنده شد. همچنین کارشناسان پژوهشی که پیش از آن به‌عنوان دستیار پژوهشی به امور پژوهشی می‌پرداختند با تغییر ساختار به‌عنوان «ابواب جمعی اداری» تبدیل شدند.

ب: یشهادها و شاخص‌ها برای انتخاب رئیس

\* اهمیت گفت‌وگو و استفاده از خرد جمعی در مسائل اصلی پژوهشگاه مانند انتخاب رئیس

\* اهمیت پردازش مسائل داخلی در محیط پژوهشی

\* آسیب‌های رویکرد جناحی و سیاسی در تصمیمات کلان پژوهشگاه

\* انتقاد به اقدامات جمع‌اندکی به‌عنوان نماینده کلیت پژوهشگاه

نشست هم‌اندیشی «پژوهشگاه‌های آینده پژوهی»؛ مدیریت پژوهشگاه و تبیین شاخصه‌های مطلوب با به‌کارگیری خرد جمعی» روز دوشنبه نهم مهرماه به همت معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست حاضرین در نشست به ارائه نظرها و دیدگاه‌های خود درباره موضوع نشست پرداختند. در این هم‌اندیشی به دو بخش از مسائل کلان مدیریتی پژوهشگاه پرداخته شد و همکاران نظرات خود را با شرح زیر اعلام کردند:

الف: آسیب‌شناسی مدیریت پژوهشگاه در ۲۰ ساله گذشته که محورهای اصلی آن عبارتند از:

\* تأکید وزارت علوم برای تعیین رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، از استادان خارج از بدنه پژوهشگاه

\* پیامدهای زیان‌بار انتخاب رؤسای (خارج از پژوهشگاه با پیشینه آموزشی) باوجود برخی فعالیت‌های مثبت آنها که می‌توان از جمله این پیامدها به این موارد اشاره کرد:

\* به‌واسطه غلبه رویکرد آموزشی، به تحقق اهداف پژوهشی (و مأموریت‌های سازمانی) صدمه وارد شد. نگاه از بالا به پایین، تبعیض و بی‌عدالتی را در محیط پژوهشی تسری داد



ماندن در گذشته

\* پیشنهاد برگزاری جلسات ماهانه با ریاست و هیأت رئیسه پژوهشگاه

\* تبیین شاخص بر اساس آزاداندیشی پژوهشی و مبتنی بر قوانین کلان کشور.

در پایان جلسه گزارش‌های اجمالی در خصوص عملکرد سه سال گذشته منتهی به ۱۴۰۳ از جمله پرداخت ۱۴ میلیارد تومان بدهی قبلی، احیاء املاک و اموال از دست‌رفته پژوهشگاه با پیگیری‌های حقوقی و قضائی، رشد سه برابری بودجه پژوهشگاه، نوسازی فضاهای پژوهشگاه، تصویب آیین‌نامه جدید در حوزه طرح‌های متنوع و جامع برای پژوهش‌های موظف، به‌روز شدن پرونده‌های تبدیل وضعیت‌های جذب که از گذشته باقی مانده بود و ادامه روند بررسی‌ها تا مرداد ماه سال جاری برای پرونده‌های متعدد مؤسسات و نهادهایی که پژوهشگاه به‌عنوان معین آنها انتخاب شده است، رشد کمی و کیفی بخش تحصیلات تکمیلی چه در زمینه راه‌اندازی رشته‌های جدید و چه تأمین معوقات سال‌های گذشته استادان و ...

با امید به تداوم جلسات گفت‌وگو جهت رسیدن به شاخص‌های اساسی تعیین رؤسای آینده پژوهشگاه.

\* انتقاد به تسری اطلاعات سلیقه‌ای و فردی از پژوهشگاه به مسئولین وزارتخانه

\* کفایت بلوغ اعضای پژوهشگاه برای تعیین آینده خود

\* نادیده گرفتن عملکرد روادارانه رئیس پژوهشگاه در مسائل مختلف داخلی و حتی فعالیت‌های اعضای خارج از پژوهشگاه، چنان‌که در بزنگاه‌های سیاسی کشور در مقایسه با سایر مراکز دانشگاهی و پژوهشگاه‌ها، از اخراج و تعلیق همکاران خودداری شد.

\* نقد عملکرد بخش‌های مالی و اداری و تأثیر آن در رویکرد اعضا به سیاست‌های ریاست پژوهشگاه

\* نقد ریاست پژوهشگاه در خصوص پرداختن به موضوع تمدن اسلامی

\* استفاده از الگوی انتخاب ریاست پژوهشگاه از میان نامزدهای واجد شرایط داخلی، طبق تجربه دوران پیش از انقلاب

\* در نظر گرفتن منافع عموم پژوهشگاہیان برای انتخاب ریاست پژوهشگاه

\* شایسته‌سالاری به‌عنوان مؤلفه اصلی انتخاب رئیس پژوهشگاه به‌جای تمامیت‌خواهی

\* بهره‌گیری از پرسش‌نامه تراز با هدف استفاده از آراء و نظرات

\* اهمیت داشتن چشم‌انداز روشن برای آینده به‌جای



## رونمایی از کتاب «زهره حریف ماه شد»، به مناسبت هفته دفاع مقدس

دفاع مقدس و اهمیت آن تأکید کردند و در این مراسم با یادآوری اهمیت نقش آفرینی شهدای بهداری به ویژه شهدای امدادگر، به نقش پزشکان در انجام عمل‌های جراحی موفق، کاهش تعداد تلفات انسانی و رسیدگی سریع به مجروحان در قالب تیم‌های اضطراری مستقر در مناطق جنگی و اعزامی به بیمارستان‌های صحرایی از سال‌های میانی جنگ، پرداخته شد.

دکتر شفیعی، مؤلف کتاب «زهره حریف ماه شد» نیز در سخنانی به نقش برجسته زنان در سال‌های جنگ و اهمیت کنشگری پرستاران و کادر درمانی زن در ارائه مراقبت‌های بالینی و درمان مجروحان نظامی و غیرنظامی در واحدهای مستقر عملیاتی و نیز تیم‌های اعزامی اشاره کرد. وی غفلت از اهمیت نقش حیات‌بخش زنان در کسوت پرستار و درمان‌گر دفاع مقدس را جدی دانست و خواهان توجه سیاست‌گذاران، متصدیان و اولیای امر به اهمیت آن، احصاء تجربه کنش‌گران زن این عرصه و سیاست‌گذاری بر مبنای ظرفیت‌های تحقق‌یافته زنان شد.

کتاب «زهره حریف ماه شد» تحلیلی بر نقش اجتماعی زنان در بهداری رزمی در جنگ تحمیلی است

در مراسمی به مناسبت بزرگداشت هفته دفاع مقدس، آئین رونمایی از کتاب «زهره حریف ماه شد» تحلیلی بر نقش اجتماعی زنان در بهداری رزمی در جنگ تحمیلی» تألیف دکتر سمیه‌سادات شفیعی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، چهارم مهرماه، برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این مراسم دکتر محمدرضا ظفرقندی (وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)، دکتر یحیی رحیم صفوی (دستیار و مشاور عالی رهبری)، سردار نصرالله فتحیان (ریاست مؤسسه بهداری رزمی دفاع مقدس و مقاومت) و دکتر شهریاری (رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس) و جمع کثیری از پزشکان و کادر درمان پیشکسوت بهداری رزمی در دوران دفاع مقدس حضور داشتند. ضمن اینکه این برنامه به‌طور زنده از شبکه سلامت صدا و سیما پوشش داده شد.

دکتر ظفرقندی، سردار رحیم صفوی و سردار فتحیان طی سخنانی در این مراسم بر ضرورت توجه به ابعاد ناگفته تجارب کادر پزشکی و درمان در بهداری رزمی در جریان



ایثارگرانه و با تمام توان به‌عنوان کادر درمانی در رسیدگی به مجروحان جنگی اعم از رزمنده و نیز نیروهای غیرنظامی آسیب‌دیده از جنگ می‌پردازد. گفتنی است در سال ۱۴۰۱ نیز کتاب «بیستون عشق: تحلیلی بر مشارکت اجتماعی زنان در کمک‌رسانی به جبهه‌ها» تألیف دکتر سمیه‌سادات شفیعی برگزیده بیستمین جایزه ملی کتاب دفاع مقدس در گروه پژوهش فرهنگی شد و از سوی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد تقدیر قرار گرفت.

کتاب «زهرة حریف ماه» شد در ۵۲۵ صفحه توسط انتشارات «از نو» منتشر شده است ضمن اینکه در این مراسم از مجموعه چهار جلدی تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس با عناوین «به سوی قاف» نیز رونمایی به‌عمل آمد.

که بر نقش زنان درمان‌گر در کسوت پزشکان، پرستاران، امدادگران و بهیاران تمرکز دارد و سرشار از داده‌های بدیع درباره فعالیت‌های امدادی، ترابری، مراقبت‌های بالینی زنان کنش‌گر این عرصه بوده و در عین حال نمایی از وضعیت تجربه‌شده از سوی آنان به تفکیک جبهه جنوب و غرب ارائه داده است. روایت‌ها دست‌مایه تحلیل نظری قرار گرفته و سنخ‌شناسی از ابعاد مختلف کار از جمله مخاطرات حرفه‌ای، وضعیت محیطی، فضای کاری و مانند آن در بهداری رزمی به‌عنوان میدان عمل حاصل آمده است.

لازم به یادآوری است، عنوان کتاب برگرفته از مصرعی از کتاب مثنوی است: «کز شب روی و بندگی، زهرة حریف ماه شد» و تلویحاً به‌حضور و مشارکت عموماً داوطلبانه زنان در شکلی متعهدانه،



## پوستربمایش «ما و غرب» در اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای «رونمایی شد

اسحاقی ادامه داد: این جنایات ضد بشری غرب باعث شده ملت‌های بیدار جهان نسبت به دیدگاه‌های انقلاب اسلامی و رهبر انقلاب توجه کنند. معاون پژوهش و آموزش مؤسسه انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه شناخت علمی غرب و تجمیع دیدگاه‌های نخبگان و صاحب‌نظران در این زمینه لازم بود تا در پویایی جهانی نسبت به ماهیت غرب پردازیم، اظهار داشت: این همایش در ۱۲ محور با زیرموضوع‌های متعدد برگزار می‌شود و ضمن رونمایی از پوستر همایش و تبیین محورهای آن سعی کردیم چند موضوع محوری را در این نشست مورد پردازش قرار دهیم.

### غرب شرایطی سخت‌تر از استعمار را بر ما تحمیل کرد

در ادامه موسی حقانی، پژوهشگر تاریخ معاصر، در این نشست با بیان اینکه ما مستقیماً تحت استعمار در نیامدیم ولی شرایط سخت‌تر از یک کشور استعمار شده توسط غرب بر ما تحمیل شد، گفت: از ابتدا غرب تلاش داشت کشور بزرگی به نام ایران را تجزیه کند و امروز هم زرمه‌های شومی را از آنان می‌شنویم و طی ۲۰۰ سال اخیر تضعیف ایران و ممانعت از پیشرفت ایران و تلاش برای نابودی ایران در راهبردهای آنان گنجانده شده بود. وی افزود: رهبر انقلاب تاریخ را علمی راهبردی می‌دانند و تفاوت نگاه ایشان با سیاسیون در این نگاه است و راهبرد به معنای اشراق به میدانی است که در آن نقش‌آفرینی می‌کنیم.

آئین رونمایی از پوستر همایش «ما و غرب در آراء و اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای» با حضور محمدجواد لاریجانی (عضو شورای سیاستگذاری همایش)، موسی نجفی (رئیس شورای علمی همایش)، موسی حقانی (دبیر شورای علمی همایش)، فؤاد ایزدی (عضو شورای سیاستگذاری همایش) و محمد اسحاقی (معاون پژوهش و آموزش مؤسسه انقلاب اسلامی)، چهاردهم آبان‌ماه در محل مؤسسه پژوهشی فرهنگی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برگزار شد.

در ابتدای این نشست محمد اسحاقی، معاون پژوهش و آموزش مؤسسه انقلاب اسلامی، در این همایش با بیان اینکه در این ایام در سطح ملی و منطقه‌ای اتفاقات بزرگی در حال وقوع است، گفت: همه کشورهای منطقه تحت تأثیر نوع عمل و سیاست‌های است که با سردمداری کشورهای غربی با محوریت آمریکا در حال وقوع است.

وی افزود: امروز برای همه وجدان‌های بیدار ماهیت غرب روشن شده و جنایات امروز در غزه سابقه‌ای بیش از ۷۰ ساله دارد و در سده‌های مختلف دیدیم که کشورهای کوچک و بزرگ دنیا در معرض جنایات حقوق بشری غرب قرار گرفته‌اند.

وی در ادامه گفت: بعد از رنسانس، غرب علم را به سلاحی برای انجام جنایات بیشتر تبدیل و آپارتاید علمی را بر کشورهای دیگر حاکم کرد و به نحوی ترویج فساد و جنایت کرد.



قطب‌بندی سیاسی جدیدی را در جهان شکل می‌دهد.

### پرونده تمدن غرب در حال بسته شدن است

فؤاد ایزدی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران نیز با بیان اینکه فردا انتخابات آمریکا هست، گفت: کاملاً هریس دو هفته پیش صراحتاً گفت بزرگترین دشمن آمریکا ایران است. سؤال این است که چرا این قدر دشمنی با ایران وجود دارد؟

وی افزود: بحث هریس از این جهت قابل توجه است که ما رقیب اقتصادی آمریکا به آن معنا نیستیم و حتی در حوزه نظامی هم با وجود توانمندی‌های نظامی کشور، ما بمب اتم نداریم و سؤال این است که چرا ایران در ذهن مقامات آمریکایی برجسته است؟ این به جایگاه ایران در حوزه‌های فکری در دنیا برمی‌گردد.

ایزدی با بیان اینکه جریان‌های مختلف علمی بانی جنبش علمی گسترده‌ای در مطالعه استعمار و استعمارزدایی هستند، بیان کرد: در یکسال گذشته ۵۵۳ عنوان کتاب داریم که عنوان استعمارزدایی به زبان انگلیسی در عنوان آنها آمده است. این امر نشان می‌دهد این دغدغه که ما داریم، منحصر به ما نیست و با وجود اعلام استکبار، این تفکر منزوی نیست. به گزارش خبرگزاری مهر این عضو هیأت علمی دانشگاه تهران با اشاره به اینکه نتیجه این حرکت علمی در دانشگاه‌های آمریکا کاملاً مشهود است، خاطرنشان کرد: می‌بینم که دانشجویان آمریکا چفیه می‌بندند و شعار «نهر تا بحر» می‌دهند و این در حالیست است که همه رسانه‌های دنیا تحت نفوذ دولت‌های غربی هستند.

حقانی با بیان اینکه در فرمایشات رهبر انقلاب مطالعه تاریخ مورد تأکید جدی است، اظهار داشت: تاریخ ما را با ظرفیت‌هایمان آشنا می‌کند و به ما راه نشان می‌دهد تا نقاط ضعف و قوت خود را بشناسیم.

### تمدن غرب به صورت ریشه‌ای به مرض استکبار مبتلا است

محمد جواد لاریجانی در این نشست با بیان اینکه نسل امروز ما غرب را چیز بدی نمی‌بیند و حتی آن را منظم‌تر، پیشرفته‌تر و قدرتمندتر از ما می‌بیند، اظهار داشت: سؤال در ذهن بچه‌های ما این است که چرا ما با غربی‌ها، فرانسه، آلمان و ... درگیریم؟ بحث جدیدی تازه مطرح شده و آن این است که چرا غربی‌ها با خشونت وجه تسامح دارند و با این همه جنایت در غزه و لبنان مشکلی ندارند؟

لاریجانی افزود: استکبار فقط سلطه‌طلبی نیست بلکه برتری طلبی نیز هست و به نوعی مستکبر خود را برتر می‌داند. تمدن غرب به این مرض استکبار به صورت بسیار ریشه‌ای مبتلا است.

لاریجانی با بیان اینکه تمدن غرب معتقد است جنگ نباید اتفاق بیفتد و برای این امر کشورهای پیشرفته رهبری جهان را داشته باشند، تصریح کرد: ریشه تفکر استکباری که در آن سیطره و برتری وجود دارد ناشی از همین تفکر غربی است که در دل غرب رشد کرده است.

### با انقلاب اسلامی بیداری اسلامی وارد مرحله تمدن اسلامی شد

موسی نجفی در این نشست با بیان اینکه استعمار نه تنها یک مشکل بلکه یک مسئله است، گفت: چیزی که الان از غرب می‌شناسیم، غرب بعد از وستفالیاست و در این ۴۰۰ سال گذشته چیزی جز انقلاب اسلامی نظم وستفالیایی را دچار چالش قرار نداده است.

وی افزود: رهبر ما رهبر انقلابی است که داعیه بین‌المللی و جهانی دارد و نوعی بیداری اسلامی است که در کشور ما به ظهور رسیده و به ایران قدرتی جهانی داده است.

با انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی وارد مرحله تمدن اسلامی شد و رهبری انقلاب اسلامی هم رهبری ایران اسلامی، هم انقلاب اسلامی و هم بیداری اسلامی در دوران تمدن اسلامی است.

وی با بیان اینکه بصیرت سیاسی رهبر انقلاب از بصیرت تاریخی ایشان ناشی می‌شود، اظهار داشت: جریان پسا استعمار، ظرفیتی است که می‌توان از ظرفیت آنان استفاده کرد. در اندیشه‌های رهبر انقلاب با ادبیات سیاسی جدیدی مواجهیم که نظم سیاسی و





## همایش ملی «زبان‌شناسی رایانشی»

کار تبدیل واحدهای متنی به یک نمایش ماتریسی از اعداد را انجام می‌دهند و سپس یک پشته از رمزگشاها با استفاده از این نمایش عددی، متن خروجی را که برگردان (مثلاً ترجمه) متن ورودی است، تولید می‌کند. مدل‌های زبانی بزرگ در سه ساختار کلی وجود دارند: مدل‌های «فقط رمزگذار»، مدل‌های «فقط رمزگشا» و مدل‌های «رمزگذار-رمزگشا». این مدل‌ها با هر ساختاری که باشند با استفاده از داده‌های متنی زیاد و عمدتاً به صورت خودنظارتی، آموزش می‌بینند و بنابراین این مدل‌ها به اصطلاح «ازپیش‌آموزش‌دیده» هستند. با افزایش اندازه مدل‌ها (برحسب تعداد پارامتر) معمولاً نیاز به داده آموزش نیز بیشتر و بیشتر می‌شود و در نتیجه مدل‌های زبانی بزرگ و قدرتمندی با چندین میلیارد پارامتر به وجود می‌آیند که با استفاده از میلیاردها واحد متنی (توکن) پیش‌آموزش دیده‌اند.

مدل‌های «فقط رمزگشا»، معمولاً مدل‌های تولیدی (generative) هستند، به این معنی که قادرند با دریافت یک متن (یا به اصطلاح پرامپت) ادامه آن را تولید کنند. دلیل این خاصیت این است که مدل‌های مذکور با حجم زیادی از داده‌ها آموزش دیده‌اند و سازوکار خودتوجهی موجود در آنها توانایی بالایی در پیش‌بینی کلمات بعدی بر اساس کلمات قبلی دارد. به همین دلیل به این مدل‌ها اتورگرسیو یا مدل‌های علی (causal) نیز می‌گویند. این مدل‌ها برای کاربرد پرسش و پاسخ خودکار و همچنین سامانه‌های محاوره

هفتمین همایش ملی زبان‌شناسی رایانشی به همت انجمن زبان‌شناسی ایران و با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نهم آبان‌ماه ۱۴۰۳ برگزار شد. دبیر علمی این همایش دکتر مسعود قیومی و دبیر اجرایی همایش الهام صالحی بودند. در ادامه چکیده سخنرانی‌ها و مقالات پذیرفته‌شده هفتمین همایش ملی زبان‌شناسی رایانشی از نظر تان می‌گذرد:

### مدل‌های زبانی بزرگ: ساختار و عملکرد

#### محمد بحرانی

در این ارائه به ساختار و نحوه عملکرد مدل‌های زبانی بزرگ (LLM) می‌پردازیم. مدل‌های زبانی بزرگ مدل‌های محاسباتی مبتنی بر یادگیری ماشین و هوش مصنوعی هستند که با حجم زیادی از داده‌های متنی آموزش دیده‌اند. این مدل‌ها به دلیل داشتن تعداد پارامترهای زیاد قادرند روابط پیچیده نحوی و معنایی نهفته در متون را مدل‌سازی کرده و استخراج کنند و آنها را در پردازش‌های زبانی به کار ببرند. مدل‌های زبانی بزرگ در تولید متن، پرسش و پاسخ خودکار و سایر وظایف پردازش زبان طبیعی به کار می‌روند. مدل‌های خانواده GPT، مدل‌های خانواده Llama، مدل Gemini و مدل Claude از مدل‌های زبانی بزرگ مشهور هستند. ساختار مدل‌های زبانی بزرگ به‌طور عمده بر پایه معماری ترنسفورمر و سازوکار خودتوجهی استوار است. در معماری ترنسفورمر یک پشته از رمزگذارها



منابع آموزشی باز به‌صورت رایگان کمک نماید. یکی از عناصر اثربخش در آموزش دیجیتال‌محور، هوش مصنوعی است. هوش مصنوعی متشکل از علوم رایانه، محاسبات و علوم انسانی مانند زبان‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه و جامعه‌شناسی است.

از نگاه فناورانه، هوش مصنوعی متشکل از یادگیری ماشینی است که به‌صورت مرسوم به سه دسته یادگیری بانظارت، یادگیری بی‌نظارت و یادگیری نیمه‌نظارتی تقسیم می‌شود. شیوه یادگیری دیگری که طی یک دهه گذشته مطرح شده است یادگیری عمیق است که مبتنی بر شبکه عصبی است. در این نوع یادگیری حجم زیادی از داده‌ها با محاسبات پیچیده پردازش می‌شود که می‌تواند ضمن درک، به تولید نیز پردازد. پژوهش‌های پیشین بیشتر بر درک زبان متمرکز بود، اما در یادگیری عمیق به تولید نیز پرداخته می‌شود که به آن هوش مصنوعی مولد گفته می‌شود. هوش مصنوعی مولد می‌تواند برای اهداف آموزشی در ترجمه و یادگیری زبان، نگارش، آموزش‌های اولیه دوران کودکی و همچنین تدریس خصوصی کاربرد داشته باشد.

هوش مصنوعی مولد از مدل‌های زبانی بزرگ بهره می‌برد که در حوزه آموزش، یادگیری شخصی‌سازی شده تعاملی و سریع را رقم می‌زند. مدل‌های زبانی بزرگ می‌تواند در تهیه ابزارهای کمک درسی، کمک آموزشی و یادگیری تطبیقی کاربرد داشته باشد. کاربرد مدل‌های زبانی به‌عنوان ابزار کمک درسی خود را در حل مسئله کاربر، اصلاح خطای کاربر و همچنین کمک‌رسان توصیفی در ارائه توضیحات به کاربر بروز می‌دهد. چنانچه در ابزارهای کمک آموزشی به‌کار رود می‌تواند در الگوریتم‌های تولید سؤال، تصحیح خودکار سؤال و همچنین تولید محتوا بهره‌جست. ردیابی دانش و شخصی‌سازی نمونه‌هایی از کاربرد مدل‌های زبانی بزرگ در یادگیری تطبیقی است.

اثرگذاری هوش مصنوعی در آموزش به این صورت خواهد بود که آموزش متمرکز بر چیزی خواهد بود که دانش‌آموزان باید یاد بگیرند. این شیوه یادگیری، شخصی و دانش‌آموز محور بوده و مبتنی بر مشکل و مشارکتی است که به‌طور فراگیر ۷/۲۴ و مادام‌العمر در دسترس است. هوش مصنوعی شیوه آموزش آموزگاران و یادگیری دانش‌آموزان را تغییر داده و بر ارائه بازخورد و ارزیابی‌های آموزشی نیز اثرگذار خواهد بود. به‌کارگیری هوش مصنوعی می‌تواند ضمن به‌کارگیری در مدرسه و کلاس درس و ایجاد

(چت‌بات) به کار می‌روند. برای اینکه خروجی مدل‌ها از دید کاربر انسانی، خروجی مطلوب و مطابق با خواست کاربر بوده و همچنین به دور از سوءگیری‌های مختلف زبانی و مطالب منجرکننده باشد، از روش «یادگیری تقویتی از بازخورد انسانی» (RLHF) برای تقویت یادگیری این مدل‌ها استفاده می‌شود.

خاصیت دیگر مدل‌های زبانی بزرگ توانایی تنظیم دقیق (finetune) با وظایف زبانی جدید است. از آنجاکه این مدل‌ها در مرحله پیش‌آموزش، داده‌های زیادی دریافت کرده‌اند می‌توانند با حجم اندکی از داده‌های متنی برچسب‌خورده، برای وظایف مختلف پردازش زبان، تطبیق یافته و تنظیم شوند و برای آن وظایف خاص به‌خوبی عمل کنند. نتایج عملی نشان داده شده است که با افزایش اندازه مدل و داده‌های آموزشی، این مدل‌ها توانایی یادگیری به‌صورت کم-نمونه (few shot) یا حتی بدون نمونه (zero shot) را دارند؛ بدین معنی که با دادن دستورالعمل‌های مناسب در قالب پرامپت به آنها، می‌توانند وظایفی را که از قبل برای آنها آموزش ندیده‌اند را انجام دهند.

## کاربرد هوش مصنوعی در آموزش

### مسعود قیومی

در این سخنرانی به کاربرد هوش مصنوعی در آموزش پرداخته خواهد شد. هدف از آموزش کمک به افراد جامعه در زندگی فردی و اثرگذاری در زندگی اجتماعی پس از سپری‌شدن دوران رشد، فراگیری مهارت‌های فردی برای زندگی روزانه، فراگیری استدلال و قضاوت و یادگیری تشخیص درست از غلط است. آموزش از نظر حقوقی به‌عنوان یک حق قانونی برای هر فرد شناخته شده است؛ بنابراین آموزش باید برای همگان در دسترس، فراگیر و عادلانه باشد. آموزش سبب می‌شود ضمن افزایش مهارت‌های خواندن، نوشتن، صحبت‌کردن و شنیدن، به رشد خلاقیت کمک نماید. امروزه با توجه به سرعت تغییر در فناوری، آموزش نیز در کانون توجه و پیشرفت قرار گرفته است. مطرح‌شدن هوش مصنوعی و پتانسیل استفاده از آن در راستای اهداف آموزشی و افزایش سواد دیجیتال از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

تحول دیجیتال در آموزش موجب می‌شود ضمن افزایش امکان آموزش فراگیر و رسیدن به عدالت آموزشی، آموزش مبتنی بر داده به‌منظور تصمیم‌گیری و بهینه‌سازی منابع آموزشی، بهبود خروجی آموزشی دانش‌آموزان، جهانی‌سازی آموزش با حذف مرزهای جغرافیایی و همچنین پرورش آموزش میان‌فرهنگی و شبکه‌سازی جهانی، به مدیریت هزینه‌های آموزش با جایگزینی

حافظ، پُرکردن خأل موجود در مدل‌های زبانی فارسی برای پردازش داده‌های دانشگاهی بوده؛ زیرا تاکنون مدلی با چنین تمرکزی وجود نداشته است. حافظ روی دیتایی با حجم حدود ۰۱ گیگابایت و ۱۱ میلیارد توکن آموزش دیده است. ۰۱ درصد از این داده‌ها به متون دانشگاهی اختصاص دارد که عمدتاً شامل مقالات علمی در حوزه علوم انسانی می‌شود و ۱۱ درصد باقیمانده مربوط به متون عمومی است. فرایند پاکسازی و پیش‌پردازش این متون با استفاده از ابزارهای ویراویراست انجام شده است تا کیفیت داده‌ها به حداکثر برسد. نتایج حاصل از ارزیابی حافظ نشاندهنده دقت ۸/۸۵ درصدی در تسک طبقه‌بندی متن بر اساس معیار F score-۱ است. این عملکرد برجسته، حافظ را به ابزاری قوی در پردازش متون دانشگاهی تبدیل می‌کند. گفتنی است در این مقاله مجموعه‌ای از داده‌ها برای طبقه‌بندی متون در حوزه علوم انسانی نیز ارائه شده است

**بررسی تأثیر دستورالعمل‌های مختلف بر کیفیت ترجمه متون انگلیسی به فارسی توسط ChatGPT**  
**جلیل‌اله فاروقی هندوالان، فاطمه جناغی، محمدرضا رضائیان دلویی، حامد وحدت‌نژاد**

این پژوهش به بررسی تأثیرات دستورالعمل‌دهی در هوش مصنوعی بر فرآیندهای ترجمه و ارزیابی متون انگلیسی به فارسی می‌پردازد. در ابتدا، ۲۰ جمله حاوی الفاظ رکیک از کاربران فضای مجازی انتخاب شد. سه نوع دستور مختلف برای دریافت ترجمه این جملات از انگلیسی به فارسی به کار رفته که شامل دستور ساده، دستور با اطلاعات فرهنگی و دستور مبهم

تحول آموزشی، تحصیلات تکمیلی و آموزش شغلی افراد را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد. شایان ذکر است استفاده از هوش مصنوعی در آموزش ممکن است مخاطراتی نیز داشته باشد که نقض حریم خصوصی داده‌ها، عدم رعایت محدودیت سن کاربر به هنگام استفاده از آن و همچنین عدم شفافیت در ارائه بازخورد از جمله این موارد باشد.

از این نظرات چنین می‌توان پنداشت که استفاده از هوش مصنوعی در آموزش اجتناب‌ناپذیر است و انتظارات آموزشی در فرایند هوشمندسازی هدفمند با استفاده از مدل‌های زبانی بزرگ قابلیت برآورده شدن دارد. استفاده از مدل‌های زبانی بزرگ روش‌شناسی آموزش و مفاهیم آموزش و همچنین یادگیری را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از آنجاکه نوآوری‌های مستمر عامل اصلی آشکارشدن توانایی‌های مدل‌های زبانی بزرگ در آموزش است، این موضوع افق‌های تازه‌ای را پیش روی آموزش قرار خواهد داد.

**حافظ: مدل زبانی پیشرفته فارسی برای تحلیل و پردازش متون علوم انسانی**  
**امین رحمانی، منصور حمیدزاده، امیرمسعود ایروانی، امید ابراهیم خانی، نیما استخری، سیدمحمدرضا سجادی، عبدالله مشیری**

مدل زبانی حافظ، یک نوآوری در پردازش زبان فارسی است که بر اساس معماری شبکه برت طراحی شده است. این مدل با استفاده از تنظیمات پایه برت و ۱۱۱ میلیون پارامتر، به‌منظور تحلیل و پردازش متون دانشگاهی توسعه یافته است. هدف اصلی ساخت



می‌شود. با استفاده از معیار پذیرش پذیری، نمره‌دهی به ترجمه‌ها توسط سه ارزیاب با تجربه انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد عملکرد چت جی‌پی‌تی با دریافت هر یک از دستورالعمل‌ها متفاوت بوده است. در واقع، با ارائه دستورالعملی که اطلاعات فرهنگی و همچنین اطلاعاتی درباره فرستنده و گیرنده متن به چت جی‌پی‌تی شاهد عملکرد بهتر آن در ترجمه این متون هستیم. در نهایت، مقاله به تحلیل و بحث در مورد تأثیرات این دستورالعمل‌ها بر نحوه ترجمه این رباعیات پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کند که دستورالعمل‌ها نه تنها کارایی ترجمه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه می‌تواند تحولات گسترده‌ای در زمینه ترجمه به همراه داشته باشند.

مقدمه‌ای بر فرآیند طراحی و تولید پایگاه داده‌ی گفتار هیجانی فارسی معیار

مهسا روانبخش، سعید ستایشی

محرک‌های محیطی مختلف قادرند تا حالت هیجانی انسان را تحت تأثیر قرار دهند و آنرا تغییر دهند. گفتار به دو طریق کلامی بواسطه‌ی واژگان و نحو و همچنین غیرکلامی به‌واسطه‌ی لحن و آهنگ گفتار، تغییرات حالت هیجانی را بیان می‌کند. لحن و آهنگ گفتار داری نقش پیرایه‌ی هستند و قادرند تا معنای گفتار را دست‌خوش تغییر کنند. پردازش و مطالعه‌ی کمی هیجان نخستین بار با مفهوم محاسبات عاطفی در علوم کامپیوتر مطرح شد. ایده اصلی این بود که ماشین بتواند حالت هیجانی انسان را بازشناسی و تفسیر و مطابق با آن پاسخ یا رفتار مناسب ارائه کند. مطالعه‌ی کمی گفتار هیجانی با عنوان بازشناسی گفتار هیجانی شناخته

### تعبیه گراف دانش فارسی به‌منظور بهبود سامانه‌های

#### پرسش و پاسخ

علی اسد، سعیده ممتازی

گراف دانش نمایشی ساختار یافته از داده‌ها است که در قالب روابط بین گره‌ها، حقایق را در خود نگه می‌دارد. آنچه این ساختار داده را جذاب‌تر کرده است نه تنها روابطی هستند که به‌صورت صریح



## ترجمه کردن خط میخی فارسی باستان با هوش

### مصنوعی

#### شقایق رحمانی

کتیبه‌های خط میخی فارسی باستان که در سنگ‌نوشته‌های ایران باستان به کار رفته‌اند، ارزش تاریخی قابل توجهی دارند. استفاده از مدل‌های او سی آر (OCR) و پردازش زبان طبیعی (NLP) رویکردی امیدوارکننده برای ترجمه این متون باستانی ارائه می‌دهند. این مقاله، به توسعه مدل‌های هوش مصنوعی (AI) برای ترجمه کتیبه‌های خط میخی فارسی باستان به زبان‌های مدرن، برای اولین بار در دنیا می‌پردازد.

تلاش‌های قبلی با استفاده از مدل تسرکت (Tesseract) برای خط میخی دست‌نویس، ناکافی بودند و این امر منجر به توسعه یک مدل جدید با نام easyocr old persian شد.

کارهای آینده شامل بهبود تکنیک‌های پیش‌پردازش تصاویر، آموزش مدل با داده‌های بیشتر، و توسعه یک مدل زبانی بزرگ (LLM) برای بهبود ترجمه خواهد بود. همچنین نویسنده پیشنهاد کرد این روش‌ها را می‌توان برای سایر زبان‌های باستانی استفاده کرد و نیز به‌کارگیری هوش مصنوعی برای بازسازی متون شکسته از طریق تطبیق قطعات شکسته کتیبه‌ها و لوح‌ها اشاره کرد.

این پروژه بر پتانسیل هوش مصنوعی در باستان‌شناسی و زبان‌شناسی تاریخی تأکید دارد و هدف آن حفظ و درک فرهنگ‌های باستانی از طریق تکنولوژی است.

بیان شده‌اند، بلکه روابطی که به صورت ضمنی در گراف قابل حدس هستند. این ویژگی به سامانه‌های پرسش و پاسخ این امکان را می‌دهد که فراتر از آنچه از سه‌گانه‌های گراف دیده‌اند به چالش کشیده شوند. تعبیه گراف دانش یا به عبارتی دیگر، نمایش گره‌ها و یال‌ها در قالب بردارهای عددی، به همین منظور صورت می‌پذیرد. در این مقاله مسئله پاسخ به پرسش‌های فارسی با استفاده از تعبیه گراف دانش فارسی بررسی شده است. از روش‌ها و مدل‌های مختلف تعبیه گراف دانش مانند مدل‌های ترجمه‌ای و مدل‌های تطبیق معنایی استفاده شده است تا هویت پیدا و نهان گره‌های گراف دانش را در قالب بردار بازنمایی کند. از سوی دیگر معماری‌ای به کار گرفته شده است که بدین وسیله از یک سو از تعبیه پرسش‌های فارسی به زبان طبیعی و از سوی دیگر از تعبیه گراف دانش فارسی استفاده می‌کند. با مدل این سامانه بر روی مجموعه داده پرسش و پاسخ فارسی برآمده از گراف دانش فارسی، یاد گرفته می‌شود پرسش‌ها به گونه‌ای تعبیه شود که به نحوی نمایان‌گر یال ضمنی یا عینی بین ابتدای سؤال و پاسخ مربوطه باشد. بدین وسیله قادر خواهیم بود به پرسش‌هایی پاسخ دهیم که مستقیماً حقیقت مربوطه در گراف آورده نشده است.

همچنین در این تحقیق پا را فراتر گذاشته و به پرسش‌های پیچیده‌تر که نیازمند طی کردن چند یال است، پاسخ مناسب دهیم. نتایج حاصل از مدل پیشنهادی مبتنی بر تعبیه گراف دانش فارسی فارس-ویکی-کی‌جی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های فارسی، نشان‌دهنده دقت حدود ۸۵ درصد بر روی مجموعه داده پرسش و پاسخ ساده و پیچیده به زبان فارسی است.



## همایش بین‌المللی شمس و مولانا در خوی

«عرفان اسلامی در حوزه آذربایجان به‌خصوص خوی» به‌عنوان اولویت‌های اصلی در انتخاب سخنرانان و مقالات این همایش در نظر گرفته شده است. اکبری همچنین اعلام کرد که این همایش با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در پایگاه استنادی جهان اسلام (ISC) ثبت شده است و مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات پذیرش شده برای چاپ در این مرکز علمی نمایه خواهند شد.

این رویداد فرصتی مناسب برای تبادل علمی میان پژوهشگران و علاقه‌مندان به شمس تبریزی و مولانا محسوب می‌شود و در راستای ارتقاء دانش عرفانی و ادبی کشور برگزار خواهد شد.

دهمین همایش بین‌المللی شمس تبریزی و مولانا، این رویداد علمی و فرهنگی، هفتم مهرماه در شهرستان خوی آغاز به کار کرد. دبیر علمی این همایش، حجت‌الاسلام مرتضی اکبری در خصوص برگزاری این همایش گفت: همایش بین‌المللی شمس تبریزی و مولانا با حضور ۱۲۰ نفر از علاقه‌مندان، شمس‌پژوهان و مولوی‌شناسان داخلی و خارجی برگزار شد.

وی افزود: در این همایش نُه استاد خارجی از کشورهای ترکیه، پاکستان، هندوستان، آمریکا و انگلستان، به همراه هشت مولوی‌شناس و شمس‌پژوه داخلی در این همایش سخنرانی می‌کنند. همچنین از مجموع ۱۳۱ مقاله علمی پژوهشی ارسال‌شده به دبیرخانه، ۳۰ مقاله در مرحله نهایی داوری بررسی شدند و در نهایت ۲ مقاله برتر برای ارائه انتخاب شده‌اند. موضوعات «شمس‌پژوهی» و





## تبیین دیدگاه‌ها و تدقیق مفاهیم حوزه مناسبات کار و زندگی

بخش عمده پژوهش‌های اختصاص یافته به این موضوع، به حیطه «کار- خانواده» پرداخته‌اند. در واقع، یک برداشت ناقص از موضوع مناسبات کار و زندگی، تقلیل این موضوع به دو ساحت کار و خانواده است. شمار ناچیزی از پژوهش‌ها را می‌توان یافت که موضوع را فراتر از خانواده در نظر گرفته و به موضوع «کار-زندگی» یا به عبارت بهتر، «کار-زندگی غیرکاری» پرداخته باشند. روشن است که زندگی غیرکاری افراد، عرصه‌های مختلفی نظیر زندگی خانوادگی، اوقات فراغت، زیست اجتماعی، زندگی اقتصادی و نظایر آن را در بر می‌گیرد که می‌تواند از زندگی کاری فرد متأثر شده یا بر آن تأثیر بگذارد.

شصتین کرسی ترویجی با عنوان «تبیین دیدگاه‌ها و تدقیق مفاهیم حوزه مناسبات کار و زندگی» توسط دفتر کرسی‌های نظریه‌پردازی و قطب‌های علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری دبیرخانه هیأت با همکاری دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره، با رویکرد نقد و ارائه ایده علمی چهاردهم مهرماه برگزار شد. در این جلسه دکتر الهام ابراهیمی (دانشیار رشته مدیریت منابع انسانی و عضو هیأت علمی گروه پژوهشی مدیریت) ارائه دهنده بحث بود و دکتر میرعلی سیدنقوی، دکتر فاطمه براتلو و دکتر محمدرضا فتحی به‌عنوان ناقدان کرسی و دکتر بهاره نصیری به‌عنوان دبیر علمی نشست حضور داشتند.

در ابتدای این نشست علمی، پس از معرفی شرکت کنندگان توسط دکتر نصیری و ارائه مقدمه‌ای راهگشا در خصوص بحث مناسبات کار و زندگی، دکتر ابراهیمی مباحث خود را در اهمیت موضوع مناسبات کار و زندگی آغاز کرد و گفت: در شرایط فعلی بازار کار و محو شدن یا از میان رفتن مرزهای بین حوزه کار و ساحت زندگی تردیدی نیست. در این کرسی مباحث پیرامون مناسبات کار و زندگی را در قالب سه محور مهم تشریح می‌کنم. نخست، در مفهوم‌پردازی مناسبات کار و زندگی، چند شکاف عمده پژوهشی وجود دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنم.

دکتر ابراهیمی ادامه داد: در بسیاری از مقالات داخلی و حتی برخی از آثار خارجی، مفهوم مناسبات کار و زندگی به «عدم وجود تضاد میان کار و زندگی» فروکاسته شده است. به عبارت دیگر، عمده توجه پژوهشگران به موضوع مناسبات میان کار و زندگی، بر تضاد میان این دو عرصه متمرکز شده‌است، به نحوی که پژوهشگران غالباً علاوه بر عملیاتی‌سازی مفهوم تضاد کار و زندگی، بر پیامدهای نامطلوب آن نظیر استرس، ترک خدمت، غیبت، فرسودگی شغلی و ناراضی‌تمیزی تمرکز داشته‌اند. هرچند مطالعه این تعارضات اهمیت به‌سزایی دارد؛ اما با محدودکردن مطالعات به تشریح این ابعاد منفی، جنبه‌های مثبت موضوع نادیده انگاشته می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نشست علمی «تبیین دیدگاه‌ها و تدقیق مفاهیم حوزه مناسبات کار و زندگی»

با همکاری دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره برگزار می‌گردد:

### تبیین دیدگاه‌ها و تدقیق مفاهیم حوزه مناسبات کار و زندگی

ارائه دهنده:  
دکتر الهام ابراهیمی

ناقدان:

دکتر محمدرضا فتحی

دکتر فاطمه براتلو

دکتر میرعلی سیدنقوی

دبیر علمی نشست: دکتر بهاره نصیری

زمان: شنبه ۱۴ مهر ماه ۱۴۰۳ ساعت ۸ تا ۱۰

مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

پیوند ورود به نشست:

<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/ksv-hnl-kbz-3fh/join>

علاقه‌مندان می‌توانند به صورت حضوری و مجازی در این جلسه شرکت نمایند.



### سه دیدگاه اصلی

#### در زمینه فلسفه مفهوم مناسبات کار و زندگی

دکتر ابراهیمی در ادامه به سه دیدگاه اصلی در زمینه فلسفه مفهوم مناسبات کار و زندگی اشاره و بیان کرد: \* از رویکرد منفی به مفهوم مناسبات کار و زندگی، تحت عنوان «تضاد» (یا در مواردی تداخل) کار و زندگی یاد می‌شود که نخستین بار توسط گرینهاوس و باتل (۱۹۸۵) به‌عنوان شکلی از تعارض بین نقشی تعریف شد. آنان با بهره‌گیری از نظریه استرس نقش (که تحت عنوان مدل استرس سازمانی میشیگان نیز شناخته می‌شود)، رایج‌ترین تعریف از مفهوم تضاد کار و زندگی را بدین شرح ارائه دادند: «شکلی از تعارض بین نقشی که در آن فشار ناشی از نقش‌های کاری و غیرکاری باعث ناسازگاری این دو حوزه می‌شود». این دیدگاه مستقیماً مبتنی بر نظریه کمیابی (Marks, ۱۹۷۷) است که در مورد پاسخ‌گویی به چند نقش و محدودیت انرژی انسان مطرح شده است. بر اساس نظریه کمیابی، منابع انرژی و زمان موجود محدود بوده و پاسخ‌گویی به چند نقش در چنین شرایطی، به احتمال زیاد باعث تحلیل رفتن این منابع کمیاب می‌گردد. در نتیجه، افراد به منظور جلوگیری از ایجاد تضاد جدی میان کار و زندگی می‌بایست منابع محدود خود را به گونه‌ای به نقش‌های موجود در هر حوزه اختصاص دهند که فشار نقش تنها در حد قابل تحملی ایجاد شود.

سومین مسئله پژوهشی، فقدان توجه کافی به «رابطه دوسویه» میان کار و زندگی است. به‌عبارت دیگر، پژوهش‌های متعددی به تأثیر منفی / مثبت کار بر زندگی خانوادگی / غیرکاری افراد پرداخته‌اند؛ فارغ از توجه به این موضوع که این رابطه را می‌توان یک رابطه دوسویه در نظر گرفت، به‌گونه‌ای که کار افراد نیز از زندگی غیرکاری آنان تأثیر مثبت یا منفی بپذیرد.

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی تأکید کرد: مهم‌ترین مسئله (از دیدگاه پژوهشگر) - که در قالب این کرسی نوآوری درصدد تبیین و تدقیق آن هستم - درهم‌آمیختگی بیش از اندازه مفاهیم این حوزه مطالعاتی است. مفاهیمی مانند «سرریز مثبت / منفی»، «غنی‌سازی کار-زندگی»، «تسهیل کار-زندگی»، «تعادل کار-زندگی»، «تناسب کار-زندگی»، «سازگاری کار-زندگی» و بسیاری واژگان دیگر در این عرصه، عموماً معادل و جایگزین یکدیگر انگاشته می‌شوند. مسئله مهم دیگر، اطلاق عبارت «تعادل کار و زندگی» به تمامی این مفاهیم و تعبیر آن‌ها به «تخصیص زمان برابر به دو حوزه» است. به این دلیل، از واژه «مناسبات کار و زندگی» به‌عنوان معادلی برای اصطلاح رایج work life interface استفاده می‌کنم. این معادل را از این جهت برگزیدم که نخست، خنثی و فارغ از جهت‌گیری مثبت یا منفی نسبت به مفهوم است و دوم، با واژگان استفاده شده در این زمینه که معمولاً به‌شکل غلط مصطلح در اذهان پژوهشگران نقش بسته‌اند متفاوت است.



تاکنون سنجش‌های متعددی برای سنجش مفهوم تضاد کار و زندگی توسعه یافته‌اند؛ اما بیشتر پژوهشگران بر این باورند که جنبه تعارض‌زای مفهوم مناسبات کار و زندگی بر مبنای تضاد در سه محور زمان، فشار و رفتار بروز و ظهور می‌یابد.

\* دیدگاه مثبت به مفهوم مناسبات کار و زندگی به عبارتی این ایده که کار و زندگی غیرکاری می‌توانند به صورت متقابل برای یکدیگر سودمند باشند، در تلاش است تا تصویری کامل‌تر از روابط کار-زندگی ارائه دهد. در این دیدگاه فرض بر این است که انرژی یا مهارت‌های ایجاد شده یا توسعه یافته در حوزه کار می‌توانند عملکرد فرد در حوزه‌های غیرکاری را نیز بهبود دهند. به عبارت دیگر برخلاف نظریه کمیابی، در اینجا فرض اصلی بر این است که داشتن چند نقش می‌تواند منابع و فرصت‌های بیشتری برای فرد ایجاد کند که می‌توان از آن‌ها برای کمک به رشد و بهبود عملکرد در سایر حوزه‌های زندگی استفاده کرد. برای مثال، کارکنانی که مهارت‌های تصمیم‌گیری در کار را کسب می‌کنند، به تدریج از این مهارت‌های تازه به دست آمده برای برخورد مؤثرتر با کودکان خود بهره می‌گیرند. همچنین حمایت همسر و امکان مطرح کردن مشکلات کاری در خانه نیز می‌تواند کارکنان را قادر سازد به شکل بهتری از عهده فشارهای موجود در محل کار برآیند. مارکس (۱۹۷۷) به عنوان جایگزینی برای نظریه کمیابی (که رویکرد غالب در آن دوره بود و پیشتر شرح داده شد) رویکرد گسترش را مطرح کرد. فرض اصلی این رویکرد این است که پاسخ‌گویی به چند نقش لزوماً سخت نیست و باعث تحلیل رفتن منابع انرژی و ایجاد فشار نقش نمی‌شود. وی با توجه به یافته‌های علم روانشناسی، این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که فرایند مصرف انرژی انسان به شکل جدایی‌ناپذیری با فرایند تولید انرژی در وی مرتبط است. فعالیت برای تولید انرژی در انسان ضروری است؛ به طوری که حتی در زمان مصرف کردن انرژی نیز، بدن در حال تبدیل و ذخیره بخش اعظمی از آن برای استفاده‌های بعدی است. به عبارت دیگر، مدیریت بهینه چند نقش می‌تواند باعث ایجاد انرژی در فرد شود. مفاهیمی چون «سرریز مثبت»، «غنی‌سازی» و «تسهیل» کار و زندگی در این دیدگاه شکل گرفته‌اند. البته به اعتقاد برخی پژوهشگران این سه مفهوم در نظریه‌پردازی و سنجش با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند.

\* کمترین موضوع بررسی شده در حوزه مناسبات کار و زندگی، دیدگاه یکپارچه به کار و زندگی و مفاهیم متضمن آن است. مفاهیم «تعادل» و «تناسب» و «سازگاری» کار و زندگی / خانواده در این رویکرد مطرح می‌شوند. البته از آنجاکه واژه تعادل بیشترین کاربرد را در این زمینه دارد، پژوهش‌های متعددی با هدف ارتقای تعادل کار و زندگی انجام شده‌اند؛ اما معدودی از این پژوهش‌ها این مفهوم را مستقیماً مورد سنجش قرار داده‌اند و این به دلیل ضعف در مفهوم پردازی تعادل است. برخی پژوهشگران تعادل را تحت عنوان برابری میان زندگی کاری و غیرکاری مفهوم‌پردازی می‌کنند. برخی دیگر نیز آن را فقدان تضاد یا وجود غنی‌سازی می‌دانند که با عنوان «رویکرد سرریز ترکیبی» نیز شناخته می‌شود. رویکردهای جدیدتر که تحت عنوان «رویکردهای جامع تعادل» شناخته می‌شوند، به جای برابری به مفاهیم «رضایت از تعادل» و «اثربخشی تعادل» توجه می‌کنند.

جدای از مفهوم‌پردازی، بحث سنجش این مفهوم بسیار حائز اهمیت است. سنجش این مفهوم بدون در نظر گرفتن مبانی نظری عمیق انجام شده است. در یکی از تقسیم‌بندی‌های موجود، سه رویکرد برای سنجش تعادل کار و زندگی وجود دارد: (۱) مقیاس سنجش تک عاملی، (۲) مقیاس چندعاملی و (۳) رویکرد الگوریتمی. یکی از جریان‌های مطرح در حوزه تعادل کار و زندگی، «برابری» در زمینه کار و زندگی غیرکاری است. بر این اساس، برای دستیابی به تعادل می‌بایست منابع فردی را میان تمام نقش‌های زندگی به صورت منصفانه و برابر تقسیم کرد. این تعریف به معنای مشارکت، توجه، صرف زمان، عجزین شدن روانشناختی و هویت‌یابی برابر در تمام وظایف و نقش‌هاست. رویکرد الگوریتمیک گرین‌هاوس و همکاران (۲۰۰۳) برای محاسبه تعادل کار-خانواده، از این جریان پیروی می‌کند.

نوع دیگری از سنجش تعادل، توجه به مفهوم «تناسب» است. این رویکرد معتقد است تعادل تنها به میزان صرف وقت در نقش‌های مختلف مرتبط نیست؛ بلکه نکته کلیدی، رضایت فرد از نقش‌های مختلفش است. به علاوه، بنا به نظر برخی نظریه‌پردازان، تعادل لزوماً به معنای سرمایه‌گذاری برابر در نقش‌ها نیست؛ بلکه سرمایه‌گذاری بر اساس ارزش‌های اساسی فرد است. به عنوان مثال، گرینهاوس و آلن، تعادل را «میزان اثربخشی و رضایت از نقش‌های کاری و زندگی بر اساس اولویت‌هایی که فرد برای نقش‌های مختلف در یک مقطع زمانی قائل است» می‌دانند.

موضوع حائز اهمیت دیگر که آن را موقعیت‌مندی نامیده‌ام، ناظر بر مواردی چون ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، شغلی، فرهنگ و زبان است که نتایج پژوهش‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. استفاده روزمره از زبان، به نحوه سازماندهی اطلاعات و هدایت پاسخ‌ها توسط افراد شکل می‌دهد. در مورد مسئله کار-خانواده، مضامین استعاره «متعادل کردن» را در نظر بگیرید. راه حل مسئله عدم تعادل، یافتن نقطه درست و در مرکز تکیه‌گاه الاکلنگ زندگی است؛ به گونه‌ای که فرد نه از نظر کاری وزن بیشتری را تحمل کند و نه از سوی خانواده متحمل بار سنگین‌تری شود. اگر فرد در برقراری تعادل بین کار و خانواده مشکلی داشته باشد، باید فداکاری کرده و وظایف یک حوزه را به نفع تعهدات حوزه سنگین‌تر بر زمین بگذارد. این روشی است که در استعاره تعادل به‌طور متعارف استفاده می‌شود. با این حال، باید توجه داشت در واقعیت نمی‌توان تئوری استعاره تعادل را با کم و زیاد کردن عرضه و تقاضا برقرار کرد. در واقع، استعاره تعادل دارای کاستی‌های ذاتی است؛ هرچند مشکل فراتر از این است. این وضعیت را در نظر بگیرید: یک کارگر گزارش می‌دهد که «تعادل کار و خانواده» پایینی دارد. کار او مانع از ایفای نقش‌های خارج از شغلش می‌شود و وضعیت خانوادگی او از انجام وظایف شغلیش ممانعت می‌کند. استعاره تعادل از کارگر می‌خواهد تعهدات خود را بر اساس متعادل کردن وزن دو حوزه تغییر دهد.

در مفهوم‌پردازی دیگری، تعادل نه به معنای میزان وقت و انرژی صرف شده بر روی جنبه‌های مختلف زندگی، بلکه بر اساس میزان برآورده شدن نیاز افراد به استقلال، شایستگی و ارتباط با افراد تعریف می‌شود. بنابراین دیدگاه تناسب در مفهوم تعادل کار و زندگی، بر ارزیابی احساس افراد از عملکردشان در نقش‌های مختلف در حوزه‌های متعدد زندگی بر اساس ایده‌آل‌های شخصی آن‌ها مبتنی است. در حالی که دو جریان پیشین از مفهوم تعادل کار و زندگی عمدتاً روانشناختی بودند؛ به عقیده برخی پژوهشگران لازم است توجه بیشتری به جنبه‌های اجتماعی این مفهوم معطوف شود. آن‌ها خاطر نشان می‌کنند که ادراک افراد از تعادل کار و زندگی ممکن است به بهای توفیق‌های دیگر نادیده گرفته شود. به‌عنوان مثال، همسری که علاوه بر کار بیرون، تمام وظایف خانه را نیز به بهای پیشرفت همسرش در کار بر عهده می‌گیرد. در واقع، رویکرد «عملکرد نقش» بر اساس این ایده است که دیدگاه کاملاً روانشناختی به موضوع مشکل‌آفرین است؛ چون معنای قابل مشاهده‌ای در زندگی بیرونی افراد ندارد. برای غلبه بر این چالش، در این رویکرد تعادل کار و زندگی به معنای انجام تمام و کمال انتظارات مرتبط با نقش در ارتباط با شریک کاری یا زندگی است. بر این اساس، تعادل کار و زندگی معنایی خارج از ادراک افراد می‌یابد و به پژوهشگران کمک می‌کند رفتار افراد را از انتظارات رفتاری آنان تفکیک کنند.



استفاده قرار می‌گیرند، افراد اندکی آن‌ها را در تجارب زیسته خود به کار می‌بندند. در عوض، والدین شاغل تجربیات خود را با توجه به میزان مشغله و میزان فشار تجربه شده هنگام انجام وظیفه‌ای در پس وظیفه دیگر، تعریف می‌کنند. به همین دلیل، بسیاری از پژوهشگران حوزه کار و خانواده از به کار بردن اصطلاحات تعادل یا شعبه‌بازی اجتناب می‌کنند؛ مگر به‌عنوان ابتکاری که پژوهش‌های آنها را با گفتمان متعارف درباره کار زیاد و پیامدهای آن همسو کند. بنابراین مفهوم‌پردازی و به تبع آن سنجش موقعیت‌مندی سه عنصر اصلی در راستای جایمند کردن پژوهش‌های حوزه مناسبات کار و زندگی است.

### نظر ناقدان:



در ادامه دکتر میرعلی سیدنقوی، استاد رشته مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی، پرسش‌ها و نظرات خود را به این شرح مطرح کرد:

این موضوع برای گروه‌های مختلف شغلی متفاوت است. تخصیص منابع و منطبق اقتصادی ایجاد می‌کند که این‌گونه باشد. بنابراین نیاز به رویکرد تجویزی احساس می‌شود.

در خصوص عنوان رابطه کار و زندگی را پیشنهاد می‌کنم. به علاوه مفهوم معماری مناسبات کار و زندگی هم می‌تواند مناسب باشد.

در موردهای مطالعه می‌توان موارد خاص با رویکرد تضاد مانند حوزه نظامی را بیشتر مد نظر قرار داد.

پیشنهاد می‌کنم با در نظر گرفتن رویکرد کار مجازی، آینده مناسبات کار و زندگی بازتعریف شود و به‌عنوان یک فصل به کتاب افزوده شود.

اما حتی اگر او بتواند از بار کاری خود بکاهد، این لزوماً کیفیت زندگی وی را بهبود نخواهد بخشید، زیرا کنار گذاشتن برخی از نقش‌های کاری او ممکن است نیازمند از بین بردن جنبه‌های شغلی باشد که بیشترین لذت را از آن‌ها می‌برد. در حالی که تعادل به‌عنوان یک نتیجه مطلوب ترسیم شده است، کاهش مشارکت در حوزه‌های کار یا خانواده لزوماً باعث افزایش رضایت شخصی نمی‌شود. به علاوه باید توجه داشت عموماً افرادی که تعهدات شغلی و خانوادگی بسیار اندکی دارند از پایین‌ترین کیفیت زندگی برخوردارند. یک مشاهده اصلی که از این نقد به دست می‌آید این است که نباید وزن مطالبات کار و خانواده را با کیفیت این تعهدات اشتباه گرفت. می‌توان مطالبه زیادی در عرصه‌های کار یا خانواده داشت ولی از زندگی رضایت‌بخشی لذت برد. برعکس، ممکن است مطالبات اندکی در هر دو ساحت کاری و خانوادگی داشت اما با ظرفیت‌های تحقق نیافته در زندگی زیست. راه‌حل دغدغه‌های کار-خانواده صرفاً کاهش یا حذف تعهدات آن‌طور که استعاره تعادل بیان می‌کند نیست؛ گرچه گاهی اوقات می‌تواند یک کنش منطقی باشد.

دکتر ابراهیمی توضیح داد: مشابه استعاره تعادل، استعاره «شعبه‌بازی» حاکی از آن است که مشکل کار-خانواده، حفظ بیش از حد تعهدات است؛ اما در این مورد وظایف کاری و خانوادگی مانند توپ‌هایی در هوا تلقی می‌شوند. بر خلاف استعاره تعادل، استعاره شعبه‌بازی تمرکزش را بر فرد به‌عنوان مقصر معطوف می‌کند؛ به عبارت دیگر، وقتی فرد تصمیم گرفت مسئولیت‌های اضافی را به مجموعه تعهدات فعلی خود اضافه کند، وظیفه دارد که این تعهدات جدید را با موفقیت مدیریت کند. وقتی قادر به انجام این کار باشد، ستایش می‌شود: «من نمی‌دانم او چگونه این کارها را می‌کند!» اما وقتی نتواند همه توپ‌ها را در هوا نگه دارد، استعاره شعبه‌بازی به انتخاب‌هایی که فرد انجام داده و مسئولیت‌های جدیدی که بر عهده گرفته (به‌عنوان مثال، داشتن یک فرزند بیشتر یا انتخاب یک کارراهه شغلی خاص) یا مهارت‌هایش در اداره کردن تعهداتی که به نظر می‌رسد دیگران قادر به مدیریت آن هستند، تمرکز می‌کند. استعاره شعبه‌بازی توجهی به محدوده خارج از زمین بازی فرد ندارد؛ جایی که سازمان‌های حریص مسئولیت کارها را بر عهده شعبه‌باز می‌گذارند، خواه او بخواهد/ نتواند از عهده آن‌ها برآید یا نه.

در حالی که استعاره‌های تعادل و شعبه‌بازی به‌طور متعارف برای صحبت کردن در مورد کار و خانواده مورد

در این صورت چه پیشنهادی دارید؟ ارتباط این مفهوم با توصیفی که کردید، با سازه‌های دیگری مثل اعتیاد به کار را چگونه می‌بینید؟

### جمع‌بندی

سپس دکتر نصیری با جمع‌بندی پرسش‌های ناقدان از دکتر ابراهیمی خواست تا پاسخ‌های خود را مطرح کنند.

دکتر ابراهیمی ضمن تشکر از پیشنهادهای ارائه شده بیان کرد: در پژوهش‌های مختلفی که از حوزه جامعه آکادمیک تا کارکنان توان‌یاب انجام داده‌ام، به تفاوت بحث در گروه‌های مختلف شغلی اشاره کرده‌ام. البته مشخصاً تمام گروه‌های شغلی را در نظر نگرفته‌ام و این کار می‌تواند توسط پژوهشگران آتی انجام شود. وی تصریح کرد: در مورد اینکه این مفهوم در امتداد یک مسیر خطی مطرح می‌شود یا اساساً جامع است، رویکرد اول را برگزیده‌ام چون جوانب مختلفی دارد که با پرداختن به هریک، بخشی از مسیر روشن خواهد شد و بنابراین نمی‌توان ادعای تمامیت در این حوزه داشت. مشخصاً دغدغه‌های اجرایی/سیاستی رویکردهای تضاد و پارادایم پوزیتویستی را پررنگ می‌کنند، اما همان‌طور که اشاره شد، پارادایم‌های تفسیری و انتقادی پاسخ‌ها و تبیین‌های مختلفی از موضوع خواهد داشت.

درخصوص تعمیم‌پذیری نیز روش پژوهش بسیار مهم است. پژوهش‌های تفسیری ادعای تعمیم‌پذیری ندارند و در بهترین حالت ممکن است انتقال‌پذیر باشند. در مورد اعتیاد به شغل هم مانند بحث مناسبات کار و زندگی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و نمی‌توان این موضوع را نقطه‌ای در نظر گرفت. در آنجا دست‌کم دو بعد «اجبار به کار» و «لذت بردن از کار» تفکیک‌های مختلفی ایجاد می‌کنند.

در پایان با دعوت دبیر علمی نشست، شرکت‌کنندگان پرسش‌ها و نظرات خود را مطرح کردند.



دکتر فاطمه براتلو، دانشیار رشته مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرسش‌ها و نظرات خود را به این شرح مطرح کرد:

این موضوع، استعاره سازمان به‌مثابه الگوی طبیعی را به ذهن متبادر می‌کند. باید در نظریه‌پردازی توجه داشت که این مرزهای محو میان موضوعات را چگونه می‌توان واکاوی کرد.

باید مشخص شود این مفهوم در امتداد یک مسیر خطی مطرح می‌شود یا اساساً جامع است؟

دغدغه‌های اجرایی/سیاستی در این خصوص محل تأمل است و نحوه عملیاتی کردن موضوع باید مدنظر قرار گیرد. یعنی چگونه یک مدیر منابع انسانی با در نظر گرفتن تمام جنبه‌های موضوع می‌تواند دغدغه‌های اجرایی را پاسخ دهد و در بحث نظریه‌پردازی این رویکردهای انتقادی و تفسیری چگونه در کنار هم قرار می‌گیرند.

سپس دکتر محمدرضا فتحی، دانشیار رشته مدیریت دانشگاه تهران، پرسش‌ها و نظرات خود را به این شرح مطرح کرد:

این کرسی ترویجی خروجی‌های متعدد و جالب توجهی داشته است. تا جایی که می‌دانم این کار یک طرح پژوهشی است که یک کتاب و شش مقاله علمی پژوهشی از آن مستخرج شده است. متأسفانه همان‌طور که گفتند به‌خصوص در پایان‌نامه‌ها و ترها کمتر به موضوع همه‌جانبه نگاه شده و ما تعادل را به‌عنوان نبود تضاد در نظر می‌گیریم. چون رویکردهایی که در نظر می‌گیریم بیشتر کاربردی هستند برای اینکه مدل‌هایی را در ترکیب با سایر متغیرها در نظر بگیریم، خیلی موارد تعمیم‌پذیری را باید مد نظر قرار دهیم.

## تدوین بسته آموزشی مبتنی بر قالب های معنایی

همان طور که می دانید اگر چه در فارسی نوشتاری، تکالیفی در ارتباط با کتاب فارسی خوانداری دیده می شود، اما طرح درس مستقلاً برای نگارش وجود ندارد یا اگر هست بسیار محدود است.

دستاورد طرح پژوهشی دانش گر و همکارانش در فرهنگستان زبان و ادب فارسی با عنوان ارزشیابی توانایی نوشتن دانش آموختگان نظام متوسطه کشور (دانشگر، ۱۳۹۳) و مهارت های دانش آموختگان نظام متوسطه با محوریت درس زبان و ادبیات فارسی (دانشگر، ۱۳۹۶) ناظر است بر اینکه توانایی نگارش دانش آموزان در مقایسه با توانایی های زبانی خواندن، صحبت کردن، و گوش کردن پایین تر است.

نوشتن را می توان از جمله بزرگ ترین چالش های مقاطع مختلف تحصیلی از دبستان تا دوره های تحصیلات تکمیلی دانشگاه برشمرد. اگر نوشتن را یکی از برون داده های اندیشیدن بدانیم ریشه اصلی مشکلات نگارش را باید در عدم تسلط به ساخت های شناختی ای جست و جو کنیم که تفکر را تسهیل می کنند و به آن سمت و سو می بخشند.

از منظر کافی، در جامعه ایران به سه دلیل کم می نویسند: مطلب چندانی برای نوشتن ندارند، انگیزه نوشتن ندارند و نمی توانند بنویسند (کافی، ۱۳۷۹). با توجه به اینکه نوشتن تسلط بر دو فرایند ادراکی «فرایندهای واژگانی» و «فرایندهای درک» را فعال می کند که به نوبه خود در کنش نگارش دخالت می کنند، این رهیافت زمینه ای فراهم آورد برای طرح پرسش اصلی پژوهش پیش رو که «چگونه می توان مهارت نگارش را تقویت کرد».

شصت و یکمین کرسی ترویجی با عنوان «تدوین بسته آموزشی مبتنی بر قالب های معنایی و تأثیر آن بر مهارت نوشتن دانش آموزان پایه ششم دبستان» توسط دکتر مریم سادات فیاضی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، نهم آبان ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست دکتر فیاضی پس از ابراز احترام و ادب به استاد خود دکتر ارسلان گلفام، زمینه پدیدآیی ایده خود را تلمذ در محضر ایشان برشمرد و رهیافت شان در رساله دکتری خود را زمینه ساز طرح ایده ای نو دانست.

دکتر امین متولیان، مدیر علمی جلسه نیز ضمن خیر مقدم به استادان و ناقدان گرامی و حاضران محترم به معرفی سابقه علمی دکتر فیاضی و هم چنین ناقدان جلسه، دکتر ارسلان گلفام و دکتر حیات عامری پرداخت.

### «نوشتن» از بزرگ ترین چالش های مقاطع مختلف تحصیلی است

در ادامه دکتر فیاضی بحث خود را آغاز کرد و گفت: عنوان طرح حاضر «تدوین بسته آموزشی مبتنی بر قالب های معنایی و تأثیر آن بر مهارت نوشتن دانش آموزان پایه ششم دبستان» است که با حمایت ستاد توسعه علوم و فناوری های شناختی به سامان رسید و هدف از انجام آن ارائه راهکاری برای افزایش توانش نوشتاری دانش آموزان دوره دبستان بود و دوره ششم به عنوان برون داد کل پایه ها در نظر گرفته شد.



گلبریت و تورنس (۲۰۰۶) اذعان می‌کنند که اگر به فرآیندهای شناختی دخیل در نوشتن به شکل یک نظام نگریسته شود، باید درصدد پاسخ‌گویی به دو پرسش بود: یکی چگونگی فراخوانی مفاهیم از حافظه بلندمدت و دیگری، جزء به کل (bottom-up) یا کل به جزء (top-down) بودن تولید محتوا. نخستین نظریه‌های مربوط به کل به جزء درباره مهارت نوشتن بر این فرض استوارند که دانش از طریق شبکه‌های معنایی در حافظه ذخیره می‌شوند و ایده‌ها به روش‌های متفاوتی به یکدیگر پیوند می‌یابند، اما در همین ارتباط، پرسش دیگری که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان دانش را سازمان‌دهی کرد تا بتوان مجدداً آن را بازیافت. پژوهشگران بر این باورند که یکی از راه‌های سازمان‌دهی دانش اخباری، بیان آنها در قالب کلمه‌ها یا نمادهاست (همپتون، ۱۹۹۷ الف). مفهوم (Concept)، واحد بنیادین دانش نمادین است؛ یعنی ایده‌ای درباره چیزی که روشی را برای درک دنیا فراهم می‌آورد. شناخت‌گرایان استفاده از خصایص تعریف‌کننده (Defining features)، پیش‌نمون (Prototype)، شبکه‌های معنایی (Semantic networks)، طرح‌واره‌ها (Schemas)، مقوله‌ها (Category) و قالب‌های معنایی (Semantic frames) را روش‌های مختلف سازمان‌دهی مفاهیم معرفی می‌کنند.

از میان نظریات پیشنهادی درباره نوشتن، رویکرد حل مسئله هایس و فلاور و الگوی مک‌آرتور و گراهام درباره نقش حافظه، رونویسی و خودتنظیمی، از میان فرآیندهای شناختی دخیل در نوشتن، رویکرد کل به جزء (که دانش به صورت شبکه‌های معنایی در حافظه

در سال‌های اخیر، توسعه مدارس جدید، گسترش سواد و نقش مکاتبات در زندگی روزمره، نوشتن را به یکی از کانون‌های اصلی توجه مواد آموزشی تبدیل کرده (قاسم‌پور، ۱۳۹۱) که خود متأثر از دگرگونی در روش‌های مطالعاتی روان‌شناسی و آموزش است. ریشه تغییر در روش‌های مطالعاتی روان‌شناسی را در دهه ۱۹۵۰ می‌توان بازجست؛ در آن هنگام که روان‌شناسی شناختی یا به عبارت دقیق‌تر حوزه کران‌گشاده علوم شناختی، به دنبال ناکامی‌های نظری و روش‌شناختی روان‌شناسی رفتارگرا مطرح شد. به تبع چنین چرخشی و تلاش برای راه‌بردن به درک فرآیندهای شناختی مؤثر بر نوشتن، تا به امروز پنج الگوی نظری در این زمینه پیشنهاد شده است.

در رویکرد هایس و فلاور (۱۹۸۰) نوشتن به مثابه فرایند حل مسئله در نظر آورده می‌شود. الگوی اصلاح‌شده تعمیم‌یافته هایس (Hayes's Revised and Expanded Model) که مجموعه متنوعی از ساختارهای روان‌شناختی را با شواهدی درباره شناخت در هم می‌آمیزد. بریتر و اسکاردامیلا (۱۹۸۷) پیشرفت در نگارش را با استناد به الگوهای متضاد پیشرفت و مهارت در تنظیم کردن (composing) توضیح می‌دهند. الگوی سوم، الگوی زیرمان و رایزبرگ (۱۹۹۷) مبتنی بر خودتنظیمی (Self-regulation) و توسعه آن است. الگوی پیشنهادی الکساندر، یادگیری دامنه (Domain learning) را به نوشتن بسط می‌دهد. الگوی پنجم، یعنی الگوی (مک‌آرتور و گراهام) به نقش حافظه کاری (working memory)، رونویسی (transcription) و خودتنظیمی (Self-regulation) می‌پردازد.



واژه، پیدایش واژه‌های تازه، افزودن معانی جدید به واژه‌های از پیش موجود و نیز چگونگی انباشت معنایی به‌دست می‌دهد. فیلمور «قالب» را نظامی از مفاهیم مرتبط در نظر می‌آورد که درک هر یک از آنها مستلزم درک ساختار دربرگیرنده آن است (فیلمور، ۱۹۸۲: ۱۱۷). به این اعتبار که هرگاه یکی از عناصر چنین ساختاری در متن یا گفت‌وگو به‌کار رود، دیگر عناصر آن نیز به‌طور خودکار فعال می‌شوند.

در رویکرد قالب‌بنیاد هر واژه معرف چارچوبی است برآمده از تجربیات گذشته که به‌کار پردازش و درک تجربه‌های مشابه در موقعیت‌های بدیع (برانگیزنده) می‌آید. بنابراین، قالب بر خلاف آنچه عمدتاً تصور می‌شود «معنای واژه نیست» بلکه «چیزی است که برای درک آن واژه مورد نیاز است». در نتیجه به‌لحاظ نظری هر آن‌چه گویشور درباره دنیا می‌داند بخش بالقوه‌ای از قالب یک واژه خاص است که به نوبه خود ساختار چندبعدی قالب‌ها را سبب می‌شود. برای آنکه مهمانان غیرزبان‌شناس به روشنی با مفهوم قالب آشنا بزنند ذکر مثالی خالی از لطف نخواهد بود.

دکتر فیاضی شرح داد: فیلمور با اشاره به رویدادهای تجاری نشان می‌دهد که چگونه طبقه یا مجموعه بزرگی از افعال به دلیل آن‌که صحنه مشابهی را برمی‌انگیزند به‌لحاظ معنایی با یکدیگر مرتبط هستند. به‌عنوان مثال عناصر طرح‌واره‌ای کنش خریدن، شامل شخصی است که به مبادله پول برای کالا علاقه دارد (خریدار) و دیگری کسی که به تبادل کالا به جای پول فکر می‌کند (فروشنده)، چیزی که خریدار به‌دست می‌آورد (کالا) و چیزی که به‌دست فروشنده می‌رسد (پول). با استفاده از اصطلاحات این قالب می‌توان خریدن را کنشی دانست که بر عمل خریدار در رابطه با کالا تأکید می‌کند و فروشنده و پول را در پس‌زمینه قرار می‌دهد؛ درحالی‌که فروختن بر کنش فروشنده با توجه به پول معطوف می‌شود و کالا و فروشنده را به پس‌زمینه می‌راند. این فرایند به شیوه‌ای مشابه در ارتباط با فعل‌های خرج کردن، هزینه کردن، و حساب کردن تکرار می‌شود. در نتیجه، بار دیگر می‌توان بر این نکته تأکید کرد، هیچ‌کس نمی‌تواند معانی افعال پیش‌گفته را بفهمد مگر آنکه درباره جزئیاتی اطلاع داشته باشد که صحنه در اختیارش می‌گذارد. بنابراین قالب، روشی است برای ساخت‌مند کردن صحنه‌ای که نمایش داده می‌شود یا به کمک آن صحنه به یاد آورده می‌شود. به‌عبارت دقیق‌تر، قالب، معانی واژه را

ذخیره می‌شوند) و از الگوهای پیشنهادی برای چگونگی سازماندهی اطلاعات در حافظه، رویکرد معنی‌شناسی قالب فیلمور با یکدیگر هم‌گرا شدند.

مروری بر ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته در ارتباط با آموزش زبان فارسی به مهارت خواندن توجه دارند و آن دسته پژوهش‌هایی که به نوشتن می‌پردازند، غالباً املاء را در کانون مطالعات خود قرار می‌دهند نه انشاء را. از زمان طرح رویکرد شناختی در ایران و مشخصاً زبان‌شناسی شناختی، حجم زیادی از مطالعه زبان فارسی معطوف به مطالعه انواع استعاره‌های مفهومی، طرح‌واره‌ها و نظریه پیش‌نمون یا نمونه اعلاء در این رویکرد بوده و پژوهش‌هایی نیز در باب دستور زبان صورت گرفته است. از این میان نقش معنی‌شناسی قالب و کارکردهای آن در حوزه‌های مختلف چندان مورد عنایت پژوهشگران نبوده است. ازاین‌رو، ابتدا رویکرد معنی‌شناسی قالب به‌عنوان خاستگاه نظری پژوهش انتخاب شد برای پاسخ‌گویی به پرسش اصلی پژوهش، «چگونه می‌توان مهارت نگارش را با استفاده از خواندن تقویت کرد؟» فرضیاتی مطرح شد مبنی بر اینکه:

الف. قالب‌های معنایی را می‌توان با استناد به متون روایی طراحی‌شده به‌صورت غیرمستقیم به دانش‌آموزان پایه ششم دبستان آموزش داد.

ب. در کتاب فارسی دوره دبستان انواع معانی موجود در یک قالب معنایی آموزش داده می‌شود و هر یک از انواع معانی مورد نظر به یک اندازه مورد توجه قرار گرفته‌اند.

ج. با استناد به انواع معانی موجود در یک قالب معنایی و تولید متون روایی و پرسش‌نامه متناظر با آن می‌توان بسته‌ای برای آموزش غیرمستقیم قالب‌های معنایی طراحی کرد.

د. آموزش غیرمستقیم قالب‌های معنایی بر توانش نوشتاری دانش‌آموزان پایه ششم مؤثر است.

اما بنیان‌های نظری معنی‌شناسی قالب چگونه به‌کار پژوهش حاضر آمد؟ میان سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۲ چارلز فیلمور رویکرد تازه‌ای را با عنوان «معنی‌شناسی قالب» معرفی کرد که امروزه یکی از مباحث اصلی زبان‌شناسی شناختی است. به باور او، رویکرد قالب‌بنیاد، شیوه‌های بدیعی برای پرداختن به معنی





ساخت‌مند می‌کند و آن واژه، قالبی را برمی‌انگیزد.

اولین پژوهش صورت‌گرفته در معنی‌شناسی قالب در ایران، در چارچوب رساله‌ای دکتری به مطالعه چندمعنایی اختصاص داشت. فیاضی (۱۳۸۸) در این پژوهش ضمن بررسی پدیده چندمعنایی در زبان فارسی، الگویی برای دسته‌بندی انواع معانی موجود در یک قالب ارائه کرد. به باور او، معنای مفهومی واژه به صورت توده درهم‌آمیخته‌ای از جنبه‌های معنایی در نظر آورده می‌شود که معنای صریح، دستوری، سبکی، هم‌آیندی، کاربردی، تلویحی و متداعی را در خود جای می‌دهد.

معنای صریح: به رابطه میان یک واحد زبانی با مصداقی غیرزبانی اشاره دارد.

معنای دستوری: معنایی که حاوی اطلاعات دستوری همچون مقوله کلام، تعداد محمول‌ها و مانند آن می‌شود. معنای کاربردی: به کاربرد زبان در کنش‌های ارتباطی دلالت می‌کند.

معنای هم‌آیندی: رابطه‌ای ساختی میان واژه‌های زبان است که در نتیجه آمیزه‌ای از صرف و معنی روی می‌دهد.

معنای تلویحی یا ضمنی: رابطه میان یک واحد واژگانی با بافت‌های فرهنگی، عاطفی و غیرزبانی است معنای متداعی: مجموعه تمامی معانی‌ای است که گویشور با شنیدن یک واژه به آن می‌اندیشد.

معنای سبکی: معنایی که وابسته به بافت یا موقعیت، موضوع یا مخاطب و شامل انواع متفاوتی همچون سبک گفتاری/ نوشتاری و عامیانه/ رسمی می‌شود

### مرحله نخست تحلیل محتوای کتاب فارسی (خوانداری و نوشتاری)

در مرحله نخست تحلیل محتوای کتاب فارسی (خوانداری و نوشتاری) پایه‌های اول تا ششم دبستان مورد مطالعه قرار گرفت.

پرسش پژوهش: در کتاب فارسی دوره دبستان کدام یک از انواع معانی موجود در یک قالب معنایی آموزش داده می‌شود؟ و هر یک از انواع معانی مورد نظر تا چه سطحی مورد توجه قرار گرفته‌اند؟

پارادایم: کیفی

روش پژوهش: تحلیل محتوا

جامعه پژوهش: کتاب‌های فارسی خوانداری و نوشتاری پایه اول تا پایه ششم

نمونه: تمامی متون خوانداری و کلیه تمرینات نوشتاری کتاب‌های فارسی اول تا ششم

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: توصیفی-تحلیلی  
تحلیل کتاب‌های فارسی خوانداری و نوشتاری دوره دبستان از منظر معنی‌شناسی قالبی مبین آن است که آموزش انواع معانی موجود در یک قالب به صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شود. آموزش معنای صریح، معنای هم‌آیندی و معنای متداعی در قالب تکلیف‌های خوانداری و نوشتاری مختلف صورت می‌گیرد که از این میان بخش تمرین‌های مربوط به معنای صریح با توزیع ۴. ۶۷٪ بیش از معنای هم‌آیندی ۶. ۱۸٪، متداعی ۲. ۱۳٪ و سبکی ۸. ۰٪ است و معنای تلویحی و کاربردی آموزش داده نمی‌شود.

### مرحله دوم: طراحی بسته آموزشی اختصاص

پرسش: چگونه می‌توان بسته‌ای برای آموزش غیرمستقیم قالب‌های معنایی برای دانش‌آموزان پایه ششم دبستان ارائه کرد؟

روش: اقدام‌پژوهی

جامعه پژوهش: دانش‌آموزان پایه ششم دبستان

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: توصیفی-تفسیری

برای طراحی متون روایی در قالب داستان‌های مینی‌مالیستی اصول حاکم بر معنی‌شناسی قالب از زبان‌شناسی شناختی، رویکرد تکلیف‌محور از آموزش و پرورش شناختی و مفاهیم نظری مطرح در روان‌شناسی شناختی را با یکدیگر هم‌گرا شدند رهیافت بدیعی حاصل شد. در طرح پیش‌رو، قالب‌های معنایی در مقام یکی از روش‌های سازماندهی و بازیابی اطلاعات به‌عنوان خاستگاه نظری طراحی بسته آموزشی نوشتن معرفی شد. به‌عنوان نمونه به قالب معنایی توپ توجه فرمائید. این معنایی از فرهنگ لغت سخن استخراج شده است.

قالب معنایی توپ

دکتر فیاضی ادامه بحث خود را این‌چنین تشریح کرد: حالا متن روایی را که بر اساس این قالب طراحی شده برای تان می‌خوانم و پیش از آن، از همسرم دکتر حسین صافی برای آفرینش این داستان‌های مینی‌مالیستی تشکر می‌کنم.

توپ

بیشتر از دو دقیقه به آخر بازی نمانده بود، درحالی‌که ما هنوز یک گل عقب بودیم. احمدرضا داشت پشت هجده قدم توپ را دست‌به‌دست می‌کرد و پایه‌پا می‌شد که ناگهان نعره علی‌آقا از کنار زمین بلند شد: «دست بجنبون احمد...! مگه توپی حریره که

بررسی قرار گرفت. متناظر با مهارت‌های شناختی پیش‌گفته، ۱۰ خرده‌آزمون یادآوری نشان‌دار برای معنای هم‌آیندی، بازناسی معنای کاربردی، شناسایی معنای متداعی یک قالب، تشخیص معانی متفاوت قالب، تداعی بر اساس شباهت آوایی، تداعی بر پایه شباهت معنایی یا مشابهت صحنه، یادآوری آزاد، قالب یک رویداد و درک متن طراحی شد.

۱- خرده‌آزمون یادآوری نشان‌دار برای معنای هم‌آیندی (تفکر و هوشیاری)

این آزمون برای جفت‌های هم‌آیند طراحی شده است. آزمودنی باید به‌روایتی که توسط آزمون‌گر خوانده می‌شود خوب گوش فرادهد و سپس جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کند. پاسخ‌های درست باید از میان گزینه‌هایی انتخاب شود که در ادامه پرسش به او ارائه می‌شود.

این‌قدر نازش می‌کنی؟! یه‌راست بفرستش رو خط حمله دیگه!» یک لحظه بعد، درحالی‌که علی‌آقا دودستی چنگ انداخته بود به ریش توپیش‌اش و صدای جیغ‌مانندش را انداخته بود بر سرش، رو به جلوی زمین داشت می‌توپید که «یالا برجک‌شون رو با خاک یکی کنید! ببندیدشون به توپ!» فریاد علی‌آقا انگار مهدی را از جا کند و پشت دفاع چندلایه حریف فرود آورد. چیزی نگذشت که توپ‌وتشرهای علی‌آقا در غوغای توپ‌وترقه تماشاگران گم شد و استادیوم مثل توپ ترکید. روزنامه‌های فردا از قول علی‌آقا خطاب به هم‌تای خودش نوشته بودند: «جواب ناخدا با ناخدا توپ است در دریا!»

#### قالب معنایی قرص

من از بچگی بیننده پروپاقرص تلوزیون بودم، از برنامه‌های کودک گرفته تا مسابقه‌های ورزشی. در عوض، درس‌هایم را فقط شب امتحان می‌خواندم؛ آن‌هم نه در حد دوره یا به‌قول بابابزرگ «دوقرصه» کردن. یادم است تازه فصل امتحانات نهایی کلاس ششم رسیده بود و بابابزرگ مدام زیر لب با خودش می‌خواند: «قرص خورشید در سیاهی شد/ یونس اندر دهان ماهی شد!» و مامان‌بزرگ در جواب گوشه‌وکنایه‌های بابابزرگ به شب‌بیداری‌های من در می‌آمد که: «یه قرص نون بخور و صد تا خیرات کن که جای خورشید حضرت‌عالی‌رو هرشب صورت مثل قرص ماه پسر من بگیره!» بابابزرگ هم حسابی از کوره درمی‌رفت که: «آخه این چه درس خوندنیه یونس جان؟! نمره‌های ناپلئونی شما هم مثل قلب نیم‌سوز بنده به قرص‌های زیربونی مامان‌بزرگتون بنده». اما من همچنان تلم به حمایت‌های مامان‌بزرگ قرص بود و بود تا اینکه قلب بابابزرگ دو ماه بعد از آخرین امتحان من، درست در همان روزی که قرار بود کارنامه‌ام را بگیرم، گرفت و دیگر به هیچ قرصی جواب نداد که نداد.

#### آزمون‌ها

از آنجاکه آزمون نوشتن از نقطه‌نظر طرح حاضر در زبان فارسی وجود نداشت، یک پرسش‌نامه ۱۰ گزینه‌ای محقق‌ساخته به‌عنوان ابزار سنجش یا همان تکلیف بر اساس اصول آموزش و پرورش شناختی طراحی شد. در این پرسش‌نامه، مهارت‌های شناختی تفکر خلاق، پردازش اطلاعات، تصمیم‌گیری و استدلال، حافظه، تفکر و هوشیاری، ارزشیابی اطلاعات، حل مسئله و خلاقیت، پژوهش و ادراک در ارتباط با قالب‌های معنایی مورد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 شصت و یکمین کرسی ترویجی با رویکرد «قرصه و نقد ایده علمی»  
 با همکاری دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره برگزار می‌گردد

---

تدوین بسته‌ی آموزشی مبتنی بر قالب‌های معنایی

و تأثیر آن بر مهارت نوشتن دانش‌آموزان پایه‌ی نهم دبستان

ارائه دهنده:  
دکتر مریم سادات فیاضی

مدیر علمی:  
دکتر امین متولیان

ناقد:  
دکتر ارسلان کلفام

ناقد:  
دکتر حیات عامری

زمان: چهارشنبه ۹ آبان ۱۴۰۳ ساعت ۱۰ تا ۱۲

مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.iics.ac.ir/rooms/2pv-wn2-rz1-aan/join>

علاقتمندان می‌توانند به صورت حضوری و مجازی در این جلسه شرکت نمایند.



می‌گیرد. چرا که شباهت آوایی قالب هدف قالبی موجب برانگیختگی قلبی می‌شود که از نظر آوایی به آن شباهت دارد.

۷- خرده‌آزمون حافظه ضمنی - خرده‌آزمون تداعی (شباهت معنایی/صحنه) (حافظه و ارزشیابی اطلاعات) در این خرده‌آزمون آزمودنی باید از میان چهار گزینه پیشنهادی، پاسخ درست را برگزیند. هر کلمه هدف در سمت راست ثبت شده و از آزمودنی خواسته می‌شود که از میان سه گزینه سمت چپ پاسخ درست را انتخاب کنند. پاسخ‌های سمت چپ هر یک به یک قالب معنایی تعلق دارند و تنها یکی از گزینه‌ها به قالب هدف مرتبط است. هدف این آزمون پردازش متوالی آزمودنی‌ها با استفاده از معنابن‌های موجود در هر قالب است.

۸- خرده‌آزمون یادآوری آزاد (حافظه) این آزمون، از دو آزمون تشکیل شده است. در مرحله اول، برای یک واژه هدف، هفت واژه مربوط به قالب آن به ترتیب بر روی کارت‌های جداگانه‌ای نشان داده می‌شود، پس از پایان نمایش کارت‌ها، از آزمودنی خواسته می‌شود که هر تعداد از کلمات را که می‌تواند به یاد آورد و در پاسخ‌نامه ثبت کند. در مرحله دوم برای یک واژه هدف، واژه‌های پراکنده و نامرتب به قالب مورد نظر، به ترتیب روی کارت‌های جداگانه نشان داده می‌شود. مجدداً پس از پایان نمایش کارت‌ها، از آزمودنی خواسته می‌شود که هر تعداد از کلمات را که می‌تواند به یاد آورد.

این تکلیف نیاز به حافظه صریح برای دانش اخباری دارد. در این تکلیف، آزمودنی باید گویه‌های یک فهرست را با هر ترتیبی که می‌تواند به یاد آورد و یادداشت کند.

۹- خرده‌آزمون قالب یک رویداد (ارزشیابی اطلاعات) با توجه به اینکه قالب‌ها پیکره یک پارچه‌ای از دانش هستند که برای مفهوم یک واژه بدیهی انگاشته می‌شوند، در این خرده‌آزمون از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا حوزه منسجمی را در فضای مفهومی شناسایی کنند.

۱۰- خرده‌آزمون درک متن (پژوهش و ادراک) در این خرده‌آزمون، دانش‌آموزان پس از شنیدن متن روایی باید به سؤال‌هایی که پرسیده می‌شود پاسخ

۲- خرده‌آزمون بازشناسی معنای کاربردی (حافظه) در این آزمون از آزمودنی خواسته می‌شود با توجه به متن روایی‌ای که پیش‌تر توسط آزمون‌گر برای او خوانده شده، با استفاده از واژه‌های مناسب جاهای خالی را پر کند.

۳- خرده‌آزمون پردازش معنایی قالب (پردازش اطلاعات) در این آزمون پس از ارائه متن روایی، برای سنجش آگاهی آزمودنی از معنای صریح یک قالب، یک پرسش همراه با پاسخی ۴ گزینه‌ای مطرح می‌شود. گزینه‌های پیشنهادی در بردارنده معنای صریح، متداعی، تلویحی و کاربردی یک قالب مشخص هستند و آزمودنی فقط باید معنای صریح را به عنوان پاسخ درست برگزیند. به منظور درک بهتر آزمودنی از تکلیف خود، بخش تمرین نیز پیش‌بینی شده است که توسط آزمون‌گر قبل از انجام تمرین اصلی صورت خواهد پذیرفت.

۴- خرده‌آزمون معنای متداعی یک قالب (حل مسئله و خلاقیت) در این آزمون بعد از آن که آزمودنی‌ها به متن روایی گوش کردند از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود که در ارتباط با یک قالب خاص، واژه‌هایی را که با شنیدن آن واژه به ذهن‌شان متبادر می‌شود از میان مجموعه‌ای از واژه‌ها انتخاب کنند و در در جاهای مشخص شده بنویسند.

۵- خرده‌آزمون معنای متفاوت قالب (تصمیم‌گیری و استدلال) در این آزمون انواع معنای متفاوت یک قالب (شامل معنای صریح، تلویحی، سبکی، کاربردی، و متداعی) به صورت پراکنده در میان شمار دیگری از معنای نامرتب به قالب مورد نظر در قالب پرسشی چهارگزینه‌ای به آزمودنی ارائه می‌شود، آنگاه از آزمودنی خواسته می‌شود که معنای مرتبط با آن قالب را در گزینه مورد نظر شناسایی و انتخاب کنند.

۶- خرده‌آزمون حافظه ضمنی - خرده‌آزمون تداعی (شباهت آوایی) (حافظه) در این خرده‌آزمون آزمودنی باید از میان چهار گزینه پیشنهادی، پاسخ درست را برگزیند. هر کلمه هدف (سمت راست) دیده می‌شود و از آزمودنی خواسته می‌شود که از میان سه گزینه سمت چپ که آنها در پرسش‌نامه ثبت شده پاسخ درست را انتخاب کنند. در این آزمون پردازش متوالی آزمودنی‌ها مورد مطالعه قرار

اطلاعاتی را فعال کرد که در حال حاضر خارج از آگاهی هشیار دانش‌آموزان قرار دارد. به این منظور آماده‌سازی (Priming) به‌عنوان نخستین گام در مرحله پیش‌تکلیف معین شد. منظور از آماده‌سازی، بازشناسی محرک معینی، تحت تأثیر ارائه پیشین همان محرک یا محرک شبیه آن بود (Neely, ۲۰۰۳). آماده‌سازی سبب می‌شد تا فرایند طبقه‌بندی و دسترسی به واژه‌ها تسهیل شود.

مرحله آماده‌سازی در پاره‌ای موارد با ارائه تصاویر صورت می‌گرفت مانند آماده‌سازی برای معنای کاربردگی گل یا معنای متداعی قرص یا با استفاده از بیان نمادین (گفتار) در قالب گفت‌وگو در باب موضوعی خاص، مثل آماده‌سازی برای معنای صریح توپ با استفاده از ارائه گزارش کوتاهی از بازی فوتبال اخیر یا طرح پرسش درباره اینکه دانش‌آموزان طرفدار کدامیک از تیم‌های فوتبال ایران یا سایر کشورها هستند (در مدرسه پسرانه) و یا از کدامیک از بازی‌های توپی بیشتر لذت می‌بردند (در مدرسه دخترانه). این مرحله در حدود ۱۰ دقیقه انجام می‌گرفت. برای آموزش معنای کاربردی و اهمیت آن در بسط معنای واژگانی، پژوهشگر، کاربرد صفت‌های مختلف را در مقایسه با صفت‌های واحد در ارتباط با موصوفی خاص در قالب بازی با کلمات توضیح داد. آموزش معنای متداعی در قالب بازی تداعی ارائه شد و آموزش معنای هم‌آیندی با ارائه توضیحات مختصر و مناسب با فهم دانش‌آموزان صورت پذیرفت.

در ادامه با طرح پرسش‌هایی در ارتباط با موضوع و ایجاد علاقه و تأکید بر واژه‌های مرتبط، دانش‌آموزان برای ورود به چرخه تکلیف آشنا می‌شدند. در این مرحله، پژوهشگر متن روایی را یک‌بار، با سرعت کم و به‌صورت نمایشی یعنی با تغییر آهنگ کلام، لحن گفتار، رعایت تأکید و مکث برای دانش‌آموزان می‌خواند. تکلیف دانش‌آموزان در این مرحله، گوش کردن به متن روایی و سپس ارائه خلاصه‌ای از آن در گروه‌های پنج نفره بود. گزارش چرخه تکلیف در قالب بیان تجربه‌های شخصی در ارتباط با یکی از معانی مرتبط با قالب معنایی صورت می‌گرفت. برخی از دانش‌آموزان می‌توانستند تا به معنایی غیر از معنای صریح یک قالب اشاره کنند. بازه زمانی اجرای این مرحله بین ۲۰ تا ۲۵ دقیقه بود.

در مرحله پس‌تکلیف، ده تکلیف در هیأت ده خرده‌آزمون در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گرفت. طی پس‌تکلیف که مرحله تمرکز زبانی نام دارد دانش‌آموزان ملزم بودند از طریق بازاندیشی و تأمل به

درست یا غلط بدهند. این آزمون در شمار تکالیف بازشناسی قرار دارد و طی آن آزمودنی می‌بایست گویه‌ای را که فرا گرفته انتخاب یا مشخص کند.

سپس بسته آموزشی (شامل متون روایی و آزمون‌های منطبق با آن) توسط متخصصان مورد بازبینی قرار گرفت و اشکالات آن مرتفع شد. برای تعیین روایی، بسته آموزشی در اختیار چهار صاحب‌نظر در رشته‌های زبان‌شناسی شناختی، روان‌شناسی شناختی، آموزش و پرورش شناختی، برنامه‌ریزی درسی و دو آموزگار پایه ششم قرار گرفت و روایی آن با استفاده از فرمول شاخص روایی (Content Validity Index) ۸۰ درصد محاسبه شد. پایایی آزمون‌ها با استناد به روش بازآزمایی سنجیده شد. به این اعتبار، که آزمون در دو نوبت در اختیار آزمون‌شوندگان قرار گرفت و سپس نمره‌های حاصل با یکدیگر مقایسه شد و ضریب همبستگی بین نمره‌های به‌دست آمده از دو بار اجرای آزمون در یک بازه زمانی ده روزه ضریب پایایی آزمون تعیین شد. به این ترتیب، پایایی آزمون‌ها با سنجش میزان همبستگی ۰/۸۶ به اثبات رسید.

### مرحله سوم: ارزیابی میزان اثربخشی بسته آموزشی

پرسش: آموزش غیرمستقیم قالب‌های معنایی چه تأثیری بر توانش نوشتاری دانش‌آموزان پایه ششم دبستان دارد؟

پارادایم: کمی

روش: شبه‌آزمایشی

جامعه پژوهش: دانش‌آموزان پایه ششم دبستان

روش نمونه‌گیری: تصادفی ساده

نمونه: ۵۰ دانش‌آموزان پایه ششم دبستان

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: توصیفی-استنباطی

پس از جای‌گماری تصادفی دانش‌آموزان در گروه‌های آزمایش و کنترل، از هر دو گروه پیش‌آزمون گرفته شد. سپس گروه آزمایش تحت مداخله قرار گرفت و بسته آموزشی طرح را دریافت کرد. اجرای بسته طی ۱۰ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای به‌صورت هفته‌ای دو جلسه با استفاده از روش تکلیف‌محور برای دانش‌آموزان گروه آزمایش در دو مدرسه دخترانه و پسرانه صورت پذیرفت.

اجرای مراحل شبه‌آزمایشی با کاربست روش تکلیف‌محور صورت پذیرفت. برای پیاده‌سازی برنامه تکلیف‌محور، نخستین گام، معرفی و آشنایی با موضوع مورد بحث بود. پژوهشگر در ابتدای هر جلسه درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش بود که چگونه می‌توان

### نظر ناقدان:

در ادامه دکتر گلفام، دانشیار و عضو هیأت علمی



دانشگاه تربیت مدرس، به نقد ایده دکتر فیاضی پرداخت و گفت: بحث مهارت نوشتن مشکل بسیار بزرگی است و بارها در دانشکده به صورت رسمی و غیررسمی درباره آن صحبت کرده‌ایم که یکی از مشکلات جدی دانشجویان است. در اینجا درباره مشکلات نوشتاری دانش‌آموزی صحبت شده است. مشکل نوشتن یک مشکل فراگیر است. بسیاری از دانشجویان ما حتی دانشجویان مقطع دکتری وقتی می‌خواهند یک درخواست ساده به گروه بدهند و یک نکته آموزشی، پژوهشی مدنظرشان است واقعاً جای تعجب است که چرا این قدر ضعیف و دست‌وپا شکسته می‌نویسند. مطلب را نمی‌توانند بپزند. یک درخواست خیلی ساده است. طبیعتاً ما فکر می‌کنیم که در مدرسه به آنها آموزش نداده‌اند. بحث نگارش مهارتی است که باید بیاموزند و رشته‌های مختلف هم تا حدودی بررسی شده است. مطلع هستم که «سمت» یک کار میدانی در این خصوص انجام داده بود. دانشجویان رشته‌های خاصی نیستند تازه در گروه‌های علوم انسانی بهتر می‌نویسند. در گروه‌های فنی هرطور دلشان می‌خواهد می‌نویسند. این فضای مجازی هم این اواخر آمده است و دخالت کرده و نگارش

تمرینات پاسخ دهند. هدف از اجرای این بخش، مرور و بازیابی معانی از راه حل تمرین بود. انجام تکالیف بین ۱۵ تا ۳۰ دقیقه صورت می‌گرفت. در پایان این مرحله به منظور ارزیابی میزان توجه دانش‌آموزان به دامنه معنایی یک قالب از آنان خواسته می‌شد تا انشایی درباره آن قالب معنایی بنویسند. نکته قابل توجه اینکه دانش‌آموزان طی جلسات آموزش با اصطلاحات تخصصی آشنا نمی‌شدند و درباره انواع معانی اطلاعاتی دریافت نمی‌کردند.

گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای در آن زمان دریافت نکردند یعنی با داده‌های آموزشی آموزگار که برآمده از سرفصل آموزش و پرورش بود آموزش دیدند و آموزش این گروه به بعد از انجام پژوهش موقوف شد. در پایان جلسات آموزشی، از هر دو گروه آزمایش و کنترل در شرایط یکسان پس‌آزمون گرفته شد و نتایج با نرم‌افزار SPSS-۲۶ تجزیه و تحلیل شدند.

### یافته‌ها و نتایج

بررسی عملکرد گروه‌های آزمون و کنترل پس از آموزش بسته حاوی متون روایی و پرسش‌نامه‌های متناظر با آن، رشدی ۲۴ درصدی را در گروه آزمون نشان می‌دهد. به سخن دقیق‌تر، یافته پژوهش فرضیه صفر پژوهش مبنی بر اینکه «آموزش غیرمستقیم قالب‌های معنایی تأثیری بر توانش نوشتاری دانش‌آموزان پایه ششم دبستان ندارد» را تأیید نمی‌کند، اما طبعاً در عملکرد دانش‌آموزان در ارتباط با پرسش‌های متفاوت پژوهش گوناگونی‌هایی مشاهده شد.

دکتر فیاضی ادامه داد: آنچه سبب شد گزارش این طرح پژوهشی در قالب کرسی ترویجی ارائه شود، گفت‌وگوی دوستانه‌ای بود با همکار فاضلم، جناب آقای دکتر شاکری که زمینه‌ای برای برگزاری نشست حاضر را فراهم کردند که قدردان محبت ایشان هستم. عرایضم را با خواندن نوشته یکی از دانش‌آموزان به پایان می‌برم.

رستم تیرکمان به دست وارد میدان شد. تیرماه و هوا خیلی گرم بود. رستم قرار بود با اژدها بجنگد. آتش گرم اژدها گرمی هوا را دوچندان می‌کرد. رستم تصمیم گرفت با یک تیر دو نشان بزند و هم اژدها را بکشد و هم از پوست آن استفاده کند، اما تیرش به سنگ خورد و تیر وارد دست خودش شد. از شدت درد دستش تیر می‌کشید. نمی‌توانست درد را تحمل کند. مایوس نشد. بلند شد و نفس عمیقی کشید. اژدها تیرش کرده بود. ناگهان رخس به کمکش شتافت و به کمک هم او را از پا درآوردند.

فیلموری که نظریه قالب را معرفی کرده و آنها یک قدم جلوتر برداشتند و گفتند که اساساً معنا می‌بایست موتور محرک زبان تلقی شود نه نحو یا سینتکس؛ آن چیزی که چامسکی مطرح کرده بود و استدلال‌های خیلی قوی‌ای هم معرفی شد و در قالب کتاب، مقاله، رساله دکتری به‌خصوص در آمریکا در دهه ۷۰ بین فیلسوفان، روان‌شناسان، زبان‌شناسان یک منازعه و درگیری شدید درخصوص جایگاه معنا در نظریه زبانی مطرح بود و دانشجویان خود چامسکی وسط آمدند و بیشترین نقدها را به‌کار او وارد و ادعا کردند که اصلاً آن چیزی که چامسکی به آن دستور زایشی می‌گوید در واقع باید عنوان معنی‌شناسی زایشی بگیرد. بنابراین، معنا در نظریه زبانی یک جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و در دوره‌ای هم دچار افول شد به‌دلیل اینکه خیلی تحلیل‌ها انتزاعی شده بود، آن پارتیشن‌بندی بخش‌های مختلف زبان به‌هم ریخته بود. ولی مجدداً از دهه ۸۰ زبان‌شناسی شناختی که به هر حال، خانم دکتر در چارچوب آن مکتب علایق خودشان را دنبال کردند و در رساله دکتری و الان این طرح را نوشتند، دوباره موضوع اصلی جامعه زبان‌شناسی شد و الان خیلی از دپارتمان‌ها درباره زبان‌شناسی شناختی که خیلی از آنها آن را مترادف با معنی‌شناسی شناختی می‌دانند، کرسی تأسیس کردند و کار می‌کنند.

در دیدگاه فیلمور یک قابلیت‌ی نهفته است که دیدگاه‌های کلاسیک معنی‌شناسی مشخصاً اردوگاه فرمالیستی نمی‌تواند وارد آن شود. به‌دلیل اینکه دیدگاه فرمالیستی تلاش می‌کند تا یک صورت‌بندی ریاضی از دستور زبان بدهد و اصلاً توجهی به کاربرد ندارد. یعنی کسی که این زبان را خلق می‌کند، اصلاً مخاطبش نیست. موضوع اصلی گرامر است و در آنجا الویت سینتکس است. اینجا ما یک یوترن شیفت داریم و در واقع یک نگاه متفاوت از طرف زبان‌شناسان شناختی مطرح می‌شود و آن این است که من گرامر را می‌گذارم کنار. البته نه به این معنی که آن را کنار بگذارم بلکه آن را با کاربر جایگزین می‌کنم. کاربری که در واقع در مقام عمل و اجرا، اپلیکیشن زبان می‌بایست موضوع من باشد. بنابراین اساساً فرازبان تغییر می‌کند. اصطلاحات متفاوتی معرفی می‌شود و یک قابلیت‌ی در نظریه به‌وجود می‌آید، فراتر از نکته‌ای که خانم دکتر اشاره کردند، شاه بیتش این است که ما فراتر از دینوتیشن واژه‌ها، آنچه معنی‌شناسان به آن دینوتیشن می‌گویند، معنای انتزاعی‌ای که می‌شود مفروض در نظر گرفت برای یک واژه. خیلی دوره بدی هم بود. چرا که با بحث‌های فلسفی دیگری

رها شده است. به‌رحال این یک معضل بزرگی است. همین‌که حداقل [این موضوع] مخاطب کرسی ترویجی بوده برای من بسیار باارزش است.

دکتر گلفام ادامه داد: در ارتباط با کار خانم دکتر فیاضی، موضوع معنا و بررسی معنایی شاید یکی از دغدغه‌های اصلی زبان‌شناسان از زمان شکل‌گیری نظریه زبانی بوده عمدتاً نظریه زبانی حول محور نگاه فرمالیستی شکل گرفته و اساساً تقریباً از دهه ۵۰ یا ۶۰ میلادی به بعد است که ما نظریه زبانی داریم. مدل‌های اولیه‌ای که در خصوص زبان ارائه شده، اساساً نگاهشان به‌معنای یک نگاه ثانویه و دست‌دوم بوده است. موتور محرک زبان، برای فرمالیست‌ها، بحث نحو زبان بوده و اینکه گویشوران چگونه جملات را تولید می‌کنند. نگاه به ماشین زبان کردند، اما این وسط اینکه معنا چگونه باید همراه شود برای شکل‌دادن ساخت‌های زبانی که یک محصول کاربردی در مرحله اجرا است و گویشوران در صحبت کردن یا نوشتن باید از آن استفاده کنند، حالا قالب نه در معنای این اصطلاح تخصصی، به‌طور کلی آن قالب‌های معنایی را بیاورند تخلیه‌اش بکنند در ساخت‌های نحوی، راجع به این هیچ‌وقت صحبت نشده بود. فیلسوفانی که به این موضوع توجه داشتند بیش از زبان‌شناسان اوایل دهه ۶۰ آمدند و گفتند این مباحث معنایی اگر در نظریه الویت دوم باشد اصلاً نظریه نداریم. ما نباید دنبال شکل‌گیری ساخت‌ها فارغ از اینکه آن بضاعت معنایی‌اش چقدر است بگردیم. برای همین بر کار چامسکی نقد مفصلی شد و هفت، هشت سالی سرگرمی زبان‌شناسان فقط این بود که کار چامسکی را نقد می‌کردند و نهایتاً چامسکی روش‌شناسی علمی داشت و تعصبی به کارش نداشت و در پارادایمی این را معرفی کرده بود که پذیرای نقد می‌توانست باشد و شد.

تقریباً از دهه ۷۰ به بعد عملاً این اتفاق افتاده بود. از سال ۱۹۶۵ که چامسکی کتاب جنبه‌های نظریه نحوش را معرفی کرد. آنجا آمد و دیدگاه فیلسوف معنی‌شناسان را در کار خودش وارد کرد و پذیرفت که معنا در نظریه زبانی باید گنجانده شود. به‌طور کلی بحث معنا، منظومه و معنایی که اینجا خانم دکتر به آن اشاره می‌کنند، نیست. البته باز هم معنا در حاشیه قرار گرفت. یعنی برای رفتن به‌سراغ معنا شما باید از نحو عبور می‌کردید.

گروه دومی که بعد از پذیرش چامسکی آمدند و کار او را نقد کردند، یکی‌اش همین فیلمور بود. چالرز

کاربر، با این قضیه همراه شود و بعد بتوانند متن زنده تولید کنند. در این مسیری هستیم که می‌شود انتظار داشت اینها نویسندگان خوبی باشند. اگر می‌خواهند یک پاراگراف بنویسند یا یک متن طولانی بنویسند، یک رساله یک پایان‌نامه، پایان‌نامه‌های دانشجویی هم همین‌گونه است. همه ما در هفته‌ها و روزهای مختلف مواجه می‌شویم با رساله‌های دکتری که این دانشجوی، دانشجوی خوب و بسیار باسواد است. یعنی مطلب را فهمیده است اما نمی‌تواند بنویسد. مثلاً من الان با خانم دکتر حیاتی می‌آمدم راجع به یک دانشجویی صحبت می‌کردیم که از رشته فیزیک آمده و دارد درباره اینرسی کار می‌کند در زبان و بحث‌های معنایی فوق‌العاده پیشرفته و خیلی جالبی مطرح کرده است و رساله‌اش یک رساله بی‌نظیر می‌تواند باشد، منتهی مشکل نوشتاری دارد. اساساً در انتقال آن در زبان، انگار یک دیوار جلوی اوست. بنابراین، این طرح‌نامه به دلیل آنکه من به‌خوبی با آن آشنا هستم و مبانی نظری آنرا می‌شناسم، قبل از آنکه برسم به آن قسمت انتها اگر لازم است اظهار نظر بکنم، همین ابتدا عرض می‌کنم که کار فوق‌العاده‌ای است. ای کاش! آموزش و پرورش خریدار این چنین به اصطلاح متاعی بشود و اجازه بدهند که درواقع با تولید محتوا نسل‌های بعد شاید خیلی از گروه‌ها از این مرحله عبور کرده‌اند. با بازنگری، با ملاحظات نظری از این دست در کتاب‌ها و لحاظ شدن این نوع دیدگاه‌ها در کتاب‌ها اتفاق خوبی بیفتد و بتوانند درواقع خلاقیت که نیاز تفکر نقادانه است که ما دیگر اصلاً نداریم! یعنی دانش‌آموزان ما در مرحله دانشگاه هم که می‌رسند این بندگان خدا مانند دستگاه ضبط صوت هستند. کم‌تر دانشجویی را می‌توانیم ببینیم که اهل چالش باشد. به‌خاطر اینکه می‌دانید محصول آن نگاه و آن نوع کتاب‌ها این است که شما فقط دریافت‌کننده باشید و حداکثر کاری که می‌کنید عین همان مطالبی را بازگو کنید [که شنیده‌اید]. گاهی وقت‌ها دیده می‌شود که جملات را نمی‌توانند جابه‌جا کنند، چون تفکر نقادانه اصلاً در ذهن آنها رشد نکرده است. عین مطلب را منتقل می‌کنند بدون آنکه فهم درستی از آن داشته باشند. اگر از او بخواهیم که حالا این مطلب را کمی توضیح بدهید! شما دانشجوی دکتری هستید و رفتید در کلاس، دانشجوی فوق‌لیسانس از شما می‌پرسد این را بازش کن، دوباره می‌گوید این جمله را مثلاً گلفام گفته یا آن یکی گفته است و اصلاً مطلب را عمیق متوجه نشده است و در سطح حافظه باقی مانده است.

نیز همراه شده بود. بحث این بود که ما اساساً در دنیای معانی مان تنها هم هستیم. یعنی هیچ جای پای ثابتی هم وجود ندارد. واقعیت معنا همین هم هست. یعنی خلاقیت انسانی در آن دخالت دارد و هر کدام از ما، حتی معنای ساده واژه‌هایی را که روزانه به‌کار می‌بریم، تعریف دقیقی از آن نداریم. نیاز ارتباطی باعث می‌شود که ما از سایه‌روشن‌ها و جزئیات آن بگذریم. وقتی کتاب‌های آموزشی ما اساساً به این خلاقیت کاربر توجه نداشته باشند هرگز دامن نمی‌زنند این کتاب‌ها، و معلمین ما اگر آگاه نباشند یعنی آن کسانی که باید دانش‌آموزان را هدایت کنند، آن چرخش معنا در ذهن فراگیران به آن شکل طبیعی خودش واقعیت این است که شاید هدایت نشود؛ و معمولاً بچه‌ها اساساً یک معنایی را که خیلی هم حفظی است، بدون اینکه روشن باشد، جزئیات آن معنا از واژه‌ها در ذهن خود ضبط می‌کنند و بعد «باری به هر جهت» به‌کار می‌برند. حتی در دوره دانشجویی، در دوره بلوغ فکری‌شان هم که نگاه می‌کنید می‌بینید که معنای واژه خیلی هم برای او روشن نیست که دارد به‌کار می‌برد. بنابراین یک دغدغه بزرگ است. بحث یک طرح‌نامه ترویجی نمی‌تواند باشد. ما داریم به سمت کورواژگی پیش می‌رویم. خیلی از واژه‌های انگلیسی یا عربی آمده‌اند حالا در کنار واژه‌های فارسی و اینها مزاحم فهم دقیق می‌شوند. یعنی گویشوران باهم تبادل زبانی می‌کنند باهم دعوا ندارند در مورد جزئیاتش بدون آنکه درک عمیقی اساساً اتفاق افتاده باشد. چنین نگاهی این قابلیت را دارد. دیدگاه فیلمور می‌گوید یک واژه برهنه معنای دلالتی نیست بلکه شما یک واژه را باید به‌صورت هرمنوتیکی می‌توانیم بگوییم هرگاه با اقتضائات کاربردی، فرهنگی و کانتکستی در آن به‌کار می‌رود، شرایطی فراهم شود که معنا به‌شکل طبیعی کلمه برخط و زنده در ذهن گویشور چرخش بخورد و مخاطب درواقع در مقام نوشتار یعنی وقتی متنی نوشته می‌شود مخاطب آن متن، متوجه زنده بودن متن می‌تواند بشود. البته به‌شرط آنکه او هم این بضاعت را در اختیار داشته باشد.

اگر در فرایند آموزش، مدارس ما به معنای کلمه این‌گونه نگاه کنند و این جنبه‌های مختلفی که البته خانم دکتر در مثال‌ها بیشتر به شعاع‌پذیری معنایی هم اشاره کردند، بدون اینکه حالا نیاز نبود به اصطلاح تخصصی اینکه واژه‌ها یک معنای هاردکوری، هسته معنایی دارند و بعد در حیطه‌های مختلف اینها می‌توانند به‌شکل چندمعنایی که به آن گفته می‌شود، سایه‌روشن‌های مختلفی داشته باشند بچه‌ها ذهنشان باید به‌عنوان

### جمع‌بندی سخنان دکتر گلفام:

بنابراین جمع‌بندی کنم و بیش از این وقت جلسه را نگیرم به‌نظرم می‌آید که در واقع این چارچوب نظری یعنی قالب‌های معنایی البته در عمل اگر قرار باشد که وارد تولید محتوا شود با یک قراردادی با آموزش و پرورش و اینها باید بنیه نظری آن را مقداری باز هم تقویت کرد، طبیعتاً می‌تواند یک اتفاق بزرگ تلقی شود. خیلی کار با ارزش و ضروری است. یعنی اگر من مثلاً یک روز وزیر آموزش و پرورش باشم، برای اینکه بچه‌ها فکر کنند، ما مشکل اصلی‌مان در دانش‌آموزان ما این است که آنها اصلاً دیگر فکر نمی‌کنند. فضای مجازی هم که دیگر این فرصت را از آنها گرفته است. علتش این است که اساساً نگاه ما سطحی می‌شود. بحث نگارش نیست، ما تفکر نقادانه نداریم. یعنی یک آدم عامی هم نه اینکه یک فیلمنامه‌نویس یا کارگردان سینما باشد، فیلم‌ها را خیلی سطحی می‌بینیم به دلیل اینکه تفکر نقادانه نداریم. یکی از آبخورها یا مسیرهایی که شاید این راه را باز کرد انجام همچنین کاری است.

### برخی دانشجویان دوخط درخواست معمولی هم نمی‌توانند بنویسند



بزرگوaram جناب آقای دکتر گلفام به‌خوبی مطرح فرمودند. برای بنده بسیار آموزنده و به‌نوعی کلاس درسی دوباره بود.

در مورد ارزش و اهمیت این کار با توجه به اینکه خانم دکتر فیاضی خودشان هم اشاره فرمودند از بازخوردی که از کار خانم دکتر دانشگر که فکر می‌کنم در فرهنگستان انجام شده بود، گرفتند به این فکر افتادند که یک چنین تمهیدی بیندیشند، به فکر چاره‌ای باشند برای وضعیت بسیار نابه‌سامانی که در وضعیت نوشتن و در سطحی فراتر بتوان گفت در سواد عمومی دانش‌آموزان ما آن طرح نشان می‌داد که وجود دارد. من به‌خوبی به‌خاطر دارم که مرحوم آقای دکتر ذوالفقاری هم که به هر حال عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مسئول بخش فارسی بودند، بعد از انجام این طرح خیلی با نگرانی آمدند دانشگاه و گفتند که واقعاً چه باید کرد. وضعیت بچه‌های ما از نظر سواد به‌طور کلی حتی سواد خواندن و به‌خصوص نوشتن واقعاً نگران‌کننده است و ما باید فکر کنیم. به‌نظر من، ارائه‌دهنده این کرسی خیلی هوشمندانه توانستند از یک چارچوب نظری هم به روز و مدرن در زبان‌شناسی و هم کارآمد برای حل مسئله تفکر خلاق در نوشتن استفاده کنند و فکر می‌کنم ایشان سال‌های زیادی از کار حرفه‌ای‌شان را در دانشگاه و پژوهشگاه به این مسئله اختصاص دادند که ما امروز شاهد چنین نظریه‌ای هستیم. نظریه به‌نظر من علاوه بر اینکه می‌تواند حالا اگر واقعاً سازمان برنامه‌ریزی کتب درسی، وزارت آموزش و پرورش، مجلس و تمام کسانی که به هر حال به‌شکلی در بحث برنامه‌ریزی زبانی دخیل هستند و می‌توانند از دستاوردهای چنین طرح و پژوهش‌های دانشگاهی بهره ببرند، اهمیت بدهند و این را عملاً در فرایند نگارش کتب درسی‌شان به‌شکلی به‌کار ببرند، علاوه بر اینکه می‌تواند واقعاً به‌طور معنی‌دار به ارتقاء مهارت نوشتن در دانش‌آموزان و حتی به‌نظر من در مرحله بعدی شاید به‌شکل دیگری با همین چارچوب نظری و همین نظریه برای دانشگاه به‌کار برود. چون ما واقعاً آقای دکتر به خوبی اشاره داشتند که این مشکل را در دانشگاه در میان دانشجویان هم داریم، حتی دانشجویان مقطع دکتری. بحث نوشتن بین بچه‌ها واقعاً خیلی عجیب است. فکر می‌کنم همه همکاران که سال‌ها سابقه تدریس داشتند، دیده‌اند دانشجو حتی دو خط مثلاً درخواست دارد که با تمدید سنوات تحصیلی‌اش موافقت شود، نمی‌تواند بی‌غلط بنویسد! و این واقعاً نگران‌کننده است. وای به حال تفکر خلاقیتی که در آن

در ادامه دکتر حیات عامری، دانشیار و عضو هیأت علمی تربیت مدرس، به نقد ایده دکتر فیاضی پرداخت و گفت: حرف‌های مربوط به مبانی نظری معنی‌شناسی که این کار ارزشمند بر اساس آن مبتنی شده را استاد



به‌دست‌اندرکاران اجرایی طرح‌ها به‌شکلی دسترسی داشته باشند، من واقعاً دوست دارم و درواقع تقاضا می‌کنم که این اتفاق بیافتد و عملیاتی شود و استفاده از این طرح در حل مسائل مهمی که ما داریم در بحث آموزش و پرورش، در دانشگاه‌هایمان، در ادارات‌مان، در تمام وبگاه‌های رسمی کشور و حتی شاید بسته‌های آموزشی عمومی تری نسبت به آموزش و پرورش بتوان تهیه کرد که مخاطبش تمام کسانی باشد که به‌شکلی مجبور به نوشتن و نگارش هستند و آن بحث هوش مصنوعی را هم که عرض کردم. من فقط یک سؤال کوتاه مطرح می‌کنم. در ارتباط با خرده‌آزمون پردازش معنایی اگر ممکن است کمی بیشتر توضیح بدهید که این را به چه صورتی مورد سنجش قرار دادید؟ چون همین خرده‌آزمون در هوش مصنوعی شاید بیشترین ارتباط را داشته باشد.

دکتر فیاضی در توضیح موارد مطرح شده گفت: در آزمون مورد نظر، مجموعه‌ای از گزینه‌هایی در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت که دربردارنده انواع معانی صریح، ضمنی، تلویحی و کاربردی بود. در این آزمون معنای صریح درواقع مورد نظر بود و فقط می‌خواستیم معنای صریح را تشخیص بدهند. یعنی اولین معنی، یا آنچه که آقای دکتر اشاره فرمودند در شبکه‌های معنایی آنچه که معنای مرکزی را در نظر می‌گرفتیم و بعد رگه‌های معنایی یا شعاع‌های معنایی مورد نظر نبودند. اینجا درواقع پردازش معنایی قالب بر اساس هسته معنایی مرکزی بود و می‌خواستیم همین معنا را تشخیص بدهد.

### نوشتن مستقل از گفتن نیست

در ادامه بحث دکتر گلفام شرح داد: نوشتن مستقل از گفتن نیست. یعنی اگر کمی بازتر نگاه کنیم، بچه‌ها فقط در نوشتن مشکل ندارند بلکه در بیان معضلات خودشان یا درخواست‌های خودشان هم مشکل دارند. شما اگر بخواهید این طرح را به‌شکل کامل تری به‌لحاظ مبانی نظری طرح کنید و احیاناً اگر بخواهید به‌عنوان یک محصول ارائه بدهید، امیدوارم که البته این اتفاق بیافتد و در حد یک کرسی پژوهشی باقی نماند، طبیعتاً باید بروید و به آن جنبه هم توجه داشته باشید. یعنی نوشتن یک مهارت مستقل نیست و مهارت‌های اکتیو و پسیو که ما داریم گفتن و نوشتن هر دو با هم. یعنی اگر دانش‌آموز ما بتواند خوب صحبت کند، احتمالاً خوب هم خواهد نوشت. به‌نظر می‌آید که بشود میان آنها هم ارتباطی برقرار کرد و این را ندید.

به ابعاد مختلف معنای واژه که بسیار مهم است توجه داشته باشد. بنابراین من فکر می‌کنم این طرح واقعاً یک اتفاق بسیار مبارکی است که افتاده و خیلی دوست دارم صمیمانه تبریک بگویم به سرکار خانم دکتر فیاضی و می‌تواند حل معضل نوشتن هم برای دانش‌آموزان و هم برای دانشجویان بسیار راه‌گشا باشد.

مسئله مهم دیگری که در مورد این طرح وجود دارد، به‌طور کلی استفاده از نتایج این طرح برای مشکلات عدیده‌ای است که ما در بحث هوش مصنوعی و زبان فارسی داریم. اکنون بحث هوش مصنوعی، بحث روز است و اهمیتی که پیدا کرده است طبعاً تمامی ما دانشگاهیان را باید به فکر وا دارد که چه کار باید کرد. همه شما می‌دانید که زبان فارسی در ترجمه ماشینی، جزء زبان‌های نسبتاً خوب و موفق دنیا است ولی خطاهای بسیاری در بحث ترجمه دقیقاً به‌دلیل همین مسئله عدم توجه به جنبه‌های مختلف معنایی اتفاق می‌افتد. یعنی همین بحثی که اینجا مطرح شد در بحث ترجمه ماشینی. خیلی از دانشجویان متأسفانه چکیده پایان‌نامه را به «گوگل ترنسلیت» می‌سپارند و بعد وقتی شما نگاه می‌کنید، می‌بینید که یک جنبه از معنای واژه که خوب حالا غلط هم نیست، اما مد نظر نویسنده این متن نبوده مطرح شده است. بنابراین، به‌نظر من یکی از جاهایی که خیلی خوب می‌توان از نتایج این طرح استفاده کرد، همان بحث هوش مصنوعی است. به‌طور کلی که می‌تواند واقعاً تأثیرگذار باشد در کاهش خطاهایی که ما آنجا درواقع با آن مواجه هستیم و اینکه به‌طور کلی، بعضی از اندیشمندان جامعه ما به هوش مصنوعی و استفاده از آن در کارهای علمی مخالف هستند یا موافقند بحث دیگری است، اما واقعیت این است که دنیا دارد به این سمت و سو می‌رود و ما چه بخواهیم یا نخواهیم به هر حال باید به آن توجه کنیم و حداقل باید کاری کنیم که بازخوردی که به ما می‌دهد، با خطای کم‌تری باشد.

دکتر عامری در ادامه بحث خود افزود: خود طرح واقعاً کاملاً عمیق و عالمانه انجام شده است. خرده‌تحلیل‌ها عالی است، شکل تحلیل و همه مسائلی که باید در یک پژوهش درواقع موجه دانشگاهی وجود داشته باشد، به بهترین شکل رعایت شده است و واقعاً خیلی خوشحالم که این اتفاق افتاده است، ولی امیدوارم در حد طرح این پژوهش در همین جلسه و احتمالاً دو سه خبری که در وبگاه‌ها منعکس می‌شود، نباشد. عملاً دوستان عزیزی که در این جلسه حضور دارند یا خبر این جلسه به گوش آنها می‌رسد، اگر بتوانند واقعاً

## نوشتن، پیچیده‌ترین فرایند شناختی‌ای است که انسان انجام می‌دهد



که ما در نوشتن فرصت بیشتری برای فکر کردن داشته باشیم. یعنی آنچه که زیرمان و ریزم‌برگ به آن اشاره می‌کند فرایند خودتنظیمی است. یعنی چقدر فرصت داریم تا روی خودمان کار کنیم و آن جمله‌ای را که داریم صورت‌بندی می‌کنیم، به بهترین شکل اصلاح و ویرایش کنیم. این مسئله را دیدم ولی مجبور بودم از میان این مهارت‌ها یکی را انتخاب کنم و چون به قول شما بچه‌های ما نمی‌توانند هیچ تولید یا برون‌دادی داشته باشند، چون اصلاً فکر نمی‌کنند، وقتی اساساً تفکر خلاق نباشد، گفتن هم دستخوش تغییر می‌شود و به تبع آن نوشتن هم افول پیدا می‌کند.

دکتر گلفام: می‌خواهم بگویم شما در ارائه خود یک ریل‌گذاری کنید. در مدلی که ما در مدرسه داریم غلط است. مدل ما غلط است. دانش‌آموز کلاس اول می‌رود می‌نشیند پشت میز، یک فضایی که خود آن دیستراکتور است. درحالی‌که در آمریکا و برخی کشورهای اروپایی مدرسه به این شکل نیست، بلکه مدرسه یک فضای بازی است. یعنی کمک به خلاقیت. بچه‌ها خیلی آرام با کمک بازی با حروف الفبا آشنا می‌شوند.

### رویکرد تکلیف‌محور

دکتر فیاضی: این رویکرد دوم که می‌فرمائید همان رویکرد تکلیف‌محور است. در حالی‌که رویکرد مسلط ایران، رویکرد معلم‌محور است. یعنی بچه‌ها پشت میز خود می‌نشینند و معلم درس می‌دهد. ما سعی کردیم در این طرح از این رویکرد فاصله بگیریم. یعنی همان چیزی که شما می‌فرمائید. وقتی می‌گفتیم خاطرات را تعریف کن! فرم کلاس و حتی چینه‌ش نشستن دانش‌آموزان به‌صورت دایره‌ای بود و به‌صورت دایره‌ای می‌نشستند برای آنکه آنچه را که شنیده بودند، بخواهند تعریف کنند. من در عرائض اشاره نکردم که در مرحله تکلیف از دانش‌آموزان می‌خواستیم متن را بازگو کنند. یعنی متن را به زبان خودشان بگویند. درواقع گفتن با نوشتن پیوند برقرار می‌کرد.

نکته دیگر اینکه در سال ۱۳۹۶ ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی بودجه‌ای ۹۰ میلیون تومانی به این طرح اختصاص داده بود و تاجایی که اطلاع دارم، بالاترین رقمی بود که تا آن زمان به یک طرح پژوهشی در رشته زبان‌شناسی پرداخت شده بود. قرار بود که اساساً طرح وارد کتاب‌های درسی

دکتر فیاضی پاسخ داد: چرا در طرح این مسئله دیده شده است. درواقع نوشتن، پیچیده‌ترین فرایند شناختی‌ای است که انسان انجام می‌دهد چرا که برآیند تمامی فرایندهای شناختی تعبیری است. چون زمانی که صحنه‌ای را می‌بینیم، برای توصیف آن به اینکه چگونه توجه می‌کنیم، چگونه قضاوت می‌کنیم، چرا این انگاره را انتخاب می‌کنیم و درواقع از آن نقطه، عزیمت ما شروع می‌شود. چه چیزی را به‌عنوان لندمارک و چه چیزی را به‌عنوان تراجکتور انتخاب می‌کنیم. پس در اینکه نوشتن پیچیده‌ترین فعالیت شناختی است که انسان انجام می‌دهد، گفت‌وگویی وجود ندارد. چرا در این طرح نوشتن را با گفتن در نظر نگرفتم. به این دلیل که در مطالعات مربوط به این حوزه معمولاً گفتن را با شنیدن و خواندن را با نوشتن در نظر می‌آوردند. طبیعتاً بچه‌هایی که خوب صحبت می‌کنند، می‌توانیم مطمئن باشیم که خوب هم می‌نویسند. دلیل این امر آن است که این دو مهارت کاملاً به یکدیگر مرتبط هستند. فقط سطح اولیه بودن و ثانویه بودن آنها با یکدیگر تفاوت دارد. یعنی نوشتن زمانی اتفاق می‌افتد که بچه‌ها وارد مدرسه می‌شوند و درواقع به ابزارهای دیگر نیاز دارند تا بنویسند. به‌نظر من هیچ تفاوتی میان آن وجهی که خودکاری برداشته می‌شود یا تایپ صورت می‌گیرد، بین گفتن و نوشتن وجود ندارد. فاصله میان این دو، شاید فقط این باشد



برای آموزش می‌تواند برای آموزش راهگشا باشد. مثلاً یک بحث علمی را ما نمی‌توانیم در این قالبی که اکنون چند نمونه از آن را دیدیم، بگنجانیم. چون آنجا یک چارچوب خشکی دارد و معانی باید هر چه صریح‌تر و دقیق‌تر باشد، ولی زمانی که معانی در قالب روایت و قصه قرار می‌گیرند، خود جذابیت آن قصه و آن بچه‌ای را که مخاطب ماست، به دنبال معنا به تقلا می‌افتد. یعنی ذهنش به فعالیت می‌افتد و این دنبال معنای مختلف، یعنی تصور بفرمائید اگر در هر قالب دیگری مثلاً قصه، هم‌نامی توپ را، هم‌نام‌های توپ را یعنی مشترک لفظی هستند و هیچ ارتباط معنایی با یکدیگر ندارند و فقط ظاهرشان شبیه به هم است، یا معنای مختلف یک واژه را یعنی چند معنایی را می‌گنجانیم، جواب نمی‌داد. یعنی تصنعی می‌شد. یعنی در حالی که در متن باید معانی مختلف را می‌گنجانیم، باید آن حالت تصنعی را از آن می‌زدودیم. این خیلی کار سختی بود. این نشان می‌دهد که آن مرکب و آن دیسکورس یا آن قالب گفتمانی‌ای که همچنان امروز و به نظر می‌رسد در آینده هم برای آموزش و تعلیم جواب بدهد، چنین قالبی است که در طول تاریخ ذهن انسان با آن خو گرفته است، تعالیم مذهبی، تعالیم اخلاقی همه در این قالب آمده و ارائه شده است و همان‌طوری که آقای دکتر گلفام فرمود، این دیستراکشنی که این روزها به شدت روی ذهن عمومی جامعه فشار می‌آورد، به این خاطر است که از آن حالت کلام محوری؛ نخست یعنی اینکه اصلاً دیسکورس ما کلامی نیست بلکه به سمت تصویر رفته است. یعنی تصویری که مقتضی صرف انرژی و وقت زیادی نیست. یعنی ذهنیتی نمی‌خواهد، یعنی سریع باید مصرف کنی و دنبال مصرف کردن بقیه مواد تصویری بروی! پس نخست، دیگر کلامی نیست، دوم، دیگر روایی نیست. یعنی بمباران می‌کند. یعنی خلق شده است برای دیستراکت کردن (حواس را پرت کردن) به جای تمرکز دادن به جای عمیق خواندن و بعد هم عمیق نوشتن و اصلاً برای همین طراحی شده است.

بشود. اینکه حالا چرا یک سازمان سفارش دهنده خودش دلش برای پولش نمی‌سوزد نمی‌دانم ولی طرح به صورت شفاهی در حضور اعضای هیأت علمی ستاد و جناب آقای دکتر خرازی ارائه شد و مورد توجه‌شان قرار گرفت. حتی دکتر خرازی و دکتر تلخابی در مورد خرده‌آزمون‌ها و روی پروپوزال در زمانی که ارائه می‌شد، خیلی دقت داشتند. اینکه الان چرا طرح به کتاب‌های درسی وارد نشده است، خواستم این توضیح را بدهم که طرح جزء دارایی‌های علوم شناختی محسوب می‌شود و از آن طریق است که باید اتفاقی بیفتاد.

### دکتر گلفام: مایه تأسف است، به هر حال باید از آن طرف کاری صورت بگیرد.

دکتر فیاضی: تشکر ویژه دارم از شما. به قول دکتر عامری. در هر جلسه‌ای که شما حضور دارید من یکبار دیگر وارد کلاس درس معنی‌شناسی می‌شوم و با همان روش خاص و مرسوم خودتان که بسیار آموزنده است، بسیار یاد می‌گیرم. همچنین از دکتر عامری تشکر و قدردانی می‌کنم.

**تا وقتی صد صفحه نخوانده‌ای، یک خط نگو و ننویس**  
در ادامه دکتر صافی طی سخنانی گفت: ویگنت یعنی داستان‌های کوتاهی که با هدف خاصی طراحی شده‌اند. من تشکر ویژه می‌کنم از اینکه این جلسه را برگزار کردید و برای من فرصت شاگردی دوباره بود. دقت می‌کردم به اینکه صحبت‌های دکتر گلفام و دکتر عامری که چقدر روان، شیوا، دلنشین، آموزگارانه بیان می‌شود. فقط نمی‌خواهم تعارف کنم بلکه می‌خواهم از این واقعیت، این نتیجه را بگیرم که چطور می‌شود این بیان روان، این بیان خیلی دلنشین و در عین حال روشن شکل می‌گیرد؟ به خاطر این است که مطالعه‌ای پشت این گفتار هست. من اصلی برای خود گذاشته‌ام که تا وقتی صد صفحه نخوانده‌ای، یک خط، نمی‌گویم یک پاراگراف یا یک خط نمی‌نویسم. اگر همین یک اصل رعایت شود، یعنی مطالعه درست، مطالعه زیاد و با کیفیت درست، یعنی عمیق خواندن و مطلب درست خواندن یعنی خوراک درست را هم مصرف کردن است که خواه‌ناخواه چنین برون‌دادی در گفتار اتفاق می‌افتد که در گفتار که سرصحنه است و فرصت زیادی برای اجرا ندارد، اتفاق افتاد، حتماً در نوشتار که سر صبر اتفاق می‌افتد یک بازده بسیار شسته‌رفته‌تر، تروتمیز و بدون غلطی خواهد داشت. فقط می‌خواستم تأکید کنم بر آن قالبی که مثلاً

## آن چیزی که شرط بلاغ بود را انجام دادید



تشخیص نمی‌دهد. دکترای این مملکت است و یک روزمه آورده برای مدرسه غیرانتفاعی مثلاً درجه یک منطقه غرب. به مدیر آموزشی می‌گویم آقای فلانی این معلم خودش دستور زبان را بلد نیست و همه را دارد به بچه من اشتباه یاد می‌دهد من در منزل دوباره با او کار می‌کنم و می‌گویم همه اینها غلط است. می‌گوید پس شعرها را به معلم می‌گوئیم نگوید. آقا متن یک جمله ساده را هم اشتباه می‌گوید. من اگر اصرار بکنم می‌گوید شما نان این معلم را بریدید! ما واقعا درد داریم، رنج داریم. من دیگر به بچه‌ام گفته‌ام، پسر من احتمال دارد این معلم به خاطر یک مشکلاتی این دستور زبان را نفهمیده، در منزل با تو کار می‌کنم. او در مدرسه غلط می‌نویسد و در منزل برای من درست می‌نویسد. یک جایی به معلم گفته است این جمله اسنادی است مادرم گفته است این نهاد این گزاره. گفته مادرت همانی است که حجابش آن طوری بود که با من صحبت کرد! فقط مرا شناسایی کند که من کی هستم مثلاً یک جوری بیاید. در مورد کتاب‌های فارسی ما اصلاً از استادان به نام اثری نمی‌بینیم. واقعا کسانی مثل دکتر فیاضی، دکتر صافی، دکتر گلفام، دکتر عامری اگر اینها دست اندرکار این کتاب‌ها باشند با این داستان‌های کوتاهی که معنای شعاعی هر واژه را در یک پاراگراف بگوید به این زیبایی. پسر من باید سه صفحه متن بخواند، متن تو خالی، محتوا ندارد، واژه ندارد. من می‌خواهم از واژه‌های مهمش دیکته بگویم، واژه مهم در آن پیدا نمی‌کنم. واژه‌ها همه واژه‌های بی‌معنا، واژه‌های تکراری و سه صفحه می‌خواند ولی همین چیزی که داستانی در مورد قرص، معنای شعاعی و لایه‌های معنایی در قالب آن داستان زیبا منتقل شده بود. واقعا این درد ماست. من اگر خودم کسی را می‌شناختم که بتوانم این طرح را به نحوی در آموزش و پرورش عملی کنم، صد درصد می‌کنم.

در عربی که تخصص من است، متأسفانه ضعیف‌ترین استادان، مؤلفان کتاب عربی هستند. ضعیف‌ترین! یعنی دستور زبان عربی‌شان از همه همکاران ضعیف‌تر است اما متأسفانه در آن گروه هستند. از آن افراد برجسته صاحب‌نام استفاده نمی‌کنند. درد بسیار، اما کار شما عالی است. مسئولیت‌تان را انجام دادید. آن کسی که باید در مرحله بعد این کار را به جلو ببرد، مسئولیت بر دوش اوست. به قول عرب‌ها و ما عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِين «شما آن چیزی که شرط بلاغ بود را انجام دادید» و من به شما تبریک می‌گویم.

در ادامه دکتر زینب عرفت‌پور، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در سخنانی گفت: تشکر می‌کنم از صحبت‌های علمی و دغدغه‌و واقعا به جایی که داشتید و صحبت‌های داوران محترم و دکتر صافی. واقعا دکتر فیاضی رنج ما را بیشتر کردید. یعنی آن چیزی که گفتید گویی رنج ما را لمس کردید. واقعا درد و رنج اساسی از این مسئله داریم که در تدریس درس فارسی مشکل داریم. نه در این مرحله که در مرحله قبلش. همان‌طور که دکتر گلفام گفتند این حرکتی که ایجاد شده از دستور زایشی، به معنای زایشی. واقعا ما در همان دستور کلاسیک مانده‌ایم. یک معلمی که دکترا گرفته، تمام دستورها را در قالب شعر کلاسیک به دانش‌آموز اشتباه منتقل می‌کند. بچه من کلاس پنجم است و همین شعر شاهنامه؛ به نام خداوند جان و خرد. روز اول، تجزیه و تحلیل: به نام خداوند جان و خرد است. خداوند فاعل؛ است، فعل. یعنی این چه دردی است. من دوباره از صفر به بچه‌ام می‌گویم، پسر من به نام خداوندی آغازی می‌کنم که جان و خرد را آفرید. می‌گوید ماما شما چه می‌گویید معلم چه می‌گوید. می‌رود جلو. خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد، فاعل؛ دوباره خرد فاعل؛ چو خواهی که از بد نیایی گزند، نیایی گزند که یعنی گزند نیایی، فعل مرکب؛ نیایی فقط فعل است و گزند معلوم نیست چه‌کاره است. دوباره جلوتر، به دانش‌گرای و بدو شو بلند. بدو، به او شده فاعل؛ شو فعل. شد بلند، فعل مرکب و جلوتر که برویم، متن‌های خیلی ساده. معلم فعل مرکب را تشخیص نمی‌دهد، جمله اسنادی را

در حد نمره آن کلاس ولی فقط همین. وقتی عبور کرد تمام می‌شود. ما به یک طرح نو و اراده قوی در سطوح بالای حاکمیتی نیاز داریم. ببینید ما از دانش‌آموزمان چه می‌خواهیم. می‌خواهیم او عاشق آن چیزی که می‌آموزد باشد و در زندگی‌اش به‌کار ببرد. اگر برداشت دیگری از این قضیه وجود داشته باشد، هرگز این اتفاق نمی‌افتد و دانش‌آموزان ما فقط از حافظه استفاده می‌کنند برای عبور از این مرحله و گرفتن یک نمره بدون اینکه زندگی را یاد بگیرند که موضوع خیلی مهمی است. ما در خیلی از مدارس مان، به بچه‌ها زندگی را هم یاد نمی‌دهیم. اصلاً اینها دوست داشتن را یاد نمی‌گیرند. اصلاً اینها یاد نمی‌گیرند، مثلاً طرف بزرگ می‌شود، شاگرد اول شریف می‌شود، مثال دارم می‌زنم، پدرش هم خیلی افتخار می‌کند. این فقط ماشین تست‌زنی است. این فرد نمی‌داند باید به عمه‌اش سر بزند، او نمی‌داند باید دایی‌اش را دوست داشته باشد. او نمی‌داند نباید آشغال بریزد، باید طبیعت را دوست داشته باشد. اگر این قبیل موارد دغدغه آموزش و پرورش نباشد، دیگر آنها خیلی روبناست. می‌دانید، ما اصلاً زندگی با طبیعت و محیط زیست را به بچه‌ها یاد نمی‌دهیم. اینها یک پکیج است. معلم باید سواد داشته باشد، مطالب را خودش خوب بداند. بلد باشد. یک کسی که آمده است با مدرک دکترا به دانش‌آموز کلاس پنجم درس می‌دهد مشخص است دیگر، در وهله اول

دکتر احمد شاکری، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در سخنانی کوتاه گفت: از توأم شدن این جلسه با جلسه شورای انتشارات پژوهشگاه عذرخواهی می‌کنم. ماجرا از اینجا آغاز شد که من از دکتر فیاضی خواهش کردم، طی گفت‌وگویی دوستانه‌ای که داشتیم، مسائلی را که در ارتباط با این طرح مطرح کردند، قابلیت نظریه‌پردازی دارد. بنابراین ما برای اینکه بتوانیم این کار را بکنیم ابتدا آن را در یک کرسی ترویجی مطرح کنیم و مواردی که مطرح شد. از طرف دیگر یک سری ظرایفی در این حوزه هست که با حضور استادانی که در جلسه حضور داشتند، مطرح شد. به‌نظرم به‌لحاظ اجرایی، بحث علمی را جسارت نمی‌کنم، اگر داوران مستعد دیدند این کار را در یک سطح بالاتری مطرح شود، در خدمت دکتر فیاضی باشیم و آن را در کرسی نظریه‌پردازی مطرح کنیم.

### پدر بزرگ‌های ما در مکتب‌های قدیم، تمام حکایت‌های گلستان را بلد بودند

در ادامه دکتر گلفام توضیح داد: در ارتباط با طرح‌نامه صحبتی ندارم. فرمایشات دکتر عرفت‌پور خیلی مهم است. برای انجام چنین کاری لازم است که ابتدا ما به بچه‌هایمان عشق یاد بدهیم. دانش‌آموزی که می‌آید و درگیر اسناد، مسند و مسندالیه می‌شود، خودش تا بزرگسالی هم مسئله است و وقتی بزرگ می‌شود، شاهنامه را نمی‌خواند. یعنی تکلیفی می‌شود برایش



می‌ماند! واقعیتش این است که ما می‌بایست نظام آموزشی، را از ابتدا، یک تعریف دوباره بکنیم. این وسط دغدغه‌هایی که به سیاست و بحث‌های روز بازمی‌گردد و با آمدن این گروه و آن گروه دست به‌دست می‌شود را کنار بگذاریم. اگر این اتفاق بیافتد آن بچه باید عاشق شاهنامه بشود. چرا در مکتب‌های قدیمی که پدرمادربزرگ‌های ما رفتند، پدربزرگ من تمام گلستان را از بر بود، تمام حکایت‌های گلستان را بلد بود. اصلاً سواد آکادمیک نداشت. همین الان فکر می‌کنم خدایا اینها هیچ مدرکی دستشان نبود، چقدر استاد بودند در مسائل زندگی. یک نفر کار غلطی می‌کرد به اقتضای آن یک شعری می‌خواند، به اندازه ۱۰ کتاب که او برود و بخواند. از روان‌شناس و جامعه‌شناس بهره می‌برد. بنابراین، ساختار ما چون، انتقادی نیست و به بچه نیز این را یاد نمی‌دهیم و اقتضائاتش را هم نداریم، خیلی باید مواظب بچه‌ها باشیم. یعنی خودتان باید همان کاری را که می‌کنید در یک شکل دیگر انجام بدهید.

### از نقد ترسیم

دکتر عرفت‌پور دوباره یادآور شد: رنج ما بسیار است و چقدر دکتر گلفام همه آن مسائل را مختصر منعکس کردند. فقط من خواهش از افرادی که اینجا نشسته‌اند و صدای ما را می‌شنوند، این است که این دایره نقدپذیری و نقد کردن را مرتب گسترش بدهند. یعنی تا ما انتقاد نکنیم و ظرفیت انتقاد را نداشته باشیم، جامعه ما همین‌طور مثل آب راکد می‌شود. از نقد ترسیم. واقعاً نقد برای آدم تلخ است و آدم دوست ندارد کارش مورد نقد قرار بگیرد. ولی همان چیزی که در قرآن می‌فرماید، مورد نفرت است ولی قطعاً یک خیریتی در آن است. یعنی همین که طرح دکتر فیاضی خوانده می‌شود، واقعاً باید از ناقد تشکر کنیم و دستش را ببوسیم که وقت گذاشت و یک هفته طرح مرا خواند. دکتر صافی واقعاً داوری‌هایشان را می‌بینم چقدر با دلسوزی، جمله‌به‌جمله می‌خوانند و چون با حسن‌نیت است، آدم می‌پذیرد. این تا وقتی که نقد و انتقاد در جامعه ما پایه‌گذاری و مطرح نشود، همین مشکلات را خواهیم داشت. باید روی نقد فرهنگی کار کرد. فقط در حد مطالعات فرهنگی نمایم. مطالعه فرهنگی آن لایه نخست است و باید برسیم به نقد فرهنگی عمیق. سال‌هاست، در جهان غرب روی نقد فرهنگی کتاب می‌نویسند. در جهان عرب که می‌گوییم وای عرب‌ها مثلاً که هستند، چقدر کتاب در زمینه نقد فرهنگی وجود دارد. ولی من هر چقدر

برای خودش این تصور وجود دارد که من در جای درستم تعیین نشده‌ام. چرا من باید بیایم مدرسه درس بدهم. من چرا نباید استاد دانشگاه باشم. نظام آموزشی ما این همه دانشگاه، این همه مدرک، اینها را باید بنشینند و به‌صورت کلان ببینند. الان شما یک بخش کوچکی از خانه خودتان را تمیز کنید و فقط قضیه را لوکال می‌بینید و هیچ‌وقت تصویر قشنگی از آن خانه شما به مهمانان خود نمی‌دهید. همه این مسائل، یعنی آموزش و پرورش همه چیز است. این نسل فعلی ما، اینهایی که دانش‌آموز هستند، اینها آینده این مملکت را می‌سازند. واقعاً برای آنها باید یک طرح کلی ریخته شود. من که دستم به جایی نمی‌رسد! اگر شما یا دوستان دیگر می‌رسد، باید به این موضوعات به‌شکل کلان نگاه کرد و یک جایی این مهره و چرخ‌دنده را زحمات دکتر فیاضی و امثال ایشان را که طرح‌نامه‌های این چنین دارند، می‌تواند کمک کند. به‌قولی باید سیستم را روغن کاری کرد، تا بهتر حرکت کند، ولی ما باید ببینیم اصلاً از دانش‌آموزمان چه می‌خواهیم. اصلاً دغدغه آموزش و پرورش هست که اینها درست صحبت کنند و درست بنویسند یا نه؟! اگر دغدغه‌اش نباشد، همان‌طور که این طرح قبلاً مانده، باز هم می‌ماند. باید این نیاز را درک کنند. متأسفانه می‌گوییم درگیری‌ها و ذهنیت‌ها بیشتر دنبال مسائلی است که روزمره هستند و دنبال مسائل بلندمدت و اینکه نسل آینده این مملکت را می‌خواهد بسازد، نیستیم! این دانش‌آموز دیروز ما بوده و امروز کارش به اینجا رسیده. اصلاً ما تعریف درستی از خودمان نداریم. اصلاً آن دانش‌آموز خودش نمی‌داند اساساً کجا قرار گرفته. فقط در معرض رقابت پدر مادرها که اینها خوب تست بزنند و پسر همسایه اینها را نبیند که احیاناً ما از بچگی رذالت‌های اخلاقی را به بچه‌ها یاد می‌دهیم و بعد انتظار داریم که مرا به‌عنوان پدر یا مادر دوست داشته باشد. دقت می‌کنید از اینها آدم نمی‌سازیم. باید آموزش و پرورش بخواهد از اینها آدم بسازد و بعد این یک طرح کلانی می‌خواهد، معلمان ما باید نیاز مادی‌شان برطرف شود. اینکه امسال ۱۰ درصد می‌خواهد برود روی حقوق نمی‌شود. یعنی یک مشکل سیستمی، مشکل علوم انسانی این است، رشته‌های فنی فقط سرعت، قدرت، چون می‌خواهند اینها را حل بکنند می‌شود وارد این فضا بشود. مثلاً می‌خواهد یک پل بزند، چون این سازه را اینها بهتر می‌سازند. ولی مشکلات علوم انسانی فراگیر است و باید به‌صورت کلان حل شود. الان حرف‌های ما در این کلاس تمام می‌شود و می‌رود در گوشه‌ای

جامعه ما وجود دارد همین بحث گفتمان و فرهنگ گفت‌وگو یعنی چگونه گفت‌وگو کردن است. اینکه ما اساساً چقدر به حرف دیگری گوش می‌کنیم. آیا وقتی کسی دارد صحبت می‌کند، فکر می‌کنم بیشتر اوقات این چنین است که ما در ذهنمان به دنبال این هستیم که جواب او را بدهیم. در فکر این نیستیم که بفهمیم چه گفته می‌شود. فکر می‌کنم اگر ما یاد بگیریم گفت‌وگو کنیم آن وقت می‌توانیم نقد را هم بپذیریم و اگر نقد را بپذیریم، آن وقت می‌توانیم این نقد منفی را به خود وارد کنیم که ما کم‌خوان هستیم و اگر بتوانیم همه آموزش‌ها را به این سمت ببریم که حول محور روایت باشد، شاید آموزش‌های ما هم معنادارتر شود. من شاهد بودم که حین وقوع رویدادی میان همسرم و پسر، پسر مرتب برای پدرش چیزهایی را تعریف می‌کرد و پدرش هر از چند گاهی سؤالاتی می‌پرسید و پسر با حرارت همچنان تعریف می‌کرد. بچه‌ها عاشق شنیده شدن هستند و خودشان عاشق روایت کردن. همه انسان‌ها عاشق روایت کردن هستند، به شرط آنکه شنیده شوند و این یعنی گفت‌وگو. یعنی اگر می‌خواهیم خوب بنویسیم، فرمودید گفتن کجاست؟ همان جایی که شنیدن اتفاق می‌افتد و اگر چنین چیزی محقق شود، آن وقت می‌توانیم منتظر رخدادهای خوب باشیم.

تشکر ویژه دارم از دکتر شاکری که بسیار پرخوان هستند و پیشنهاد برگزاری این کرسی را دادند. تک‌تک محبت‌هایی را که ابراز داشتید را کوچک‌نوازی شما می‌دانم و خود را شایسته این همه توجه نمی‌دانم و محبت شماست. همین‌طور تشکر ویژه دارم از دکتر متولیان برای مدیریت شایسته این جلسه.

دکتر متولیان نیز در خاتمه جلسه تأکید کرد: کرسی بسیار آموزنده و ارزنده‌ای بود و محتوای مناسب و شایسته‌ای داشت.

در ایران می‌گردم، فقط در حد مطالعات فرهنگی است! می‌خواهم یک کتاب نمونه‌ای بدهم مثلاً نقد فرهنگی یک‌سری رمان‌ها را نقد کرده باشد یا یک‌سری از اشعار را، پیدا نمی‌کنم. دست‌به‌دست هم بدهیم و موارد مهمی که اینجا مطرح شد را به گوش دیگران هم برسانیم. ما مشکلی داریم این است که نقد را دوست نداریم! اگر طرح من را بپرسند که کجا بفرستیم داوری کنند، من سخت‌گیرترین ناقد را انتخاب می‌کنم. می‌گویم آن کسی که واقعا با دلسوزی می‌خواند و ایرادهای کارم را می‌گوید، انگار به من هدیه می‌دهد، چرا دیگران بعد از چاپ اثر از کارم ایراد بگیرند. همین ناقد دانشمند، همان ابتدا راه را به ما یاد بدهد. سخن بسیار است. این کار جایش بسیار خالی بود. چه کار قشنگ و نویی و ان‌شاءالله که بازتاب آن را در جامعه ببینیم.

### مهم‌ترین مشکلی که در جامعه ما وجود دارد همین فرهنگ گفت‌وگوست

دکتر فیاضی در جمع‌بندی سخنانش گفت: خیلی ممنون از اینکه با حوصله در این جلسه حضور داشتید. البته واقعا بدون تعارف، فکر می‌کنم جلساتی که دکتر گلفام هم هستند، همیشه همین‌طور است. متوجه گذر زمان نمی‌شویم و پیوسته چیزهای جدیدی یاد می‌گیریم و از مناظر مختلف به یک پدیده می‌نگریم. مسئله‌ای که در ارتباط با گفتن به آن اشاره فرمودید، می‌خواستم بگویم، در جوامع پیشرفته، یا جوامعی که ما با عنوان پیشرفته در نظر می‌گیریم، چون تولیدکننده علم هستند، آنچه که خیلی مهم است، خواندن است. یعنی مواجهه با متون روایی. در تأکید بر صحبتی که دکتر صافی داشتند، اساساً همه ما، قصه را خوب می‌فهمیم. حتی اگر ریاضی را در قالب قصه به ما بگویند، ما خیلی خوب یاد می‌گیریم. اگر بخوایم بحث را جمع کنیم، نخستین و مهم‌ترین مشکلی که در



در پنجاه و پنجمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه تأکید شد:

## ضرورت بازاندیشی دوره‌بندی‌های رایج تاریخی براساس اندیشه بومی

### دکتر نجفی: یاد و خاطره قهرمانان امنیت کشور را

#### گرامی می‌داریم

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از درود و صلوات بر پیامبر خاتم صل... علیه و آله و سلم و اهل بیت معصوم علیهم السلام، شهادت مدافعان امنیت کشور در پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در تجاوز رژیم صهیونیستی و نیروهای فرماندهی انتظامی کشور (فراجا) در حمله تروریستی تفتان را به مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، نیروهای مسلح کشور و ملت ایران تسلیت و تبریک گفت و یاد و خاطره این قهرمانان را گرامی داشت و برای آنان از درگاه خداوند متعال، طلب علو درجات کرد.

رئیس پژوهشگاه با اشاره به اعزام تعدادی از همکاران پژوهشگاه به سفر زیارتی عتبات عالیات در کشور عراق از ۲۵ تا ۳۰ مهرماه ۱۴۰۳، گفت: این سفر تجربه بسیار خوبی برای پژوهشگاه بود و امید است برکات و ثمرات زیارت شش تن از امامان معصوم (علیهم‌السلام) شامل حال همه اعضای پژوهشگاه شود. وی اظهار امیدواری کرد، با برنامه‌ریزی صورت گرفته این توفیق حاصل شود که هر ساله تعدادی از زائران نوبت اولی به این سفر زیارتی اعزام شوند. دکتر نجفی در ادامه با اشاره به استعفای دکتر حمیدرضا

پنجاه و پنجمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه هفتم آبان‌ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. اعضای شورا ضمن قدردانی از مسئولان پژوهشگاه به‌ویژه رئیس پژوهشگاه بابت برنامه‌ریزی سفر زیارتی عتبات عالیات به کربلا، نجف، سامراء و کاظمین، شهادت مدافعان امنیت کشور در پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در تجاوز رژیم صهیونیستی و نیروهای فرماندهی انتظامی کشور (فراجا) در حمله تروریستی تفتان را تسلیت و تبریک گفتند و برای آنان از درگاه الهی طلب علو درجات کردند. در این جلسه و در ادامه مباحث جلسه گذشته درباره دوره‌بندی‌های تاریخی به‌ویژه تاریخ علم و اندیشه در ایران و اسلام، دکتر عبدالمجید مبلغی گزارشی از دوره‌بندی صورت‌گرفته توسط میان محمد شریف در کتاب «تاریخ فلسفه در اسلام» میان مراحل فلسفه اسلامی ارائه کرد. در بخش دیگری از جلسه و با حضور دکتر سید یاسر جبرائیلی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه تمدن اسلامی و دکتر سیدمحسن علوی‌پور، عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق، اعضای شورا به بحث و تبادل نظر درباره ابعاد و جوانب مختلف برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی آنان پرداختند.





اعضای شورا نیز ضمن قدردانی از خدمات و فعالیت‌های دکتر دالوند، انتصاب دکتر آزیتا افراشی به‌عنوان رئیس دبیرخانه هیأت ممیزه پژوهشگاه را تبریک گفتند و برای آنان در ادامه مسیر فعالیت‌های علمی و اجرایی‌شان، آرزوی توفیق روزافزون کردند.

### دکتر مبلغی: از ویژگی‌های تقسیم‌بندی شریف این است که شرق‌شناسانه نیست و معرف رویکردی مبدعانه است

در بخش بعدی جلسه شورا و در ادامه مباحث جلسه گذشته درباره مبانی و شاخص‌های دوره‌بندی‌های تاریخی و اهمیت بررسی و تشریح دوره‌بندی‌های صورت‌گرفته از تاریخ ایران و اسلام و مبانی و شاخص‌های اصلی آنها، دکتر عبدالمجید مبلغی به تشریح و تبیین دوره‌بندی صورت‌گرفته درباره تاریخ فلسفه توسط میان محمد شریف در کتاب «تاریخ فلسفه در اسلام» پرداخت و گفت: میان محمد شریف در این کتاب دوره‌بندی ویژه‌ای را برای تفکیک میان مراحل فلسفه اسلامی مطرح می‌کند که شامل ۵ دوره است: ۱. از سده نخست تا نیمه سده هفتم که دوران شکوفایی فلسفه اسلامی است و از آن ذیل عنوان «قرون اولیه فلسفه اسلامی» یاد می‌کند. ۲. از نیمه سده هفتم تا سده هشتم، مصادف با فرو افتادن نهاد خلافت و فتح بغداد توسط هلاکو است. این دوره،

دالوند، رئیس دبیرخانه هیأت ممیزه پژوهشگاه، ضمن قدردانی از زحمات و مساعی ایشان در طول مدت تصدی این مسئولیت، از انتصاب دکتر آزیتا افراشی به این سمت خبر داد و برای ایشان در این سمت، آرزوی توفیق روزافزون کرد.

### دکتر دالوند: دبیرخانه هیأت ممیزه در بررسی پرونده‌ها اختیار و استقلال کامل داشت و کمترین دخالتی از سوی رئیس پژوهشگاه در امور مربوط به پرونده‌ها صورت نگرفت.

سپس دکتر دالوند گزارشی از فعالیت‌ها و اقدامات صورت گرفته در مدت تصدی مسئولیت ریاست دبیرخانه هیأت ممیزه پژوهشگاه ارائه کرد و ضمن قدردانی و سپاسگزاری از حسن اعتماد ریاست پژوهشگاه گفت: در دوره مدیریتی ریاست جدید پژوهشگاه، دبیرخانه هیأت ممیزه قریب به ۱۰۰ پرونده درخواست ارتقاء اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و سایر مراکز و مؤسساتی را که مسئولیت بررسی پرونده‌های اعضای آنان به پژوهشگاه واگذار شده، بررسی کرده است. وی تأکید کرد: با توجه به اعتمادی که دکتر نجفی داشتند، در بررسی پرونده‌ها کمترین دخالتی صورت نگرفت و دبیرخانه با اختیار و استقلال کاملی که داشت، توانست نسبت به تحقق وظایف و مأموریت‌های خود به‌نحو مناسب و شایسته و بدون تضییع حقوق متقاضیان جامه عمل بپوشاند.



ویژگی دیگر این است که به باور «میان محمد شریف»، تاریخ فلسفه در اسلام را باید در تعاقب تاریخ اسلام و سوانح مهم و مؤثر در تحولات تاریخی رفته بر مسلمانان دنبال نمود. بر این اساس، تحولات شگرف رخ داده در تاریخ اسلام، همچون اصل ظهور اسلام، سقوط بغداد توسط هلاکو، غروب امپراتوری‌های سه گانه گورکانی، صفوی و عثمانی که مصادف با توانمند شدن تدریجی اروپائیان بود، چونان چراغ راهنما در دوره‌بندی وی ظاهر شده‌اند و کارکردی مهم در توضیح نحوه و معنای انتقال از اطوار پیشین به اطوار پسین یافته‌اند.

ویژگی سوم تقسیم‌بندی شریف این است که شرق‌شناسانه نیست و معرف رویکردی مبدعانه است که از عقلانیت انتقادی معاصر به شیوه‌ای بوم‌نگرانه بهره برده است. از عقلانیت جدید بهره‌مند است؛ زیرا مطابق با دوره‌بندی وی، برخلاف آنچه در تقسیم‌بندی‌های پیشامدرن (همچون تأملات ابن‌خلدون) رواج داشت، شاهد رویکرد دورانی به تاریخ نیستیم. در واقع تاریخ‌نگاری شریف مبتنی بر رویکردی خطی، و ناشی از لحاظ فلسفه پدیدارنگر بیرونی (و نه روندنگر کیهانی) است. این تقسیم‌بندی حائز وجهی انتقادی است؛ زیرا تحولات فلسفی (و نظام آگاهی شکل‌دهنده به آن) را در ارتباط با مناسبات بیرونی و تحولات تاریخی لحاظ داشته است. شریف در مقدمه کتاب تصریح کرده است که در شیوه تاریخ‌نگاری خود از دوبر سرمشق گرفته است. همچنین این تقسیم‌بندی شرق‌شناسانه نیست، زیرا

دوره سقوط و افول فلسفه اسلامی است. ۳. از سده هشتم تا سده دوازدهم که این دوره را دوران شکوفایی فلسفه اسلامی می‌داند و از آن ذیل عنوان «قرون متأخر فلسفه اسلامی» یاد می‌کند. این دوره مصادف با قرون ۱۴ تا ۱۸ میلادی و ظهور سه امپراتوری بزرگ صفوی، گورکانی و عثمانی است. ۴. از سده دوازدهم تا نیمه سده سیزدهم که دوره سقوط و افول مجدد فلسفه اسلامی از یکسو و همزمان اوج‌گیری اندیشه جدید در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی در غرب از سوی دیگر است. ۵. نیمه سده سیزدهم تا امروز که دوره تجدید حیات فلسفه اسلامی در زمانه معاصر است.

دکتر مبلغی متذکر شد: «میان محمدشریف» تاریخ فلسفه را کانون آگاهی‌ای می‌داند که به همه علوم دیگر می‌رسد و در ادامه به برخی ویژگی‌های دوره‌بندی صورت گرفته در این کتاب پرداخت و گفت: یک ویژگی این تقسیم‌بندی این است که شامل سه دوره شکوفایی فلسفه در اسلام (قرون اولیه، قرون متأخر و دوره تجدید حیات معاصر فلسفه اسلامی) و دو دوره افول (نیم سده پس از فتح بغداد توسط هلاکو، و یک و نیم سده پس از شروع تحولات عصر جدید در غرب) است. به یک معنا دوره افول، معرف وضعیت گذار از شرایط بحران و گویای ظرفیت انتقالی از دوره قبلی شکوفایی به دوره بعدی شکوفایی هستند. این دوره‌ها کوتاه و محدود بوده و از اینرو در این کتاب به اجمال و مختصر به آنها پرداخته شده است، چراکه در طول آنها اندیشه مؤثری رشد نکرده است تا محل بحث جدی و موضوع مطالعه قرار گیرد.



### بحث و بررسی دو برنامه پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

در بخش پایانی جلسه شورا و با حضور دکتر سیدیاسر جبرائیلی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه تمدن اسلامی و دکتر سیدمحسن علوی‌پور، عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق، اعضای شورا به بحث و تبادل نظر درباره ابعاد و جوانب مختلف برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی آنان پرداختند.

در این بخش ابتدا دکتر علوی‌پور با تبیین و تشریح انواع اندیشه ملی‌گرایی در عصر پهلوی، اهمیت بررسی سیاست‌های عصر پهلوی بر برنامه‌های فرهنگی آن دوره تأکید کرد. همچنین دکتر جبرائیلی با تشریح مقصود خود از اقتصاد مردمی در بیانات رهبران انقلاب اسلامی و اسناد بالادستی همچون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و... بر ضرورت و اهمیت بررسی مؤلفه‌های اقتصاد مردمی و الگوها و سازوکارهای تحقق آن در کشور تأکید کرد.

در این بخش از جلسه، اعضای شورا پس از طرح مسائل از سوی هر یک از مجریان برنامه‌های پژوهشی، به طرح دیدگاه‌ها و مسائل خود در ارتباط با برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی آنان پرداختند.

به رغم بهره‌گیری روش‌شناختی از اندیشه معاصر، نمی‌توان تلاش وی را گرت‌برداری از مضامین فلسفه و اندیشه غرب در رجوع به مضامین فلسفه و اندیشه اسلامی دانست. دکتر مبلغی شاهد این امر را دوره سوم پیشنهادی شریف برای فهم سیر تحول فلسفه اسلامی (که به یک معنا معادل با دوره میانه در تاریخ‌نگاری اروپایی است)، می‌داند که چند سده (و نه یک هزاره) به طول انجامیده و معرف عصر شکوفایی (و نه دوره افول) است.

سپس اعضای شورای پژوهشی به طرح دیدگاه‌ها و نظرات خود درباره مباحث مطرح شده و دوره‌بندی‌های تاریخی پرداختند. ضرورت نگاه انتقادی به دوره‌بندی‌های تاریخی ارائه شده از سوی غربیان (که مبتنی بر نگاه شرق‌شناسانه است)؛ عدم انطباق کامل دوره‌بندی ارائه شده در کتاب شریف با تاریخ ایران؛ عدم توجه به میراث‌های تمدنی پیشین در دوره‌بندی کتاب «تاریخ فلسفه در اسلام»؛ عدم توجه کافی به فلسفه شیعی و حکمت عملی در این اثر؛ ضرورت تفکیک میان دوره‌بندی تاریخی و بحث تاریخ‌نگاری در مباحث اعضا؛ اهمیت تحلیل و تبیین پیشینه نظری تقسیم‌بندی‌های رایج تاریخی و... از مهم‌ترین محورهای مورد بحث و تبادل نظر اعضای شورا در این زمینه بود.



در پنجاه و ششمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه بررسی شد:

## نسبت هوش مصنوعی با علوم انسانی و ضرورت نقش آفرینی پژوهشگاه در این عرصه

دین است که با حسد از بین می‌رود. سومین گوهر عمل صالح است که غیبت آن را از میان می‌برد و چهارمین گوهر حیا و عفت است که طمع آن را از بین می‌برد. دکتر نجفی اظهار امیدواری کرد انسان بتواند با کنترل این صفات رذیله، این چهار گوهر وجود خود را پرورش و رشد دهد.

رئیس پژوهشگاه همچنین با اشاره به انتصاب دکتر مهدی بنایی‌جهرمی به‌عنوان رئیس پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری و دکتر نفیسه فقیهی مقدس به‌عنوان سرپرست شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی؛ از زحمات و مساعی رئیس‌ان پیشین قدردانی و برای رئیس‌ان جدید این مراکز آرزوی توفیق روزافزون کرد.

پنجاه و ششمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه بیست و یکم آبان ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این جلسه ضمن تنفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف و ب) پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه‌های مختلف پژوهشگاه؛ پیشنهاد دکتر مسعود قیومی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه زبان‌شناسی درخصوص راه‌اندازی گروه هوش مصنوعی مورد بحث و بررسی اعضای شورا قرار گرفت. نحوه ارتقاء مقالات علمی نشریات پژوهشی پژوهشگاه در سایت گوگل اسکالر و ضرورت مشارکت پژوهشگاه‌ها، مراکز و گروه‌های پژوهشی پژوهشگاه در برگزاری برنامه‌های هفته پژوهش از دیگر مباحث مطرح شده در این جلسه شورا بود.

### تنفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

در این بخش از جلسه شورا، با حضور دکتر سید یاسر جبرائیلی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه تمدن اسلامی و دکتر مریم قبادی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات علوم قرآنی، اعضای شورا به بحث و تبادل نظر درباره ابعاد و جوانب مختلف برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی آنان پرداختند. در این بخش ابتدا دکتر جبرائیلی در ادامه مباحث جلسه گذشته شورا با اشاره به نکات و مسائل

### دکتر نجفی: عقل، دین، عمل صالح، و حیا و عفت چهار گوهر الهی وجود انسان هستند

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از درود و صلوات بر پیامبر خاتم صل... علیه و آله و سلم و اهل بیت معصوم علیهم السلام، با نقل روایتی از ائمه معصومین علیهم السلام توسط مرحوم آیت‌الله مجتهدی (استاد اخلاق) گفت: در انسان چهار گوهر و جواهر الهی وجود دارد که چهار ضد نیز دارند: اولین گوهر عقل است که ضد آن غضب است، چنانچه هرگاه انسان عصبانی شود، عقل او زایل می‌شود. دومین گوهر



که به یافتن الگوهای تکرارشونده در حجم زیاد داده، استخراج این الگوها و پیش‌بینی‌پذیری برای الگوهای جدید دیده نشده می‌پردازد.

این عضو پژوهشکده زبان‌شناسی در ادامه به دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) درباره هوش مصنوعی پرداخت و گفت: بنابر بیانات رهبری همچون ۲۶ آبان ۱۴۰۰، ایران باید جزء ۱۰ کشور اول دنیا در هوش مصنوعی شود؛ یا در بیان دیگری در ۱۴ خرداد ۱۴۰۲ می‌فرمایند: در دوران هوش مصنوعی نمی‌توان از روش‌های قدیمی استفاده کرد؛ یا در تأکید دیگری (۱۴/۰۶/۱۴۰۳)، اهمیت تسلط بر عمق هوش مصنوعی را متذکر می‌شوند.

دکتر قیومی با اشاره به رویکردهای جهانی در زمینه هوش مصنوعی در کشورهای مختلف همچون آمریکا، فرانسه، امارات و تاریخچه و انواع آن؛ به اقدامات صورت گرفته در ایران در این عرصه پرداخت و گفت: سازمان ملی هوش مصنوعی ایران زیر نظر معاونت اول ریاست جمهوری تأسیس شده است. همچنین پژوهشکده هوش مصنوعی در برخی دانشگاه‌ها مانند دانشگاه صنعتی امیرکبیر و دانشگاه صنعتی شریف به منظور تجمیع طرح‌های فناورانه در حوزه‌های نفت، معادن و... با استفاده از هوش مصنوعی ایجاد شده است.

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به ارتباط علوم انسانی و هوش مصنوعی پرداخت و بر ارتباط عمیق رشته‌های مختلف علوم انسانی همچون فلسفه، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی، با هوش مصنوعی تأکید کرد و متذکر شد: حجم مهمی از هوش مصنوعی به رشته‌های علوم انسانی بازمی‌گردد و اگر علوم انسانی از هوش مصنوعی گرفته شود،

مطرح شده از سوی اعضای شورا درباره برنامه پژوهشی خود در زمینه اقتصاد مردمی، ضمن پاسخ به مسائل یاد شده، به تبیین و تشریح رویکرد خود پرداخت. سپس دکتر مریم قبادی نیز با تبیین برنامه پژوهشی خود در زمینه تفاسیر شیعه در قرون ۱۰ تا ۱۲، اهمیت و ضرورت بررسی تغییرات صورت‌گرفته در تفاسیر این دوران نسبت به دوره‌های قبل به‌ویژه در تفاسیر شیعه را متذکر شد.

سپس دکتر هادی وکیلی، مدیر پژوهشی پژوهشگاه، عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف و ب) پیشنهادی اعضای هیأت علمی از پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه از جمله پژوهشکده دانشنامه‌نگاری؛ پژوهشکده تاریخ؛ پژوهشکده تمدن اسلامی؛ پژوهشکده زبان و ادبیات؛ پژوهشکده فلسفه؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات؛ و مرکز پژوهشی اسناد فرهنگی آسیا را قرائت کرد. پس از طرح مسائلی از سوی اعضای شورا و ارائه توضیح رئیس‌ان پژوهشکده‌های ذی‌ربط، برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی، مورد تنفیذ و تصویب قرار گرفتند.

### بررسی پیشنهاد تشکیل گروه هوش مصنوعی در پژوهشگاه

بخش دیگری از جلسه شورا، به پیشنهاد دکتر مسعود قیومی، عضو هیأت علمی پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه در زمینه تشکیل گروه هوش مصنوعی اختصاص داشت. در این بخش ابتدا دکتر قیومی تعریفی از هوش مصنوعی ارائه کرد و گفت: هوش مصنوعی، به شبیه‌سازی فرایندهای ذهنی و هوش انسان توسط رایانه از جمله تشخیص، یادگیری، تحلیل، تصمیم‌گیری و تولید اطلاق می‌شود. هوش مصنوعی یک فرایند الگوریتمی است



## اصلاح فوق‌العاده جهش علمی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

شایان ذکر است در ابتدای جلسه، دکتر عبدا... قنبرلو، معاون اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشگاه با اشاره به اینکه فوق‌العاده جهش علمی جزء پرداخت مستمر نیست به ضرورت کسب حد نصاب لازم در ترفیع سالانه جهت اعمال کامل فوق‌العاده جهش علمی براساس قوانین و مقررات ابلاغی از نهادهای ذی‌ربط اشاره کرد و گفت: بر همین اساس طی چند روز آینده احکام برخی از اعضای هیأت علمی مطابق این آیین‌نامه اصلاح خواهد شد.

همچنین بحث و تبادل نظر درباره نحوه ارتقاء مقالات علمی نشریات پژوهشی پژوهشگاه در وبگاه گوگل اسکالر؛ و اهمیت و ضرورت مشارکت پژوهشکده‌ها، مراکز و گروه‌های پژوهشی پژوهشگاه در برگزاری برنامه‌های هفته پژوهش از دیگر مباحث مطرح شده در این جلسه شورا بود که مقرر شد رئیسان پژوهشکده‌ها، مراکز و گروه‌های پژوهشی به تشریح و تبیین دقیق این مسائل در جلسات شورای پژوهشکده‌ها، مراکز و گروه‌های پژوهشی جهت اطلاع اعضای هیأت علمی خود پردازند.

چیزی جز الگوریتم از آن باقی نمی‌ماند. دکتر قیومی در ادامه به کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی پرداخت و مطالعه پیامدهای اخلاقی، حقوقی و اجتماعی هوش مصنوعی؛ مطالعه اثرگذاری هوش مصنوعی بر تغییر مهارت‌ها؛ مطالعه تأثیرات فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی بر حقیقت، اعتماد و دموکراسی، ایمنی و امنیت، حریم خصوصی، حقوق و آزادی‌های مدنی؛ تلفیق هوش مصنوعی و اکتشافات انسان‌گرایانه در حوزه علوم انسانی با خلق روش‌های نوآورانه به منظور خودکارسازی، تولید و شبیه‌سازی روش‌های انسان‌گرایانه؛ و... را از حوزه‌های ارتباطی هوش مصنوعی با علوم انسانی برشمرد. وی تأکید کرد: شکاف میان سامانه‌های هوش مصنوعی و علوم انسانی با انجام پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و چندرشته‌ای میسر می‌شود و از نمونه‌های کاربرد هوش مصنوعی در علوم انسانی، زبان‌شناسی رایانشی، فلسفه رایانشی، کتابخانه دیجیتال و... را نام برد.

با توجه به اهمیت موضوع مقرر شد موضوع در جلسات بعدی شورا مورد بحث و تبادل نظر اعضا قرار گیرد.



## گزارش چهارمین جلسه شورای انتشارات پژوهشگاه

### بخش دوم: فعالیت‌های انجام شده برای افزایش فروش کتاب‌ها

۱. راه‌اندازی سامانه فروش مجازی کتاب برای افزایش فروش کتاب‌های پژوهشگاه: با عنایت به این‌که تمام ناشران دولتی و خصوصی معتبر کشور سال‌هاست که از این شیوه برای معرفی و فروش آثارشان استفاده می‌کنند نداشتن این امکان در پژوهشگاه نقصان اغماض‌ناپذیری به‌شمار می‌رفت. شایان ذکر است که در این رابطه مشخصات کامل نزدیک به ۸۰۰ عنوان کتاب در سامانه فروش مجازی ثبت شد؛

۲. حضور مؤثر و مستمر در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران: بهره‌مندی از غرفه‌های بزرگ (چهل و پنج‌متری) و درخور نام پژوهشگاه طبق انجام ریزنی‌های مختلف با مدیران ارشد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌منظور معرفی و عرضه بهتر و بیش‌تر آثار پژوهشگاه و در نتیجه افزایش فروش آن‌ها؛

۳. تغییر ساختار کلیشه‌ای طرح جلد کتاب‌های پژوهشگاه و بهره‌مندی از طرح‌های متنوع و جدید به‌منظور ایجاد جذابیت بیش‌تر؛

۴. اختصاص تخفیف به برخی از آثار پژوهشگاه در مناسبت‌های مختلف؛

چهارمین جلسه شورای انتشارات، نهم آبان‌ماه با حضور دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه؛ دکتر معین‌زاده، معاون پژوهشی؛ مهندس عطایی‌آشتیانی، معاون فرهنگی؛ دکتر اعتمادی، مدیر نشر آثار علمی و دیگر اعضای شورا برگزار شد. در ابتدای این جلسه دکتر اعتمادی ضمن تشکر از حمایت‌های بی‌دریغ رئیس پژوهشگاه برای صدور دستور پرداخت مطالبات انباشته شده نشریات پژوهشی و کتاب‌ها در دو سال گذشته، پیشرفت اکثر امور انتشارات را نتیجه پشتیبانی دکتر نجفی قلمداد کرد و سپس گزارشی از عملکرد دو ساله مدیریت نشر آثار علمی ارائه داد. در این گزارش فعالیت‌های انتشارات در چهار بخش دسته‌بندی و ارائه شد:

### بخش نخست: فعالیت‌های انجام شده برای کاهش و مدیریت هزینه‌ها

۱. کاهش شمارگان چاپ کتاب‌های جدید از ۱۰۰ الی ۵۰۰ نسخه به ۵۰ الی ۱۰۰ نسخه و تقاضامحور کردن تجدید چاپ همه کتاب‌های انتشار یافته
۲. کاهش تعداد نیروهای اجرایی به هدف کاهش بار مالی بخش انتشارات: در این مورد اشاره شد که طی این دو سال شش نفر از نیروهای انتشارات کاسته شده است
۳. به‌روزرسانی قیمت همه کتاب‌های انتشار یافته در سال‌های گذشته و به‌روزرسانی معیار محاسبه قیمت کتاب‌های جدید متناسب با تورم رسمی سالانه
۴. افزایش مبلغ دریافتی از نویسندگان برای آماده‌سازی و انتشار هر مقاله از ۴۰۰/۰۰۰ به ۶۰۰/۰۰۰ تومان



مجازی به‌منظور پوشش خبری آثار منتشرشده و در دست چاپ و نیز انعکاس سایر فعالیت‌های انتشارات ۱۶. ایجاد بانک اطلاعاتی داوران در بخش نشریات و کتاب‌ها

پس از ارائه این گزارش دکتر اعتمادی اشاره کرد، با عنایت به این‌که هر نشریه با توجه به سردبیر و اعضای هیأت تحریریه هویت مستقلی به لحاظ علمی و اجرایی دارد، اشاره کرد که فرآیند انتشار مقالات از هنگام ثبت تا نتیجه نهایی و نیز حتی در جزئیاتی مثل ویراستاری و صفحه‌آرایی از سوی کمیسیون نشریات بررسی و ارزیابی می‌شود و طولانی شدن روند داوری مقالات از جمله مواردی است که قطعاً باعث کاهش امتیاز خواهد شد؛ این در حالی است که در آخرین رتبه‌بندی نشریات از ۲۴ نشریه پژوهشگاه، شش نشریه امتیاز «الف» و ۱۶ نشریه امتیاز «ب» دریافت کرده‌اند (دو نشریه هم هنوز در کمیسیون نشریات ثبت نشده‌اند)؛ برخلاف برخی از دانشگاه‌های مهم کشور که نشریاتی با امتیاز «ج» و «د» نیز دارند.

در ادامه عناوین ۲۲ طرح پژوهشی بارگذاری شده در سامانه کتاب قرائت شد: برای ۱۸ طرح داور تعیین شد و چهار طرح مربوط به نویسندگان خارج از پژوهشگاه به دلیل تعدد آثار پژوهشگاه در اولویت قرار نگرفت. سپس هفت طرح و گزارش همایش جهت تعیین تکلیف نهایی و اخذ مجوز فیپا و ارشاد مطرح شد. در این رابطه مقرر شد که آثار مربوط به همایش‌ها تنها در صورتی برای دریافت مجوز ارشاد ثبت شوند که در قالب مجموعه مقالات ارائه شده باشند. در پایان برای سه طرحی که به داوران ارسال شده ولی تاکنون پاسخی دریافت نشده بود مجدداً داور تعیین شد.

## بخش سوم: فعالیت‌های انجام‌شده برای حفظ و

### تقویت گروه ویراستاران

#### و اعضای دیگر بخش خدمات پژوهشی

۱. بازسازی اعتماد ازدست‌رفته ویراستاران و نسخه‌ویرایان و صفحه‌آراییان و طراحان متخصص و باسابقه نشریات و جلب رضایت همه آن‌ها برای ادامه همکاری با پژوهشگاه

۲. به‌کارگیری دو ویراستار ارشد برای همکاری با انتشارات، براساس مساعدت رئیس محترم پژوهشگاه

## بخش چهارم: فعالیت‌های انجام‌شده برای بهبود و

### ساماندهی امور اجرایی انتشارات و چاپ و انتشار آثار

۱. راه‌اندازی سامانه نظارت بر همه مراحل دریافت، داوری، آماده‌سازی علمی و فنی، و چاپ و انتشار کتاب‌های جدید

۲. آماده‌سازی و چاپ و صحافی ۶۴ عنوان کتاب جدید: ۳۱ عنوان کتاب «استعمارشناسی ایرانی» (پیوست ۱) که به طور کامل منتشر شده است. ۳۳ عنوان کتاب مربوط به طرح‌های موظف اعضای هیأت علمی (پیوست ۲) پژوهشگاه است که اغلب منتشر شده است یا در دوماه آینده منتشر خواهد شد

۳. تجدید چاپ ۳۵ عنوان از کتاب‌های گذشته (پیوست ۳) براساس وصول تقاضای خرید آن‌ها

۴. تدوین شیوه‌نامه برای یک‌دست‌سازی متون نشریات و کتاب‌های پژوهشگاه

۵. ایجاد کانال انتشارات در رسانه‌های اجتماعی و





## تاریخ اقتصادی ایران؛ زمین‌داری و اقتصاد ارضی در ایران

تحت عنوان ملاک-تاجر شد و این ملاک تاجران در سپهر سیاسی ایران معاصر نقش عمده‌ای ایفاء کردند.



چهارمین نشست از سلسله نشست‌های «تاریخ اقتصادی ایران؛ زمین‌داری و اقتصاد ارضی در ایران» بیست‌وسوم مهرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. سخنرانان این نشست دکتر محسن سراج، دکتر محمدجعفر چمن‌کار و دکتر علی آقاییاری بودند. مدیریت نشست نیز بر عهده دکتر علی سالاری‌شادی بود.

### مناسبات تولید و مسئله قحطی در ایران

در ابتدای نشست دکتر سالاری‌شادی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه تاریخ، درخصوص اقتصاد، معیشت و بنیان‌های آن برحسب ضرورت و نیازها ملت‌ها به فراخور اصل و بنیان هستی انسان‌ها و حرکت‌هایی که در تاریخ درزمینه اقتصاد ارضی و ضرورت تأمین منابع از سوی حکمرانان بوده است سخنانی مقدماتی بیان کرد و در ادامه دکتر آقاییاری مقاله مشترک خود با دکتر چمن‌کار، عضو هیأت علمی دانشگاه ارومیه را با عنوان «قحطی، از مسائل و موضوعات اقتصاد ارضی ایران» را به‌صورت مجازی ارائه کرد. دکتر آقاییاری در سخنانش به مسائل و مشکلات عدیده‌ای که در طول تاریخ اقتصاد ارضی ایران با آن مواجه بوده، اشاره کرد و به تبیین موضوع بسیار مهم این حوزه یعنی «مسئله قحطی» پرداخت.

وی با توجه به وابستگی اقتصاد کشور به کشاورزی و به تبع آن زمین و مالکیت آن را بسیار با اهمیت ارزیابی کرد و شرح داد: به‌وجود آمدن قحطی که تابع عوامل طبیعی و اقتصادی بود، موجب مرگ‌ومیر، مهاجرت کشاورزان و در نهایت غیرقابل کشت شدن زمین‌های کشاورزی و باعث کاهش محصولات زراعی می‌شد. در چنین شرایطی زمین‌داران، زمین‌های خود را به دولت یا به مالکان بزرگ واگذار یا زمین‌های خود را وقف می‌کردند که این مسئله خودبه‌خود موجب تضعیف خرده مالکان، کشاورزان و کارگران می‌شد و در نتیجه اقتصاد کشور با بحران مواجه می‌گشت.

از سویی دامنه قحطی‌ها نه تنها تضعیف خرده مالکان را در پی داشت بلکه دولت را با چالش مالی تازه‌ای روبه‌رو می‌کرد تا جایی که برای رهایی از این بحران اقدام به واگذاری زمین‌های خالصه می‌کرد. این مسئله موجب پیدایش قدرت و نفوذ سیاسی جدیدی

دانشگاه علامت و حکمت  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشگاه تاریخ ایران  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

**نشست تاریخ اقتصادی ایران**  
**(زمین‌داری و اقتصاد ارضی در ایران)**

مدیر جلسه: دکتر علی سالاری‌شادی

سخنرانان:  
دکتر محسن سراج  
دکتر محمدجعفر چمن‌کار  
علی آقاییاری

زمان: دوشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ ساعت: ۱۰ تا ۱۲  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

پیوند ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/n93-ibo-tlj-ke7/join>

## اقتصاد داری و تغییر مناسبات تولید کشاورزی

به ایران تا تسلط سلاجقه) در فلات ایران مرسوم بود، به ضرر نیروهای تولیدی و گسترش و پیشرفت تولید کشاورزی ایران به وجود آمد و مناسبات تولید مبتنی بر «بهره ثابت مالکانه» که گسترده‌ترین شکل مناسبات تولید در ایران تا قبل از تسلط سلاجقه بوده و در ذات و کارکرد خود امکان پیشرفت نیروهای تولیدی و انباشت سرمایه و در نتیجه پیشرفت و گسترش تولید را فراهم می‌کرد، در اثر گسترش اقتصاد داری، جایگاه خود را به مناسبات تولید «مزارعه» ای داد که مکانیسم آن بر اساس استئمار هر چه بیشتر نیروهای تولیدی و جدا کردن ایشان از ابزار تولید، بنیان گذارده شده بود.

دکتر سراج در بخش پایانی سخنان خود تأکید کرد: غالب شدن این مناسبات تولید در کشاورزی ایران از زمان سلاجقه تا اصلاحات ارضی در دوران معاصر، بزرگترین آسیب‌ها را به اقتصاد کشاورزی ایران چه از لحاظ پیشرفت نیروهای تولیدی و چه از لحاظ حفظ و گسترش منابع تولید، وارد آورد. وی همچنین علل ایجاد این سیر نزولی در اقتصاد کشاورزی ایران و نتایج زیان‌بار تغییرات در مناسبات تولید پس از گسترش اقتصاد داری را مورد بررسی قرار داد.

در پایان نشست نیز جلسه پرسش و پاسخ بین حاضران و استادان مدعو برگزار و پیشنهاد بررسی مسائل جدید حوزه اقتصاد ارضی مطرح شد.



در بخش دوم نشست دکتر سراج، عضو هیأت علمی پژوهشکده امام خمینی (ره)، سخنرانی خود را با عنوان «اقتصاد داری و تغییر مناسبات تولید کشاورزی» ارائه کرد و درخصوص مناسبات تولید و شرایط آن با آغاز واگذاری‌های محدود زمین‌های دیوانی به عنوان اقتصاد داری به نظامیان در زمان آل‌بویه و گسترش و تثبیت این روش در زمان سلاجقه، تغییرات عمده‌ای در مناسبات تولید کشاورزی معهود و غالب که (از زمان ورود اسلام



## نشست پنجم «تاریخ اقتصادی ایران (اقتصاد ارضی و زمین داری)»

دکتر یزدانی‌راد در ادامه به مناسبات ارضی ایران در دوره‌های تاریخی پرداخت و به تاریخ‌نگاری چپ در تاریخ اقتصادی ایران و غالب بودن آراء و نظرات آنان اشاره کرد. وی با اشاره به بحث شیوه تولید آسیایی، تأکید کرد: با نظر برخی مورخین که بر فئودالیسم در ایران اصرار داشتند، مخالف است و اساساً الگوی کشت را در پراکندگی زمین و قدرت و نقش میراب‌ها یا همان امیران آب تشریح کرد. یزدانی‌راد همچنین در مورد تاریخ شفاهی برخی شخصیت‌ها از جمله آقای متین و بررسی شرایط انواع خاک نقل کرد که در بررسی خاک‌های منطقه گیلان به دلیل آنکه فاقد مس است، جای ایرانی رنگ ندارد. وی همچنین به خشک‌سالی‌های متعدد و تبعات آن در نواحی ایران اشاره کرد و بر ضرورت تحقیق و پژوهش بیشتر روی موضوع «الگوی کشت و تاریخ‌نگاری» تأکید کرد.

### زمین داری و امر اجتماعی در ایران

در بخش دوم نشست دکتر کسرابی در بحث خود به موضوع «زمین داری و امر اجتماعی در ایران» پرداخت و در رابطه با حوزه تأثیرگذاری زمین داری در ایران با توجه به دوره‌های تاریخی و اینکه از چه زمانی به عنوان امر اجتماعی مطرح می‌شود، اشاره کرد: امر اجتماعی نقاط یا امکان‌هایی است که روح اجتماع که همان همکاری و ارتباط است، در آن موقعیت‌ها مجتمع شده و سبب تولید یک نیروی اجتماعی می‌شود. در واقع امر اجتماعی محصول شکل‌گیری و فراروی شعور جمعی حول یک مسئله اجتماعی است.

در ادامه سلسله نشست‌های تاریخ اقتصادی ایران با تکیه بر اقتصاد ارضی و زمین داری، جلسه پنجم نشست با تأکید بر مباحث نظری، بیست و هفتم آبان‌ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست دکتر علی سالاری‌شادی (عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی) به عنوان مدیر جلسه و دکتر محمدسالار کسرابی (عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و دانشیار جامعه‌شناس) و دکتر محمدحسین یزدانی‌راد (پژوهشگر حوزه تاریخ اقتصادی و عضو هیأت علمی سازمان اسناد کتابخانه ملی) به عنوان سخنران حضور داشتند.

### بررسی نظریه مورخان مارکسیستی در مورد تاریخ اقتصادی ایران

در ابتدای نشست دکتر یزدانی‌راد، نویسنده کتاب تاریخ اقتصادی همدان و مؤلف آثاری در تاریخ معاصر، به سخنرانی پرداخت. عنوان سخنرانی وی مبتنی بر مقاله مشترک با پیمان صالحی «بررسی نظریه مورخان مارکسیستی در مورد تاریخ اقتصادی ایران» بود. وی سخنانش را در دو بخش با موضوع «تاریخ زمین داری» و «تاریخ‌نگاری زمین داری» مطرح و بیان کرد: تاریخ زمین داری از دوره هخامنشی آغاز شده است. در دوره کوروش و داریوش شیوه تولید مبتنی بر کشاورزی بود و مالک‌الرعب پادشاه بود. از جنبه سیاسی و اقتصادی زمین بسیار اهمیت داشت. از نظر اقتصادی مرغوب‌ترین بخش در کمک به بدنه قدرت، زمین بود. در همین مورد قراردادهای دو جانبه تدوین می‌شد.



دکتر کسرائی در نتیجه‌گیری سخنان خود به پیامدهای تقسیم اراضی اشاره کرد و یادآور شد: در خصوص مسئله اجتماعی (Social Problem) نخست آنکه زمانی می‌توانیم از «مسئله» استفاده کنیم که نشان دهیم چیزی اشتباه است و ناهنجاری و مشکلی به وجود آمده که یک سیستم یا سیستم‌هایی را درگیر و از روند و روال عادی خارج کرده است. دوم اینکه مسئله، مسئله‌ای شایع و گسترده باشد یعنی به افراد بسیار یا قابل توجهی آسیب بزند و صرفاً مشکل افرادی معدود نباشد به‌قول «سی رایت میلز» گرفتاری و معضل عام باشد. سوم اینکه مسئله اجتماعی از نوع مسائلی است که می‌توان آن را تغییر داد و وضعیت موجود را به وضعیت مطلوب تغییر داد. چهارم، افراد زیادی به فکر اقدام برای تغییر آن هستند و راه‌حلی در این رابطه ارائه می‌دهند.

وی در خاتمه سخنانش به تحولات حوزه زمین و امر اجتماعی اشاره کرد و بحث خود را حول رؤیت‌پذیر شدن و شکل‌گیری یک آگاهی عمومی حول ابژه مسئله زمین‌داری، کشاورزان و روستائیان که تا پیش از این عادی تلقی می‌شد، ادامه داد. وی همچنین به پیشینه حضور دهقانان در عرصه عمومی - سیاسی به برخی شورش‌های دهقانی اشاره کرد.

به‌زبان فوکویی امر اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که یک ابژه رؤیت‌نشده تبدیل به یک ابژه رؤیت‌پذیر می‌شود، بدین معنا که نظم موجود در اثر تحولاتی دچار شکاف و ترک شده و امکان گفت‌وگو در باب آن موضوع فراهم می‌شود. دکتر کسرائی ادامه داد: به لحاظ ریخت‌شناسی جغرافیایی (Geographic Morphology) از یکسو و بافت و پراکندگی جمعیت (Population Structure and Distribution) از سوی دیگر، در طول ادوار گذشته از عوامل اصلی عدم شکل‌گیری جنبش‌های دهقانی در ایران بوده‌اند. ادغام ایران در نظام جهانی در طول قرن نوزدهم شدت گرفت، به‌گونه‌ای که در اوایل قرن بیستم به‌عنوان یک کشور حاشیه‌ای (Marginal) در نظام جهانی ادغام شده بود. فرضیه اصلی بحث ورود و بسط ایدئولوژی‌های جدید و به‌طور خاص ایدئولوژی چپ سوسیالیستی و مارکسیستی، علاوه بر فراهم آوردن موجبات شکل‌گیری گروه‌بندی‌های سیاسی جدید، مهمترین عامل توجه به دهقانان و مسئله زمین و زمین‌داری در ایران دوره جدید بوده است. بستر روش‌شناسی بحث هم روش تطبیقی تاریخی است که سه دوره تاریخی را به‌صورت طولی مورد بحث قرار دادند.

(۱) از آستانه مشروطیت تا اوایل قرن چهاردهم

(۲) اواخر دهه سی و دهه چهل قرن چهاردهم

شمسی اواخر (۱۳۳۰-۱۳۴۰)

(۳) اواخر دهه پنجاه (۱۳۵۷ - ۱۳۵۹)



دانشکده مطالعات انسانی  
 پژوهشگاه تاریخ ایران  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:  
**نشست تاریخ اقتصادی ایران**  
**(زمین‌داری و اقتصاد ارضی در ایران)**  
 نشست پنجم: مباحث نظری  
 مدیر جلسه: دکتر علی سالاری شادی  
 سخنرانان:  
 دکتر محمدسالار کسرائی  
 دکتر محمد حسین یزدانی‌راد  
 دکتر پوریا اسماعیلی  
 زمان: یکشنبه ۲۷ آبان‌ماه ۱۴۰۳ ساعت: ۱۳ تا ۱۵  
 مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن حکمت  
 پیوند ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/3ky-ahp-v20-aiu/Join>

## کنش‌گری رسانه برای صلح

ما در پژوهشگاه نیاز داریم از اینکه همواره سرمان در کتاب است و کار پژوهشی انجام می‌دهیم، مقداری فاصله بگیریم و تجربیات این‌چنینی نظیر مستند یا فیلم‌های مختلف اجتماعی را هم ببینیم.

### شبکه‌های اجتماعی بودند که علیه اسرائیل غاصب موج جهانی ایجاد کردند

دکتر معتمدی در ادامه افزود: همه ما می‌دانیم عصر امروز، عصر رسانه‌هاست و این رسانه‌ها هستند که برای ما روایت، گفتمان و تصویر می‌سازند، لذا نقش یک رسانه برای اینکه بتواند کنش‌گری را انجام دهد و دیدگاه‌های افراد را نسبت به تحولات جهان امروز تغییر دهد، بسیار مهم است. در وضعیت حاضر هم که شبکه‌های اجتماعی به مجموعه رسانه‌ها افزوده شده، این تعاملات بسیار گسترده‌تر شده است. در این وضعیت هرگونه تلاشی در جهت صلح باید به‌نوعی متکی به رسانه‌های اجتماعی باشد که بتواند فراگیرتر شود. به‌عنوان نمونه در قضایای اخیر غزه که در منطقه ما به‌وجود آمده است، آن چیزی که باعث شد تا چنین قضیه‌ای به یک جریان جهانی تبدیل شود و موج جهانی علیه اسرائیل غاصب ایجاد کند (باوجود اینکه اسرائیل می‌گوید، مثلاً به بعضی از این افراد پول

نشست «کنش‌گری رسانه برای صلح» به‌مناسبت روز جهانی صلح، توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دهم مهرماه برگزار شد.

در ابتدای این نشست، فیلم «افسانه بناسان، غول چراغ جادو» که مستند فیلمی پیرامون صلح است، پخش شد. سپس دکتر بشیر معتمدی، عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات در ارتباط با کارگردان این فیلم نکاتی را بیان کرد و گفت: دکتر حبیب احمدزاده از جمله کسانی است که دغدغه انسانیت را در خودشان حفظ کرده و این خیلی مهم است. ضمن اینکه خودشان در دوران دفاع مقدس در جبهه‌ها حضور داشته‌اند و از رزمندگان عزیز آن دوران به‌حساب می‌آیند. دومین ویژگی که ایشان دارند این است که برای پیگیری اهداف خود یک نوعی عدم آرامش دارند که ستودنی است. روزی نیست که در حوزه کاری خودشان به‌ویژه تهیه مستند یا فیلم در حوزه صلح آرام و قرار داشته باشند. از این شهر به آن شهر و از این کشور به آن کشور، مرتب برنامه‌های مختلفی را یا خود برگزار یا در آن شرکت می‌کنند و از این طریق امکان تبادل فرهنگی و تعامل با دیگر فرهنگ‌ها را فراهم می‌سازند. من فکر می‌کنم که



اتفاق بیفتد، فیلم بسازم و آدم‌های خوب را نشان دهم. این استاد دانشگاه در ادامه خاطرنشان کرد: همه ما همیشه یک طرف دعوا هستیم و حکیم نیستیم. اگر اعتماد اخلاقی برای طرف مقابل ایجاد کنیم که کارهای ما برای جیب، جناح و گروه خاصی نیست، این باعث جذب افراد می‌شود. هر گروه و جناحی هم یک حرف درست دارد و یک حرف غلط. ما اصلاً جناح و گروهی که حق مطلق باشد، نداریم. اگر توانستید اعتماد افراد مختلف با گرایش‌های متنوع را برای یک فکر و کار درست جلب کنید، می‌توانید موفق شوید. من خودم یک تعریفی دارم از جنگ و صلح. معتقدم کسی که می‌گوید جنگ خوب است، مثل کسی است که بیاید پشت تریبون و بگوید خوشبختانه مثلاً زلزله بم ۴۰ هزار آدم را کشت. این آدم روانی است و چنین حرفی قابل قبول نیست. اما در همین زلزله بم یک عده آدم از آمریکا تا کشورهای دیگر آمدند و کمک کردند. ما وظیفه داریم از این افراد تشکر کنیم. حالا اگر تشکر کردیم، یعنی زلزله چیز خوبی است؟ نه! باید اصل زلزله و کمک در آن را از هم تفکیک کرد که خیلی اوقات ما این کار را نمی‌کنیم. در دوران دفاع مقدس، جوانان ما وقتی به جبهه رفتند، چنین کاری کردند و در واقع جلوی جنگ ایستادند. ما در جنگ بمب شیمیایی استفاده نکردیم، تا چند سال به شهرهای آنها موشک نزدیم. من می‌گویم موقعیت مهم نیست، مهم این است که آیا می‌توانی در آن موقعیتی که پیش می‌آید، انسان باقی

داده شده است)، شبکه‌های اجتماعی بودند. می‌دانید که رسانه‌های بزرگ دنیا از نظر مالکیت در اختیار دولت‌ها یا کمپانی‌های بزرگ قرار دارند و در تلاش هستند تا جنایات اسرائیل را توجیه یا کم‌رنگ جلوه دهند، اما این شبکه‌های اجتماعی بودند که توانستند جامعه جهانی را به صحنه بکشانند و جنایات اسرائیل که ماشین نسل‌کشی راه انداخته است را برملاء سازند.

### در موقعیتی که پیش می‌آید، انسان بمانی مهم است

در ادامه این برنامه، دکتر احمدزاده، کارگردان فیلم در سخنانی توضیح داد: من می‌خواستم در این فیلم همه چیز را از دریچه صلح ببینم. مثلاً بچه عراقی که همواره در طول زندگی‌اش جنگ دیده را نشان دادیم که در مراسم اربعین یاد می‌گیرد که بدون هیچ متنی به همه فارغ از رنگ و پوست و مذهبشان محبت و خدمت کند. همین موضوع چه قدر روابط بین ملت عراق و ایران را خوب کرده است. وقتی فیلم اتوبوس شب را که من با مرحوم کیومرث پور احمد کار کردم و این فیلم با زیرنویس ژاپنی در ژاپن پخش شد، یکی از روزنامه‌های پرتیراژ آنجا نوشت «ما باید از ایران و عراق یاد بگیریم و همین دوستی و محبت را با ملت‌های چین و کره برقرار سازیم». من معتقدم باید همان حرف مولوی را سر لوحه قرار دهیم که مضمونش این است که تو نگو که چرا همه می‌جنگند، تو تلاش خود را برای صلح انجام بده! من سعی کردم از کارهایی که دوست دارم در جهان



ما بلد نیستیم با هم حرف بزنیم. اصلاً تربیت نشده‌ایم که حکیمانه با هم حرف بزنیم. وی در انتها افزود: ما مردم قردانی داریم، ولی بلد نیستیم با هم حرف بزنیم. اصلاً تربیت نشده‌ایم که حکیمانه با هم حرف بزنیم. گاهی تلخی صداقت بسیار بهتر است تا بتوان رابطه بهتری برقرار کرد. ما باید حرف‌هایمان یک خروجی واقعی داشته باشد و گرنه ما آن قدر قهرمان واقعی ناشناخته داریم که کسی آنها را معرفی نکرده است. به نظر من بزرگترین کمک‌کننده صلح این است که الکی درگیر جنگ نشویم، ولی یک جاهایی باید یادمان باشد که ضعف ما باعث جنگ می‌شود. باید قوی و محکم باشیم. اگر ملت قوی نداشته باشیم، ما را نابود می‌کنند. جهان امروز متأسفانه چنین جهانی است، اما باید حکیمانه نگاه صلح‌آمیز خود را هم نشان دهیم.

بمانی یا نه؟ اگر این را یاد گرفتی، بُردی. هر روز یک موقعیت است، این شما هستی که چه در صلح و چه در جنگ انتخاب می‌کنی که انسان بمانی یا نه؟ این فیلم هم اصلاً یک فیلم جناحی نیست و آویزان کسی هم نشده است.

## کاش به جای موشک دوربرد،

### یک صلح دوربرد داشته باشیم

این مستندساز به تجربیات خود در زمینه تعاملات بین فرهنگی با اندیشمندان سایر ملل و کشورها مانند آمریکا و حتی اسرائیل اشاره کرد و اظهار داشت: کار خوب اگر تبلیغ و در عرصه عمومی ارائه نشود، هیچ فایده‌ای ندارد. نکته دیگر این است که آن قدر از ارزش‌ها گفته شده که در بین ما ناخودآگاه یک پس‌زدگی وجود دارد. بعضی موضوعات هستند که آن قدر پرداخته شده که وقتی دوباره مواجه می‌شویم، ما را عصبی می‌کند. اما بسیاری از این مطالب برای بیننده خارجی تازگی دارد و تا حالا با آن مواجه نشده است. این فیلم بیشتر برای بیننده خارجی است، نه بیننده داخلی که مرتب با این‌گونه مطالب مواجه است و لذا بیشتر برای مخاطب خارجی جذاب است. این یک تجربه است که مثل موشک دوربرد، یک صلح دوربرد هم داشته باشیم که مانند موشک، نقطه‌زن باشد. در عین حال بدانیم که ما باید مقاوم باشیم و در کنار آن از امکانات برای بهروزی مردم استفاده کنیم. ما یاد نگرفتیم که حکیم بوده و منطق داشته باشیم که طرف احساس کند سودش داخل شدن در همین روش (صلح) است.

دکتر احمدزاده افزود: به نظر من اگر ما بدی جنگ را نفهمیم، خوبی صلح را متوجه نمی‌شویم. «مالکوم ایکس» یک جمله کلیدی دارد و می‌گوید، من در زندان از «ولیکا محمد» به‌عنوان یک رهبر مسلمان یاد گرفتم که هر وقت دیدی کسی یک لیوان آب گل‌آلود می‌خورد، به او نگو نخور، بلکه یک لیوان آب پاک و شفاف کنارش بگذار. انسان‌ها آن قدر شعور دارند که فرق این دو تا را بفهمند. یعنی شما انسان‌ها را مخیل می‌کنی که خودش در بین انتخاب‌های در دسترس انتخاب کند. ما اگر در این فیلم، بدی‌های جنگ را نشان می‌دهیم، در کنارش می‌گوییم می‌توانید جانبازان جنگ ایران و عراق را در کنار بازمانده‌های اتمی هیروشیما بگذاری تا انتقال تجربه کنند. این تجربه‌ها می‌آید و به‌طور نمادین زمین خشک زاینده‌رود را پر از آب می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات برگزار می‌کند:

**کنشگری رسانه برای صلح**

همراه با بخش فیلم

«افسانه بناسان، غول چراغ جادو»

سخنرانان:

دکتر حبیب احمدزاده (آرژان فیلی)

دکتر بشیر معتمدی (امان حس برهنه‌ها، مردم‌ساز و مطالعات فرهنگی)

سه‌شنبه ۱۰ مهر ماه ۱۴۰۳ ساعت: ۹ تا ۱۳

مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن حکمت

بوند ورود به نشست: <https://webinar.ihcs.ac.ir/rooms/zpw-jov-gfc-mtx>

## ایران‌شناسی؛ هویت و فرهنگ ایرانی

زیارت آرامگاه دانیال نبی از ویرانه‌های شهر شوش دیدن کرد و آنجا را همان شوشان یاد شده در تورات دانست.

محقق و پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ادامه داد: چهره‌ای به نام «جوزوفا باریارو» از سوی سنای جمهوری ونیز در ۱۴۷۴ میلادی در زمان «اوزون حسن آق‌قویونلو» نیز راهی ایران شد. او نیز از تخت‌جمشید بازدید کرد و گزارشی از آنجا نگاشت. «ژان شاردن» نیز با سفر به ایران از جاهای گوناگون بازدید کرد و از شهرها و سازه‌های تاریخی ایران همچون تخت‌جمشید، نقاشی‌ها و طراحی‌هایی ثبت کرد. در واقع گزارش‌هایی که نایرانیان از ایران و محوطه‌های باستانی همچون تخت‌جمشید فراهم می‌کردند و تصویرها و طرح‌هایی که می‌آفریدند، غرب را بیش از پیش با ایران آشنا کرد و شاید بتوان تخت‌جمشید را دروازه پژوهش‌های ایران‌شناسی قلمداد کنیم که توجه بسیاری از غربی‌ها را برانگیخت که به ایران سفر کنند و از شگفتی‌های این سرزمین دیدن کنند و از فرهنگ و خوی و خیم ایرانیان بنویسند. آریامنش با اشاره به گلستان سعدی گفت: ترجمه‌های آثار ایرانی نیز به شناخت ایران در غرب یاری رساند چنان‌که در آغاز سده هفدهم میلادی، «اوت وینوسکی»

نشست «ایران‌شناسی؛ هویت و فرهنگ ایرانی» با سخنرانی دکتر محمدسالار کسرائی، دکتر فرزانه گشتاسب و با حضور نویسنده کتاب دکتر زاگرس زند و به دبیری علمی دکتر شاهین آریامنش، پانزدهم مهرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

### چشم غربی‌ها با ترجمه گلستان سعدی و اوستا

#### به ایران دوخته شد

دکتر آریامنش در آغاز نشست گفت: ایران‌شناسی، ایران‌پژوهی، پژوهش‌های ایرانی، مطالعات ایرانی و واژه‌ها و اصطلاح‌هایی از این دست به پژوهش‌های دامنه‌داری گفته می‌شود که برای شناختن وجوه گوناگون فرهنگ و تمدن ایران و جهان ایرانی انجام می‌شود. ایرج افشار، صادق ملک‌شهمیرزادی، پرویز رجبی، ناصر تکمیل‌همایون شماری از کسانی بودند که به پیشینه ایران‌شناسی پرداخته‌اند.

دبیر علمی نشست افزود: برخی از پژوهشگران پیشینه ایران‌شناسی را به سال‌های دور نسبت می‌دهند، باین‌حال اگر از سده ۱۲ میلادی آغاز کنیم یکی از نخستین نایرانیانی که پای به ایران نهاد خاخامی یهودی به نام «بنجامین بن‌جناح» بود که با هدف بررسی وضع یهودیان به این سرزمین آمد و هنگام





ملی داشته‌اند، به هویت ملی نیز آگاه بودند و با این آگاهی، آن را در فراز و نشیب تاریخ حفظ کرده‌اند.

### ما به داده‌های تاریخی و نیز معرفت‌پردازی نیاز داریم

دکتر کسرایی دیگر سخنران نشست سخنانش را این چنین آغاز کرد: همه برهه‌های تاریخ مهم هستند و ما همواره در بزنگاه‌های مهم تاریخی هستیم و نیاز داریم که در آن بزنگاه‌ها از تاریخ، وجود، بودن، هویت و تمدن خودمان دفاع کنیم و چنین کتاب‌هایی سالیان متمادی است که جمع‌آوری و به‌صورت کتاب منتشر شده است. بنابراین کتابی نیست که از آغاز کانونی داشته باشد و آن نقطه کانونی در کل صفحات کتاب پیگیری شود تا دریابیم که آن نقطه کانونی با استدلال‌ها چگونه است، بلکه مطالب مختلفی دارد. وی افزود: کتاب نیازمند یک مقدمه مفصل است تا همه رشته‌هایی که در آن هست را به یکدیگر وصل کند تا ببینیم اینها چه نسبتی با هم دارند که البته این امکان‌پذیر نیست مگر در پرتو یک دستگاه معرفتی.

لهستانی، گلستان سعدی را به زبان لهستانی ترجمه کرد و نیز «آندره دوریه» فرانسوی در سال ۱۶۳۴ بخش‌هایی از گلستان سعدی را به زبان فرانسه برگرداند و به‌راستی که گلستان سعدی آشنایی غربیان را با ایران بیشتر کرد. او ادامه داد: «آنکتیل دوپرون» فرانسوی نیز او را در سال ۱۷۷۱ به زبان فرانسه ترجمه کرد. دوپرون با این ترجمه، راهی را گشود که بسیاری از پژوهشگران غربی در این راه گام برداشتند و هر یک پژوهش‌های ایرانی را به‌پیش بردند و توجه اروپاییان به شناخت تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران و جهان ایرانی فزونی گرفت. در واقع چشم غربی‌ها با ترجمه گلستان سعدی و او را بیشتر به ایران دوخته شد.

### ایران‌شهریگان اشاره به مردم ایران است

در ادامه دکتر گشتاسب درباره هویت در ایران باستان گفت: کسانی که در دو قرن اخیر مخصوصاً در هفتاد هشتاد سال اخیر درباره هویت مخصوصاً هویت ملی صحبت کرده‌اند، با محور قرار دادن بحث ملت و ملیت دو رویکرد کلی داشتند. بعضی بحث ملت و ملیت را بحث پیشاتاریخی می‌دانند و آن را ناسیونالیسم کلاسیک یا ملت‌گرا می‌دانند و دیدگاه دیگر که پست‌مدرن است، می‌گوید بحث Nation بحث جدید و قرن نوزدهمی است و این افراد، گروه اول را به یک نوع ساده‌انگاری متهم می‌کنند و می‌گویند که آنها بحثی که قدمتی دوپست ساله دارد را به سه هزار سال پیش نسبت می‌دهند و از هویت ملی صحبت می‌کنند در حالی که اجازه صحبت کردن از هویت ملی را در دوره باستان ندارند.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، افزود: دیدگاه سومی نیز هست که طرفدارانش، آن دو دیدگاه را تلفیق می‌کنند و می‌گویند که بحث ناسیونالیسم بحث جدیدی است ولی از چیزی دیگری به‌عنوان هویت تاریخی ایرانی یا هویت فرهنگی ایرانی صحبت می‌کنند.

گشتاسب ادامه داد: کلیدواژه تمام این نظریات بحث ملت، ملیت و هویت ملی است. ملت به معنی گروهی است که دارای پیشینه تاریخی و فرهنگی یکسان هستند که در یک قلمرو واحد و زیر نظر یک قدرت سیاسی واحد زندگی می‌کنند. حال آیا مفهوم ملت و ملیت در ذهن ایرانیان در دوره هخامنشی و ساسانی بوده است یا نه؟ و آیا به این موضوع فکر می‌کرده‌اند و چنین اندیشه‌ای داشته‌اند؟ در گزیده‌های زادسپرم به زبان پهلوی عبارت ایران‌شهریگان آمده است که اشاره به ملت و مردم ایران است. ایرانی‌ها جزء اینکه هویت



### همه غیر ایرانی‌ها، ایرانی‌ها را به صورت یکپارچه می‌دیدند

دکتر زاگرس زند گفت: یکی از دغدغه‌های من فرهنگ، هویت و خلیقات ایرانی بود، از همین رو در این زمینه به پژوهش پرداختم و سفرنامه‌های اروپاییان درباره ایران را بررسی کردم و با نظریه رویکرد «ادوارد سعید» به این موضوع پرداختم و به این نتیجه رسیدم که ادبیات تولیدشده توسط سفرنامه‌نویسان اروپایی منطبق با محورها و ساختار بندی شرق‌شناسی «ادوارد سعید» نیست. بیشتر داده‌های فرهنگی که از قلم سفرنامه‌نویسان دوره قاجار تراوش کرده، شرق‌شناسانه نیست و نمی‌توان چنین برداشت کرد که نگاهی منفی به فرهنگ ایرانی و دین ایرانی داشته‌اند. نویسنده کتاب افزود: «ادوارد سعید» کمترین حرف را درباره ایران زده است که یا آن‌قدر با این حوزه ناآشنا بوده یا آن‌قدر هوشمند بوده که متوجه شده اگر در حوزه‌هایی وارد شود و حرف بزند، نظریه‌اش را خراب کرده و کلیتی که ساخته را نقض می‌کند. او ادامه داد: همه غیر ایرانی‌ها، ایرانی‌ها را به صورت یکپارچه می‌دیدند و می‌فهمیدند و خود ایرانی‌ها نیز ایران بزرگ را یک‌جور می‌فهمیدند و این‌ها را نمی‌توان انکار کرد.

ما همان‌طور که به داده‌های تاریخی نیاز داریم، به معرفت‌پردازی هم نیاز داریم. عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ادامه داد: ما درباره کلمه Nation، معرفت‌پردازی نکردیم و چون آن را نداشتیم از واژه‌هایی استفاده کردیم که آن واژه‌ها نه تنها برای ما وحدت نیافریدند، بلکه موجب تفرقه نیز شدند. کلمه ملت و ملت‌سازی در ایران از زمان مطرح شدنش بالاخص در عصر جدید ضمن اینکه به دنبال وحدت بوده ذیل خودش تفرقه نیز ایجاد کرده است. کسری گفت: آخر کتاب نیاز به یک سنتز دارد که این کتاب فاقد یک سنتز است. به‌رحال نویسنده از این بحث‌ها به دنبال چه بوده است؟ کدام داده‌های تاریخی می‌تواند قوام بعضی از بحث‌ها را بهتر و بیشتر کند؟ بنابراین اگر مقدمه و مؤخره به کتاب اضافه شود، می‌تواند به این بحث‌های پراکنده کتاب سروسامان بیشتری بدهد. خیلی نمی‌توان به تاریخ ایران به‌صورت خود و دیگری نگریست. وحدت در کثرت تاریخ ایران را می‌سازد و وقتی از خود و دیگری می‌گوییم، جالب نیست. وی افزود: ما یک واقعیت تاریخی به نام ایران داریم و هیچ متفکری نمی‌تواند این واقعیت را نفی بکند، بنابراین این واقعیت تاریخی در یک بازه زمانی طولانی تداوم پیدا کرده است و مهم این است که چگونه این واقعیت تاریخی تداوم پیدا کرده است؟



## نگرش جنسیتی در مناسبات کار و زندگی در ایران

فرصت را داده است که در خارج از خانه به اشتغال پردازند. دستیابی زنان به منابع اقتصادی ناشی از کار در خارج از خانه و تسخیر فضاهای تازه اجتماعی، ساخت چند صد ساله خانواده را دگرگون ساخته است و ضرورتاً پیدایی تعادلی نو را در یک خانه ایجاب می‌کند. اشتغال زنان، با ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساخت شغلی جامعه، نظام ارزش‌های سنتی، توزیع نقش‌ها و پایگاه‌های زن و مرد، آثاری بر خانواده و سلامت زن برجا گذاشته است. از آنجایی که زندگی روزمره همواره از تفاوت‌ها و دیگری بودن‌های موجود در بدن‌ها، سنت‌ها و ایماژها سرچشمه می‌گیرد، این امر موجبات درگیری ذهنی و عینی بسیاری برای زنان که همواره دارای نقش‌های چندگانه هستند، ایجاد می‌کند. بنابراین برقراری تعادل میان نقش‌های شغلی و خانوادگی در زنان از اهمیت به‌سزایی در پیشبرد موفق اهداف و عملکردها دارد. این روزها از یک‌سو در جامعه ما، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، نقش‌های متعددی را برای زنان تقاضا می‌کند و از سوی دیگر تقسیم نقش‌های جنسیتی هم به‌گونه‌ای است که مسئولیت امور خانه و فرزندان را همچنان برعهده دارند. البته این وضعیت فقط منحصر به جامعه ما نیست، بلکه در سطح جهان نیز زنان و دختران مسئول پنج

پنجمین نشست علمی گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با محور «نگرش جنسیتی در مناسبات کار و زندگی در ایران» بیست‌وپنجم مهرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌دو صورت حضوری و مجازی برگزار شد. سخنرانان این نشست، دکتر الهام ابراهیمی (دانشیار گروه پژوهشی مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر ملیحه حدادمقدم (استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)، دکتر بهاره نصیری (دانشیار گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بودند و دبیری علمی نشست نیز بر عهده دکتر آمنه بختیاری (پژوهشگر گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده پژوهشکده علوم اجتماعی) بود.

### تعادل کار و زندگی

در آغاز، دبیر علمی نشست، دکتر بختیاری به شرح مقدمه‌ای درباره «تعادل کار و زندگی» پرداخت و گفت: همراه با دگرگونی‌هایی که در ساخت و کارکرد خانواده در جامعه مدرن انجام گرفته، پایگاه اجتماعی زنان نیز دگرگون شده است. صنعت و شهرنشینی به زنان این



مناسبات کار و زندگی گفت: مفاهیم موجود در سه دیدگاه منفی، مثبت و یکپارچه به مناسبات کار و زندگی و حتی سنجش ابعاد این سه حوزه تفاوت قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر دارند. دیدگاه منفی یا به عبارت دیگر «تضاد کار و زندگی»، بیشترین سهم پژوهش‌های این حوزه را به خود اختصاص داده است. برعکس، مفاهیم جدیدتری مانند «سرریز مثبت»، «غنی‌سازی کار و زندگی» و «تسهیل کار و زندگی» که نمایانگر دیدگاه مثبت به حوزه کار و زندگی هستند، کمتر مورد توجه واقع شده‌اند. در نهایت، رویکردهای نوظهور «تعادل کار و زندگی»، «تناسب کار و زندگی» و «سازگاری کار و زندگی» که دیدگاه یکپارچگی کار و زندگی را منعکس می‌کنند، کمترین توجه را از سوی پژوهشگران دریافت کرده‌اند. شاید تعدد پژوهش‌های انجام شده در زمینه سنجش تعادل کار و زندگی، خوانندگان را در این زمینه با تردید مواجه کند؛ اما نکته اینجاست که در اکثر پژوهش‌های انجام‌شده با عنوان «تعادل کار و زندگی»، سنجش و اندازه‌گیری، پیش از مفهوم‌پردازی انجام شده است. از عبارت «مناسبات کار و زندگی» استفاده می‌شود تا هر سه رویکرد منفی (تضاد)، مثبت (سرریز مثبت / غنی‌سازی) و یکپارچگی (تعادل) ارتباط کار و زندگی افراد در نظر گرفته شود. وجود این سه رویکرد نشان می‌دهد که مفهوم مناسبات کار و زندگی مفهومی پویا و پیچیده بوده و ابعاد متعدد شناختی، احساسی، اجتماعی و رفتاری دارد

دکتر ابراهیمی افزود: شمار ناچیزی از پژوهش‌ها را می‌توان یافت که به ارتباط میان «کار و زندگی» یا «کار و زندگی غیرکاری» پرداخته و موضوع زندگی

درصد مراقبت‌های بدون دستمزد و کارهای خانگی در خانه‌ها و جوامع هستند.

دبیر علمی نشست ادامه داد: طبق آمار منتشره توسط سازمان بین‌المللی کار، زنان در سراسر جهان به‌طور متوسط روزانه چهار ساعت و ۲۵ دقیقه کار مراقبتی بدون دستمزد انجام می‌دهند، درحالی‌که این میزان برای مردان یک ساعت و ۲۳ دقیقه است. در این شرایط زنان در تطبیق کارهای مزدی و نقش‌های درون خانه با مشکلات فراوانی مواجهند که می‌تواند از یک‌سو باعث کاهش بهره‌وری شغلی و از سوی دیگر تغییرات اساسی در تعاملات فردی خانوادگی و اجتماعی و تصمیمات آنها باشد. چرا که میدان‌های شغلی برای زنان مقابله میان زندگی و کار است که به‌زعم بوردیو، میدانی است که مناسبات جنسیتی را تولید و بازتولید و کشمکش همزمانی و انباشتگی نقشی را در آنان ایجاد می‌کند یعنی زنان همواره با تعارض‌های میان نقش‌های خانوادگی و شغلی و به‌نوعی درهم‌تنیدگی مضاعف و پیوسته‌هایی در وظایف کاری و خانوادگی مواجهند. بنابراین آنچه مسلم است اینکه دست‌یابی به تعادل کار-زندگی می‌تواند سبب رضایت شخصی و کیفیت رفتار و عملکرد در هر دو حوزه شود. که در نهایت منتج به یک وضعیت روانی مناسب و رفاه خواهد شد.

### نقش جنسیت در گفتمان مناسبات کار و زندگی

سخنران آغازین نشست دکتر ابراهیمی سخنانش را با عنوان «نقش جنسیت در گفتمان مناسبات کار و زندگی» ارائه کرد. دکتر ابراهیمی در راستای مفهوم‌پردازی



که در اوایل دوره صنعتی شدن آغاز شد به یکی از جریان‌های اصلی قرن بیست‌ویکم تبدیل شده است. این وضعیت ناشی از ورود زنان به دنیای کاری بود که رسماً به مردان تعلق داشت.

دکتر ابراهیمی تأکید کرد: تصمیماتی که افراد در خانواده اتخاذ می‌کنند، برآمده از ایدئولوژی نقش جنسیتی غالب آنهاست. از این‌رو، نقش‌های مختلف ایفاء شده در خانواده بسته به پذیرش هر یک از ایدئولوژی‌های سنتی یا مساوات‌طلب متفاوت خواهند بود. این بدان معنی است که هنگام تحلیل رفتارهای افراد، می‌بایست ایدئولوژی نقش جنسیتی غالب آنها نیز شناسایی شده و مدنظر قرار گیرد. برای مثال، مردانی که متعهد به ایدئولوژی نقش سنتی هستند، در مقایسه با مردانی که به ایدئولوژی نقش مساوات‌طلب معتقدند، به ایفای نقش فعال در مسئولیت‌های خانوادگی به شکل متفاوتی واکنش نشان می‌دهند. از این‌رو، ایدئولوژی نقش جنسیتی به‌مثابه ذره‌بینی عمل می‌کند که «رویدادها از طریق آن دیده شده، تفسیر می‌شوند و مورد اقدام قرار می‌گیرند».

به‌عنوان یک‌سازه، ایدئولوژی نقش جنسیتی از جنسیت متمایز است؛ به این معنا که هم مردان و هم زنان می‌توانند دیدگاه‌های سنتی یا مساوات‌طلبانه داشته باشند؛ نباید تصور کرد که مردان مساوات‌طلب‌ترند و زنان سنتی‌تر یا برعکس. با این حال، توسعه نقش که ناشی از ورود زنان به نیروی کار و آموزش آنان است می‌تواند ایدئولوژی نقش جنسیتی مساوات‌طلبانه را تقویت کند. اگرچه افراد به‌طور طبیعی ایدئولوژی نقش جنسیتی را از نیاکانشان به ارث می‌برند، اما ممکن است صاحب نگرش‌هایی شوند که رفتارهای واقعی آن‌ها را به‌سوی دیگر ایدئولوژی‌های جنسیتی سوق دهد. عقاید مذهبی، عوامل محیطی، پیوستن به نیروی کار و تحصیلات از جمله عواملی هستند که می‌توانند نگرش جنسیتی در مناسبات کار و زندگی را تغییر دهند. پژوهش‌ها سه نگرش جنسیتی محتمل در افراد را شناسایی کرده‌اند که عبارتند از نگرش سنتی، مساوات‌طلب و سنتی جدید یا انتقالی. افرادی که نگرش سنتی دارند قائل به این هستند که زنان در حوزه خانوادگی مسئولیت کامل را بر عهده داشته و مردان هیچ مسئولیتی در این حوزه ندارند. در نگرش مساوات‌طلب، افراد به این باور متعهدند که مردان و زنان باید نقش‌های خانوادگی را به‌طور مساوی تقسیم کنند. در نهایت، در نگرش جنسیتی سنتی جدید یا انتقالی، اعتقاد بر این است که مردان و زنان می‌توانند مسئولیت‌های خانوادگی را به اشتراک بگذارند، اما نه

را فراتر از «کار و خانواده» در نظر گرفته باشند. روشن است که زندگی غیرکاری افراد عرصه‌های مختلفی نظیر زندگی خانوادگی، اوقات فراغت، زندگی اجتماعی، زندگی اقتصادی و نظایر آن را در بر می‌گیرد که می‌توانند از زندگی کاری متأثر شده یا بر آن تأثیر بگذارند. بنابراین در برخی موارد لازم است رابطه میان زندگی کاری و زندگی غیر کاری افراد به معنای گسترده آن مدنظر قرار گیرد. به‌رغم اینکه اکثر پژوهش‌ها به تأثیر منفی / مثبت کار بر زندگی خانوادگی / غیر کاری افراد پرداخته‌اند، این رابطه را می‌توان یک رابطه دوسویه در نظر گرفت؛ به‌گونه‌ای که کار افراد نیز از زندگی غیرکاری آنان تأثیر مثبت یا منفی بپذیرد. به عبارت دیگر، تأثیر بین حوزه‌ای در عرصه‌های مختلف زندگی سبب می‌شود چهار نوع تأثیر بالقوه دوسویه میان حوزه‌های کار و زندگی وجود داشته باشد: کار مثبت / زندگی مثبت، کار مثبت / زندگی منفی، کار منفی / زندگی مثبت و کار منفی / زندگی منفی.

دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه به ایدئولوژی نقش جنسیتی و نگرش جنسیتی اشاره کرد و شرح داد: برخی پژوهشگران، احصاء یافته‌های متفاوت یا متناقض از مطالعات مربوط به جنسیت و مناسبات کار و زندگی را به دلیل تأکید این پژوهش‌ها بر واکاوی تفاوت‌های جنسی بدون در نظر گرفتن عوامل اثرگذار یا مداخله‌گر مربوط به جنسیت می‌دانند. به‌همین دلیل پژوهشگران شمولیت «ایدئولوژی نقش جنسیتی» در پژوهش‌های کار-خانواده را پیشنهاد می‌کنند. ایدئولوژی نقش جنسیتی، به دیدگاه افراد در مورد نقش‌های مناسب اجتماعی برای زنان و مردان اشاره دارد. به عبارت دیگر، ایدئولوژی نقش جنسیتی «حمایتی است که افراد از تقسیم‌بندی نقش‌های پولی [نقش‌هایی که بابت آن‌ها پول دریافت می‌شود] و نقش‌های خانوادگی به عمل می‌آورند»؛ این ایدئولوژی مبتنی بر جدایی جنسیتی در قلمروهای مختلف است. از این‌رو، ایدئولوژی نقش جنسیتی به‌مثابه پیوستاری است که از یک‌سو نمایانگر یک ایدئولوژی مدرن و مساوات‌طلبانه است و در سوی دیگر یک ایدئولوژی سنتی را نمایندگی می‌کند. در این پیوستار، افرادی که دیدگاه سنتی دارند معتقدند لازم است زنان مسئولیت‌های خانوادگی و مردان وظایف کاری را در اولویت قرار دهند. در مقابل، افراد غیرسنتی یا مساوات‌طلب به توزیع نقش برابری میان مردان و زنان معتقدند. آن‌ها بر اشتغال مردان بیش از حد تأکید نمی‌کنند یا نسبت به اشتغال زنان اعتراض ندارند. چالش‌های برآمده از ایدئولوژی نقش جنسیتی غالب

در رابطه کار-خانواده تقلیل داده شده است. با این وجود در ادبیات پژوهش، فرضیه‌های نظری عمیق‌تری برای تبیین نقش جنسیت در مناسبات کار و زندگی وجود دارد. برای نمونه می‌توان به نظریه «استدلال منطقی» در برابر نظریه «استدلال نقش جنسیتی» برای تبیین تضاد کار و خانواده اشاره کرد. همچنین می‌توان نظریه «اسناد منبع» در برابر نظریه «اختصاصی بودن حوزه» برای تبیین غنی‌سازی کار و خانواده را مد نظر قرار داد. بر اساس دیدگاه منطقی (Gutek et al, ۱۹۹۱)، هرچه ساعات بیشتری در یک حوزه صرف شود، احتمال وقوع تضاد و تعارض افزایش می‌یابد. این نظریه پیش‌بینی می‌کند که مردان باید بیشتر از زنان مداخله کار در خانواده را تجربه کنند؛ زیرا زمان بیشتری را در محل کار می‌گذرانند. در حالی که زنان باید بیشتر از مردان تضاد خانواده با کار را تجربه کنند؛ چون زمان بیشتری را در خانه سپری می‌کنند، اما بر اساس نظریه نقش جنسیتی (Pleck, ۱۹۷۷)، افراد بیشتر تمایل دارند خود را با نقش‌های جنسیتی مناسب هویت‌یابی کنند و به همین دلیل هرگونه دخالت از حوزه مخالف به احتمال زیاد باعث تضاد می‌شود. به همین دلیل است که مطالبات خانواده به احتمال زیاد بر نقش‌های کاری زنان تأثیر می‌گذارد، در حالی که مطالبات کاری مردان احتمالاً به خانواده سرریز می‌کند. شاید به نظر برسد تبیین‌های هر دو نظریه به مقصد یکسانی منتهی می‌شود، اما استدلالی که برای رسیدن به این مقصد پیشنهاد می‌دهند، متفاوت است. همچنین مطابق نظریه اختصاصی بودن حوزه انتظار می‌رود وقتی نقشی نقش دیگر را ارتقاء می‌دهد، عملکرد و کیفیت (از جمله رضایت) در نقش دریافت‌کننده افزایش یابد. این استدلال با مدل گرینهاوس و پاول (۲۰۰۶) هم مطابقت دارد؛ منابع به‌دست آمده در یک نقش، طی مجموعه‌ای از فرایندها، در نهایت منجر به ارتقاء نقش دوم (یعنی نقش دریافت‌کننده غنی‌سازی) می‌شود. از سوی دیگر، برخی پژوهشگران مانند کینونن و همکاران (۲۰۰۶) دیدگاه دوسویه‌ای مطابق نظریه اسناد منبع را اتخاذ می‌کنند. به عبارت دیگر معتقدند وقتی یک نقش، نقش دیگری را تقویت می‌کند، افراد به‌طور همزمان هم در نقش دریافت‌کننده از مزایایی بهره‌مند می‌شوند و هم این مزایا را به نقش فرستنده اسناد می‌دهند. از این‌رو، رضایت بیشتری در هر دو حوزه تجربه می‌شود. البته بر اساس این دو نظریه، غنی‌شدن کار-خانواده برای هر دو جنسیت مرد و زن قابل توجیه است.

به‌طور مساوی. از این‌رو، در نگرش‌های اول و سوم نابرابری جنسیتی مجاز است، اما ایدئولوژی دوم متعهد به برابری جنسیتی است. در خانواده‌های سنتی جدید، زنان اغلب به‌طور پاره‌وقت کار می‌کنند و به این ترتیب بار کاری «نوبت دوم» را نیز در خانواده به دوش می‌کشند. «نوبت دوم» حالتی است که در آن زن، دست‌کم در سطحی برابر با همسر خود، به انجام یک کار درآمدزا مشغول می‌شود، با این حال مجبور است مقدار زیادی از امور خانه را نیز انجام دهد. در چنین خانواده‌ای نقش مرد شرکت در حوزه کار بوده و اکثر مسئولیت‌های خانوادگی بر عهده زن است. البته، مردان نیز در حالتی کار نوبت دوم را تجربه می‌کنند؛ زمانی که مردان بخشی از کارهای خانه و مقدار بیشتری از کارهای درآمدزا را انجام می‌دهند. در جامعه‌ای با یکپارچگی اجتماعی بیشتر که نگرش غالب آن مساوات‌طلبی است، اغلب تسهیم نقش‌های خانوادگی میان مردان و زنان، واقعاً اتفاق می‌افتد.

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه همچنین افزود: فرهنگ: گفتمانی فراتر از سطح فردی جنسیت است. نتایج سردرگم‌کننده حاصل از بررسی‌های بین فرهنگی در مورد ارتباط جنسیت و مناسبات کار-زندگی را می‌توان به فرهنگ ملی نیز نسبت داد. در اینجا چیزی فراتر از «فرهنگ-به‌مثابه-ابعاد»؛ یعنی ایدئولوژی «فرهنگ-به‌مثابه-ملت‌ها» مطرح نظر است. البته همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، حتی هنگامی که از ابعاد فرهنگی برای پیشبرد این مطالعات استفاده می‌شود نیز معمولاً تا حد زیادی بر ارزش‌های فردگرایی-جمع‌گرایی تمرکز شده و دیگر ابعاد فرهنگی مانند مساوات‌طلبی جنسیتی که می‌تواند رابطه نزدیک‌تری با تجربیات کار-زندگی مردان و زنان در سراسر دنیا داشته باشد، نادیده گرفته می‌شوند. علاوه بر مساوات‌طلبی / نابرابری جنسیتی فرهنگی، بافتارهای سیاست ملی که بر شرایط کار کردن (خصوصاً در کارکنان زن) تأثیر می‌گذارند و عوامل نهادی مؤثر بر انتظارات کار و خانواده نیز می‌توانند باعث تنوع در تجربیات مردان و زنان در حوزه‌های کار و خانواده شوند. مطالعات صورت‌گرفته مؤید آن است که متغیرهای کلان، مانند سیاست‌های ملی، مساوات‌طلبی جنسیتی و نابرابری جنسیتی در سطح ملی با تفاوت‌های جنسیتی در تجارب کار و خانواده مرتبند.

دکتر ابراهیمی در پایان سخنان خود گفت: باوجود اینکه موضوع جنسیت در مطالعات حوزه مناسبات کار و زندگی جایگاه پژوهشی مستحکمی کسب کرده، در مواردی موضوع، صرفاً به بررسی و آزمون نقش متغیر جنسیت

## زنان، بازار کار و تعادل کار و زندگی

سخنران دوم نشست، دکتر حدادمقدم با موضوع سخنرانی «زنان، بازار کار و تعادل کار و زندگی» بودند. دکتر حدادمقدم ضمن بیان اینکه تفاوت جنسیتی در مشارکت نیروی کار در ایران قابل توجه است، گفت: همچون بسیاری از کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی (منطقه منا)، در ایران هم تفاوت جنسیتی در مشارکت نیروی کار، قابل توجه است. در حالی که نرخ مشارکت برای مردان در ایران در محدوده‌ای که در جهان رایج است قرار می‌گیرد (میانگین حدود ۷۱ درصد برای دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸)، برای زنان ایرانی از نرخ‌های مشاهده‌شده در خارج از منطقه منا فاصله زیادی دارد (صالحی اصفهانی و شجری، ۲۰۱۲). میانگین مشارکت زنان در بازار نیروی کار و بیکاری آنها در ایران برای دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، به ترتیب حدود ۱۷ و ۱۸ درصد بوده است. در واقع زنان، عنصر مهمی در اشتغال و رشد اقتصادی هستند اما سهم آنها در فعالیت‌های اقتصادی، رشد و رفاه بسیار کمتر از توانمندی آنهاست. این اتفاق در کنار تعدیل رشد تولید ناخالص داخلی تبعات بلندمدتی را از ابعاد سیاسی و اجتماعی در پی دارد. باتوجه به نتایج تحقیقات انجام‌شده، می‌توان دریافت که میانگین حضور زنان در بازار کار ایران از میانگین جهانی بسیار پایین‌تر است، حال آنکه منابع و انرژی بسیاری صرف تحصیل زنان شده، بدون آنکه از مهارت‌های آنها به‌درستی در بازار کار استفاده شود. این در حالی است که کشور درگیر افول تولید ناخالص ملی و فقر اقتصادی است و حضور زنان در بازار کار می‌تواند به شکل معناداری به بهبود وضعیت اقتصاد کمک کند.

دکتر حدادمقدم ادامه داد: مشارکت زنان به عنوان یکی از نماگرهای توسعه اقتصادی محسوب می‌شود، چرا که مبین عدالت جنسی و توزیع فرصت‌های اقتصادی است. به‌علاوه این مشارکت منجر به افزایش سطح تولید و بهره‌وری، افزایش درآمد سرانه و رفاه و همچنین بهبود کیفیت تربیت نسل بعد خواهد شد. به‌علاوه، فهم عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در بازار نیروی کار، یکی از الزامات سیاست‌گذاری در این حوزه است. درک صحیحی از این عوامل می‌تواند باعث شود تا سیاست‌گذاران در تشویق زنان برای مشارکت در بازار نیروی کار، توفیقات بیشتری داشته باشند. آمار و تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است، گواه این مدعاست که عمده دلیل افزایش جمعیت غیرفعال زنان، وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی است. بنابر آمارهای مستخرج از گزارش‌های سالانه طرح آمارگیری نیروی

کار، در سال ۱۳۹۸، ۲۰۶۷۱۹۰۰ نفر از زنان به‌دلیل مسئولیت‌های خانوادگی در جست‌جوی کار نبوده‌اند که درصد بالایی از جمعیت در سن کار زنان را شکل می‌دهد. این موضوع از دو منظر قابل بررسی است. اول اینکه، حضور زنان در بازار نیروی کار و زمانی که زنان در ایران صرف مسائل کاری می‌کنند برای آنان دارای هزینه فرصت بالایی است. این مهم به دستمزد پایین‌تر این قشر در بازار نیروی کار و هزینه‌های بالای خدمات مراقبتی در جامعه می‌تواند مرتبط باشد که این دو عامل می‌توانند منجر به افزایش هزینه فرصت مشارکت زنان در بازار نیروی کار بشوند. به‌بیان دیگر، زنان زمانی که در بازار کار حضور پیدا می‌کنند، دریافتی پایینی دارند و بعضاً مجبور می‌شوند تمامی دریافتی خودشان را صرف هزینه‌های موجود برای نگهداری از فرزندشان در جامعه نمایند و همین ترتیبات منجر به افزایش هزینه فرصت حضور آنان در بازار نیروی کار شده است. دومین موردی که در این حوزه قابل ذکر است به ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایران برمی‌گردد که در



گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده  
پژوهشگاه علوم اجتماعی برقرار می‌کنند

سلسله نشست‌های گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده پژوهشگاه علوم اجتماعی

پنجمین نشست

**نگرش جنسیتی در مناسبات کار و زندگی در ایران**

سخنرانان:

دکتر الهام ابراهیمی  
(ناشر گروه پژوهشی مدیریت)  
نقش جنسیت در گفتمان مناسبات کار و زندگی

دکتر ملیحه حدادمقدم  
(استادار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)  
زنان، بازار کار و تعادل کار- زندگی

دکتر بهاره نصیری  
(ناشر پژوهشگاه علوم اجتماعی)  
تجربه زیسته زنان عضو هیات علمی  
در برقراری توازن میان نقش‌های شغلی  
و خانوادگی در ایام کرونا

مدیر علمی نشست: دکتر آمنه پختیاری

زمان: چهارشنبه ۲۵ مهرماه ۱۴۰۳ ساعت: ۱۳ تا ۱۵

مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

لینک ورود به نشست:

<https://webinar.iics.ac.ir/rooms/gep-znt-tgz-qtajoin>

جدید است که منجر به توزیع عادلانه‌تر بار مسئولیت خانوادگی میان مردان و زنان در خانواده می‌شود و منجر به رسیدن به یک تعادل رضایت‌بخش در زندگی و کار خواهد شد.

تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی در برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی در ایام کرونا دکتر نصیری به‌عنوان آخرین سخنران، بحث خود را به وضعیت تعادل کار-زندگی در ایام کرونا با موضوع سخنرانی «تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی در برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی در ایام کرونا» معطوف کرد و گفت: کار و زندگی دو نهاد مهم برای فرد و جامعه هستند و برقراری تعادل میان نقش‌های شغلی و خانوادگی اهمیت به‌سزایی در پیشبرد موفق اهداف دارد. همه‌گیری جهانی کووید-۱۹ در سال ۱۳۹۸ زندگی تمام مردم را به گونه‌های مختلف تحت تأثیر قرار گرفت و با چالش‌هایی مختلف روبه‌رو شد زنان که همواره محور و نقطه کانونی خانواده به‌شمار می‌روند، نقش مهمی در این بحران برعهده داشتند. در این میان زنان اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به علت حجم فراوان وظایف حرفه‌ای با دشواری‌های بیشتری برای برقراری تعادل بین نقش‌های شغلی و خانوادگی به‌ویژه در بحران کرونا مواجه بودند. لذا لزوم ثبت و ضبط خاطرات و تجربه زیسته آن‌ها، راهی مناسب به‌منظور تبیین تجربیات زنان طی زندگی در این بحران جهانی است. بحران کووید-۱۹ این فرصت را فراهم آورد تا به تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی در همه‌گیری این بیماری پرداخت تا راهگشای آیندگان باشد. این پژوهش به روش کیفی انجام شده و با مصاحبه با ۳۰ نفر از زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های تهران در ایام کرونا، به تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها پرداخته است.

دکتر نصیری در پایان سخنرانی به برخی یافته‌های پژوهش خود اشاره کرد و ادامه داد: این یافته‌ها در دو بخش کار و زندگی ارائه شد. به‌طوری‌که در این فرایند، حوزه کار شامل: مدیریت زمان، محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار، چندنقشی بودن هم زمان و فشار نقش‌ها، رسیدگی به امور عقب‌افتاده پژوهشی، اختلال در روند انجام وظایف و حوزه زندگی شامل: خانه‌نشینی ناگزیر، فرهنگ قرنطینه و شیوه تنها زیستن، رویداد تروماتیک شده، ترومای فرهنگی یا شوک فرهنگی، بازآفرینی در معنای خانه، تغییر شکل اوقات فراغت در خانه و فراغت آشفته مادران، انباشت فرسودگی ناشی از نگرانی سلامت اعضای خانواده، ظهور پیدا کرده است.

آن، زنان به‌عنوان منبع اصلی درآمد در خانواده مطرح نیستند و از این منظر گویی تقسیم کاری نانوشته در خانواده‌ها وجود دارد که کار بیرون و داخل خانه را میان زن و مرد تقسیم می‌کند. اکثر زنان امروزه گزینه داشتن توأم یک شغل رضایت‌بخش و یک خانواده را می‌خواهند. از دیدگاه تاریخی، می‌توانیم این تغییر را به عنوان همگرایی برنامه‌های کلی زندگی زنان و مردان (پس از دوره‌ای طولانی از نقش‌های جنسیتی به شدت تفکیک شده) تفسیر کنیم. چهار عامل، سازگاری شغل-خانواده در کشورهای مختلف را توضیح می‌دهند: سیاست‌های خانوادگی، پدران همکار، هنجارهای اجتماعی مطلوب و بازارهای کار انعطاف‌پذیر. کوتاه سخن آنکه، مشارکت پایین، بازتابی از سیاست‌ها، نهادها، اقتصاد و هنجارهای یک جامعه است.

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران در پایان سخنرانی خود بیان کرد: زنان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، مجبور به تخصیص زمان محدود خود به فعالیت‌های رقیب بسیاری در درون و بیرون از فضای خانه هستند. بسیاری از زنان در این کشورها در واکنش به موقعیت ضعیف خود در بازار کار و هزینه فرصت فزاینده مرتبط با مسئولیت‌های خانگی‌شان، از بازار کار کناره‌گیری کردند. تحت روندهای کنونی اجتماعی و اقتصادی موجود در این کشورها، فشار بر زنان به احتمال زیاد تشدید می‌شود و دولت‌هایی که به‌دنبال حفظ یا افزایش مشارکت نیروی کار زنان در بازار نیروی کار خودشان هستند باید بر کاهش هزینه فرصت‌ها و افزایش مزایای اشتغال متمرکز شوند. گام اول باید کاهش موانع موجود بر سر راه مشارکت اقتصادی زنان باشد. دولت‌ها باید نقش خود را به‌عنوان ارائه‌دهندگان مراقبت از کودکان، مراقبت از سالمندان و مراقبت از افراد دارای معلولیت مورد تجدیدنظر قرار دهند. ارائه چنین خدماتی به‌طور مستقیم یا فراهم‌آوردن حمایت مالی برای کمک به خانواده‌ها میسر است. چنین خدماتی می‌تواند، حضور زنان در بازار کار را به‌واسطه کاهش هزینه فرصت‌های کار، تسهیل کند. این موضوع به‌ویژه در مورد زنان دارای تحصیلات پایین‌تر یا دارای مهارت کم‌تر که درآمد بالقوه کمتری دارند، صادق است. حمایت بیشتر از سوی دولت می‌تواند مبادله میان فرزند داشتن و تصمیم برای کار کردن را ساده‌تر سازد و منجر به افزایش مشارکت و افزایش نرخ باروری شود و عدم تعادل‌های آینده میان جمعیت در سن کار و جمعیت وابسته (جوانان و سالمندان) را کاهش دهد. گام مهم دیگری که در این زمینه باید برداشته شود، ارتقاء ترتیب کاری انعطاف‌پذیرتر و مدل‌های فرهنگی



## بازاندیشی در سالمندی؛ روایت‌های نیک‌بودگی

وی با تأکید بر اهمیت روایت‌های سالمندی و تنهایی عاطفی و اجتماعی آنان در روایت‌های موجود، به بررسی این مسئله در پژوهش‌ها پرداخت که سالمندان به‌دلیل بازنشستگی، از دست‌دادن دوستان و نزدیکان، کاهش توانایی‌های جسمی و محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی، بیشتر در معرض تجربه تنهایی قرار دارند. او یادآور شد که به اعتقاد پژوهشگران، انزوای اجتماعی به عدم وجود ارتباطات اجتماعی اشاره دارد، در حالی که تنهایی بیشتر یک احساس ذهنی است؛ بدین معنا که فرد ممکن است از لحاظ اجتماعی منزوی باشد، اما الزاماً احساس تنهایی نکند و برعکس. وی با یادآوری تجربه‌های دوره کرونا و پساکرونا و ضرورت توجه به تکنولوژی‌های نوین در برقراری ارتباطات، به بررسی گزارش‌های بین‌المللی در این حوزه پرداخت که در آن به موضوع ناتوانی در استفاده از اینترنت و تکنولوژی‌های دیجیتال و ابزارهای ارتباطی توسط سالمندان و در نهایت کاهش تماس‌های اجتماعی میان دنیای سالمندی و جهان پیرامون‌شان اشاره شده است. دکتر شاکری در پایان سخنانش به تکنولوژی‌های مفید برای سالمندان پرداخت و با اشاره به شهرهای دوست‌دار سالمندان به بررسی فناوری‌های متنوعی اشاره کرد که برای بهبود نیک‌بودگی (well-being) سالمندان به کار گرفته می‌شود تا کیفیت زندگی آنان را بالاتر برده و آن‌ها را به‌شکل فعال‌تری در جامعه

نشست «بازاندیشی در سالمندی؛ روایت‌های نیک‌بودگی» به همت پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با سخنرانی دکتر ناصر فکوهی (استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران)، دکتر احمد شاکری (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر حسام‌الدین علامه (عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی تهران) و به دبیری دکتر داود مهربابی (عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات)، بیست‌ودوم مهرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

### مطالعات تنهایی و روایت‌های سالمندی

در ابتدای نشست دکتر شاکری به موضوع مطالعات تنهایی و جوانب آن در سنین مختلف به‌ویژه در کهن‌سالی پرداخت. وی از شکل‌های مختلف تنهایی به‌عنوان یکی از فصل مشترک‌های افراد نام برد و خاطر نشان کرد: این مقوله با توجه به افزایش جمعیت سالمندان در سراسر جهان، به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. شاکری با بررسی ریشه‌های اولیه مطالعات تنهایی به رویکردهای روان‌شناختی و زیبایی‌شناختی این قبیل مطالعات اشاره کرد و بر مسئله نیاز به تعلق به‌مثابه یکی از مسائل اصلی در ارتباطات انسانی و اجتماعی اشاره کرد.



مشارکت دهند. این ابزارها از سنسورهای مراقبتی مانند ساعت‌های هوشمند تا ربات‌ها و دستگاه‌های هوشمند خانگی و سیستم‌های پایش فضاهای خانگی و وسایل نقلیه خودران، همگی به سالمندان در مسیر افزایش دامنه ارتباطی کمک کرده و احساس تنهایی را در آنان کاهش می‌دهند.

### جوانی و سالمندی؛ دو روی یک سکه

در ادامه نشست دکتر علامه از منظر جمعیت‌شناسی به بررسی موضوع جوانی و سالمندی به‌مثابه دو روی یک سکه پرداخت و گذار جمعیتی و آینده‌نگاری جمعیت و راهکارهای افزایش جمعیت را حائز اهمیت دانست. توجه به آمار تغییرات جمعیتی با نگاه به آینده و لزوم زیرساخت‌ها و پنجره باز جمعیتی را با توجه به تبیین وضعیت جمعیت ضروری دانست. وی گذار جمعیت را شامل پنج مرحله دانست که در فاز صفر آن مرگ‌ومیر بالا و امید زندگی بالا و جمعیت سالمندی پایین بوده است. در مرحله گذار یا پیش از گذار جمعیتی نیز میانه جمعیت میان ۱۳ تا ۲۵ سال بوده است. در فاز دوم یا انفجار سریع جمعیت به‌دلیل کنترل بیماری‌ها و شرایط بهداشتی و مراقبتی بوده است که با کنترل مرگ‌ومیر و افزایش نرخ باروری و تولد همراه بوده است. علامه با اشاره به جامعه‌پذیری سیاست‌های مرتبط با خانواده، مرحله سوم را مرحله تمایل به خانواده کوچک و سقوط باروری و کاهش مرگ‌ومیر سالمندان دانست. در مرحله چهارم نرخ مرگ‌ومیر و تولد دچار ثبات جمعیتی در شرایط حاضر هستند و شروع تدریجی سالمندی جمعیتی در ابعاد جهانی است. در مرحله پنجم نیز کاهش جمعیت در همه ابعاد

را شاهد هستیم. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران در ادامه با ارائه آمار و تحلیل نمودارهای مقایسه‌ای میان کشورمان و دیگر کشورها به شاخص‌های سیاست‌گذاری سن سالمندی اشاره کرد و تفاوت میان سن بازنشستگی و سن سالمندی را از موضوعات مورد تدقیق دانست. وی با اشاره به سالخوردگی جمعیت در کشورهای ژاپن و موناکو، به هرم جمعیتی و میزان موالید در سال‌های مختلف اشاره کرد و با اشاره به فراهم‌سازی زیرساخت‌ها و تصویرسازی مثبت از دوران سالمندی به این نکته تأکید داشت که بایستی شهر را پذیرای حضور اجتماعی سالمندان کنیم تا آنان دچار انزوا و گوشه‌گیری نشوند و با توانمندسازی این قشر با فناوری روز، امکان حضور و مشارکت اجتماعی‌شان در مسیر بهبود کیفیت زندگی فراهم شود.

دکتر علامه توضیح داد: اگر نرخ باروری به ۰/۹٪ برسد کشورها به چاله جمعیتی می‌افتند و روند جمعیتی ایران حاکی از آن است که در پایان سال ۱۴۷۹ به این وضعیت می‌رسیم! براساس توضیح وی افغانستان و پاکستان کشورهای جوان هستند و با توجه به رابطه همسایگی با آنها طبیعتاً بر سیاست‌های مهاجرتی ما اثر می‌گذارند. سال ۱۳۸۳ پنجره جمعیتی باز شد و ۲-۳ سال بعد موضوع هولوکاست و هسته‌ای را مطرح کردیم یعنی در سال‌هایی که می‌توانستند بهترین سال‌های اقتصادی باشند. با سیاست نادرست، شرایط سیاسی کشور را به جایی کشیده شد که بهره اقتصادی از پنجره جمعیتی شامل حال ما نشد. او توضیح داد که تنهایی در جمعیت‌شناسی عبارت از هر کسی است که شب تنها سر بر بالین می‌گذارد. در ایران، از سال ۱۴۱۰



جوانی و سالمندی است. فکوهی با اشاره به سیستم‌های پیرسالار و اسطوره سالمندی جامعه، نتایج چنین نگاهی را ایجاد صناعی در راستای رونق صنایع کاهش پیری در سیاست‌های مختلف دانست. وی با ارائه مثال‌هایی که هم‌زمان می‌تواند ضدمثال در این حوزه تلقی شود، مفهوم سالمندی را حاوی معانی مختلفی در سیستم‌های حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و... دانست که به مرور زمان دچار دگردیسی مفهومی شده است. فکوهی توازن میان جوانی و سالمندی را نکته مهم چنین مباحثی دانست و تعادل میان این شرایط را جزو ویژگی‌های یک جامعه ایده‌آل قلمداد کرد که در آن امید به زندگی اهمیت فراوانی دارد. وی به بازتعریف سالمندی و به رسمیت شناخته‌شدن حقوق سالمندی اشاره کرد و نگاه سیستم سیاره‌ای را حائز اهمیت دانست که در آن حوادث محلی و جهانی بر هم تأثیر گذاشته و رعایت عدالت اجتماعی در آن نقش مهمی دارد. وی در ادامه با بیان نکاتی در خصوص شرایط ایران و زندگی ایرانی به قیاس میان این مفاهیم با مفاهیم مشابه در دیگر کشورها پرداخت. در پایان نشست نیز حاضران به پرسش‌های خود در خصوص مطالب ارائه شده پرداختند و پیشنهادهایی خصوص مباحث مطرح شده ارائه شد.

شاهد موج شد به تنها شدن سالمندان خواهیم بود که دلایل آن عبارتند از:

- ۱- تجرد قطعی که بالغ بر ۲۰٪ برای ۱۴۳۰ پیش‌بینی می‌شود
- ۲- افزایش آمار و رشد طلاق ۴ برابر رشد جمعیت بوده است
- ۳- ۳/۵ میلیون زوج ناباور داریم
- ۴- زوجین که تک‌فرزندی را انتخاب می‌کنند

وی در پایان با اشاره به سیاست‌های مشوق فرزندآوری در ایران به سه مکتب پوزیتوستی، نقاد و پراگماتیسم نیز اشاره کرد و با ارائه مثال‌هایی به دلایل ناکارآمدی سیاست‌های افزایش جمعیت در ایران اشاره کرد.

تحول فرآیند مفهوم سالمندی و مناسبات فرهنگی-اجتماعی آن در جهان و ایران

دکتر فکوهی به عنوان آخرین سخنران به ارائه صحبت خود از منظر انسان‌شناسی به مفهوم سالمندی و تاریخچه‌ای از تحول این مفهوم در مناسبات فرهنگی و اجتماعی پرداخت. وی با معرفی منابع مرتبط با چنین مباحثی به بررسی این مفهوم از نگاه میان رشته‌ای پرداخت. از دیدگاه وی سالمندی پدیده‌ایست که در بستر تاریخی خود شرایط و امکان‌های متفاوتی برای حیات بشری ایجاد کرده و چنین شرایطی تابعی از مقاطع زمانی و تبعات ناشی از تغییر در وضعیت مفاهیمی نظیر

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات برگزار می‌کند:

**بازاندیشی در سالمندی؛ روایت‌های نیک بودگی**

سخنرانان:

دکتر ناصر فکوهی

دکتر احمد شاکری

دکتر حسام‌الدین غلابه

دکتر داود مهرابی (نیرنست)

یکشنبه ۲۲ مهر ماه ۱۴۰۳ ساعت: ۱۲ تا ۱۵

مکان: بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آینه‌وند  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

پیوند ورود به نشست: <https://webinar.ihtcs.ac.ir/rooms/yuz-ft5-g0e-3bu?join>

## بررسی موسیقی گفتار در هنرهای نمایشی

نشست شیوه ارائه سخنرانی وی بود که با آشنازدایی از شیوه‌های مرسوم سخنرانی‌ها و استفاده از لایه‌های متعدد موضوع خود را به شیوه «پرفورمنس» ارائه کرد. در پایان سخنرانی سؤالاتی پیرامون شیوه ارائه موضوع و میزان ارتباط آن با زبان به‌مثابه وسیله ارتباط از حضار مطرح شد که پاسخ داده شد.

پرفورمنس «موسیقی، گفتار، هنرهای نمایشی» گوینده رادیو: در حقیقت تغییر شگرفی که برشت در تئاتر به‌وجود آورد توجه به درک در برابر توجه به احساسات بود؛ به بیان دیگر او اهمیت بیشتری برای ذهن در برابر روان قائل می‌شد و سعی می‌کرد حجاب روزمرگی و عادت را از نگاه مخاطبش بزدايد.

دومین نشست از سلسله نشست‌های علمی دانش‌آموختگان پژوهشکده زبان‌شناسی نهم مهرماه ۱۴۰۳ با عنوان: «بررسی موسیقی گفتار در هنرهای نمایشی» با حضور اعضای هیأت علمی پژوهشکده زبان‌شناسی، کارشناسان و شماری از دانشجویان رشته‌های زبان‌شناسی به صورت حضوری و مجازی برگزار شد.

سخنران این نشست دکتر «کاوه فلسفی» فارغ‌التحصیل دکتری سال ۱۳۹۱ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود.

وی به‌دلیل فعالیت‌های هنری خود رویکردی کاملاً میان‌رشته‌ای را در موضوع مورد بحث خود با عنوان «موسیقی گفتار در هنرهای نمایشی» اتخاذ کرد. نکته جالب و بدیع این



نگار: نه

کاوه: اجرا می‌کردن ... قسمتایی که واسه شون علامت زده بودمو می‌خوندن. چراغ مطالعه رو می‌زدن. یعنی نوبت منه ... می‌خوندن ... بعد تموم که می‌شد، خاموشش می‌کردن ... فیلم‌های جالبی ام پخش کردیم.

نگار: چی مثلاً؟

کاوه: از سبک‌های مختلف موسیقی قرن ۲۰ ... دو تام اجرای خودم ... که یکی ش فکر کنم هایدن بود و اون یکی ام مال فلیکس مندلسون ... آخرشم یه دیالوگ تو فرم کانون اجرا کردیم. (مکت می‌کند) تو می‌دونی فرم کانون چیه؟

گوینده: شما قطعه چهار دقیقه و سی و سه

ثانیه جان کیج و شنیدین؟

کاوه: آها... ازیناس که مثلاً با مخاطب فرضی

صحبت می‌کنه

گوینده: مگه اینکه خودتون خودتونو فرضی

به حساب بیارین

کاوه: ما کجارو اشتباه کردیم واقعاً؟

گوینده: خیلی جاها رو

نگار: ولی گفتمی آخر ... باید می‌گفتمی آخر

کاوه: نه جانم ... اون تو عربیه که تفاوت معنی

ایجاد می‌کنه، تو فارسی هر دوش همون آخر

و عاقبت ماست که یکیه

نگار: خب؟

کاوه: هیچی دیگه... گفته بودن واسه دفاعیه ارائه

هم باید داشته باشیم. منم یه پرفورمنس آماده

کردم، خودم خیلی راضی بودم... مثلاً اولش

بروشور که می‌دادیم به تماشاگرا روش نوشته

بود: در این سالن سخنرانی برگزار نمی‌شود.

بعد یه سری می‌گفتن؟! ... لغوه؟ می‌خواستن

برگردن برن که همکارم بهشون می‌گفت، نه

... بفرمایین داخل! بعد این بنده خداهام با

یه بهت و تکلیف نامشخصی می‌اومدن تو

سالن... ایده‌ش از نقاشی «این یک پپ نیست»

رنه مگریت گرفته بودم بعد توی سالن مدل

چیدن صندلیارو واسه اولین بار عوض کردیم

یه جوروی گرد چیدیم که از حالت سخنرانی

دریباد، نور خیلی بلند می‌گوید نگار شوکه

می‌شود. نور از بالا سر تماشاگر گرفتیم

جوری که فقط اجرا کننده‌ها نور داشته باشن

یه جورایی مثل سالن تئاتر. بعد خب! انتظار

واسه سخنرانی اینه که یکی بره پشت تریبون

صحبت کنه دیگه ... اما من میکروفونو گرفتم

از عقب صحنه همین‌طور می‌اومدم جلوی

صحنه صحبتامو می‌کردم یه بخشهایی از کار

هم دو تا از همکارام که پشت میز نشسته بودن

... خسته شدی؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
دانشگاه علامه طباطبائی

پژوهشگاه زبان‌شناسی برگزار می‌کند:

دومین نشست  
از سلسله نشست‌های علمی دانش‌آموختگان پژوهشگاه زبان‌شناسی:

**بررسی موسیقی گفتار در هنرهای نمایشی**

سخنران: دکتر کاوه فلسفی

دبیر علمی: دکتر بیتا قوجانی

زمان: دوشنبه ۹ مهر ماه ۱۴۰۳ ساعت: ۱۰ تا ۱۲  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن حکمت  
پیوند ورود به نشست:  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/rooms/oq2-tg7-78j-hdn>

## اهمیت امروزیین مطالعات فلسفه سده‌های میانه در ایران

هست که در آن صید توانیم کرد. از حیثی دیگر نیز پاسخ بدین پرسش می‌تواند ناظر به گذشته و آینده و به قصدی دیگر باشد. از سویی کاوش این فلسفه می‌تواند به شناخت سنت فلسفی خود ما یاری‌رسان باشد و از سویی دیگر پرتویی افکند بر درک و دریافت فلسفه‌های معاصر مغرب‌زمین و چه بسا بتواند به ما نشان دهد که چگونه حل، جذب و امتداد اندیشه‌ای از درون بافت فرهنگی کلاسیک و در سنت به اندیشه امروزیین فلسفی راه می‌یابد و گذشته پاینده می‌ماند و زاینده می‌شود.

### تاریخ فلسفه همان فلسفه و تاریخ اندیشه است

در ادامه نشست دکتر ایلخانی، استاد ممتاز فلسفه دانشگاه شهید بهشتی و مؤلف کتاب «تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس» بیان کرد: بازخوانی فلسفه سده‌های میانه از این جهت مهم است که نخست، مطالعه بنیان‌ها و اساس‌هاست. دوم اینکه چون تاریخ فلسفه همان فلسفه و تاریخ اندیشه است و اندیشه قدیم و جدید ندارد و متفکران، فیلسوفان و اندیشمندان همواره بازمی‌گردند و این به ما بستگی دارد که چگونه آن‌ها را بازخوانی کنیم و دیدگاه‌هایشان را روزآمد سازیم.

نشست «اهمیت امروزیین مطالعات فلسفه سده‌های میانه در ایران» با سخنرانی دکتر محمد ایلخانی و دکتر بهنام اکبری و با حضور دکتر حسین شقاقی و دکتر مالک شجاعی، بیست و ششم آبان‌ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست ابتدا دکتر اکبری، مترجم و پژوهشگر فلسفه قرون وسطی، ضمن تأکید بر اهمیت موضوع مطالعات فلسفه سده‌های میانه در ایران، اشاره کرد: التفات به فلسفه سده‌های میانه که قرن‌ها در غرب مغفول مانده بود، پس از اواسط سده نوزدهم از سر گرفته شد و عطف توجه به اندیشه این سده‌ها رونق یافت. پس از عصر روشنگری، در این صد و پنجاه سال اخیر، پژوهش‌های گوناگونی درباره این فلسفه انجام شده است، اما همچنان بخش‌های بسیاری از آن ناکاویده و پژوهش‌ناشده باقی مانده است. در ایران نیز پژوهش در باب فلسفه سده‌های میانه تحت تأثیر نقدهای دوره روشنگری بوده و این تأثیر تاکنون ادامه داشته است.

دکتر اکبری با طرح این پرسش که «چرا باید فلسفه سده‌های میانه را بخوانیم و بکاوییم و ضرورت آن چیست؟» شرح داد: از حیثی خود این فلسفه درّی گران‌بهاست و چه بسیار نظریه‌ها و اندیشه‌های ناب



## خواندن؛ معنا، سیاست و آینده‌ها

خواست‌های مخاطبان است. در بسیاری از موارد، ناشران تنها به دنبال چاپ تعداد بیشتری کتاب و رسیدن به آمار بالاتر هستند، بدون اینکه به نیاز واقعی بازار و مخاطبان توجه کنند.

دکتر محبوب در ادامه سخنان خود با تأکید بر ضرورت توجه به مفهوم «اقتصاد توجه» ادامه داد: اقتصاد توجه ناظر به سرمایه‌ای است که خواننده با صرف زمان و انرژی خود برای خواندن کتابی صرف می‌کند. بنابراین ارزش افزوده خواندن بدون توجه به علایق خواننده در واقع به دست نیاموردن چیزی در قبال مصرف زمان اوست. امری که به عنوان شاخصی اثرگذار در ارزیابی میزان تأثیر خواندن به شمار می‌رود. به عبارت دیگر در دنیای امروز، توجه و زمان افراد به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع در نظر گرفته می‌شود، بنابراین اگر کتاب‌ها نتوانند به درستی جلب توجه کنند، در رقابت با سایر قالب‌های محتوایی موجود شکست خواهند خورد و در این مسیر رقابتی هیچ چیزی نصیب آنها نخواهد شد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به مشکلات ساختاری و مدیریتی نشر کشورمان افزود: استفاده ناشران از یارانه‌های دولتی و معافیت‌های مالیاتی موجب شده است که برخی ناشران به جای بهبود کیفیت کتاب‌ها و جلب رضایت خوانندگان، اغلب به دنبال چاپ شمارگان بیشتر با هدف کسب یارانه و امتیازات مالیاتی باشند. چنین رویکردها و سیاست‌هایی در نهایت منجر به کاهش کیفیت کتاب‌ها شده است و بسیاری از ناشران به جای تمرکز بر ارتقاء محتوا،

نشست «خواندن؛ معناها، سیاست‌ها و آینده‌ها» به مناسبت آغاز هفته کتاب و روز کتاب، کتابخوانی و کتابداری در روز بیست و دوم آبان‌ماه با حضور برخی صاحب‌نظران این حوزه به همت پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست، دکتر سیامک محبوب (عضو هیأت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، با موضوع «خواندن از منظر اقتصاد توجه»، دکتر امین متولیان (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، با موضوع «رنسانس و آرمان عشق مطالعه؛ از سواد تا معنا» و دکتر احمد شاکری (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، با موضوع «کسب و کار نشر بین‌الملل: سیاست، حمایت و نظارت» به بیان نظرات و دیدگاه‌های خود را در خصوص وضعیت کنونی و آینده کتابخوانی و نشر پرداختند.

### «اقتصاد توجه» در نشر ایران

نخستین سخنران این نشست دکتر محبوب، با طرح این پرسش که چرا بسیاری از کتاب‌ها در شمارگان پایین منتشر می‌شوند و به چاپ دوم نمی‌رسند، به ارائه آماری در خصوص نشر کشورمان پرداخت و گفت: میانگین تیراژ کتاب‌ها در ایران به گونه‌ایست که بسیاری از این کتاب‌ها با آمار فروش پایین در چاپ اول خود هم به فروش مناسبی نمی‌رسند و چاپ دوم را تجربه نمی‌کنند. چنین وضعیتی ناشی از سیاست‌های نادرست در نشر و عدم توجه به نیازها و



پاسخ به این پرسش می‌تواند به تحلیل عمیق‌تری در خصوص تحول معنای کتاب و نقش آن در اندیشه انسان منجر شود.

وی افزود: در دوران میانه، به‌ویژه در جوامع مسیحی، کتاب مقدس به‌عنوان متنی مقدس و حامل معانی معنوی، تنها ابزار ارتباط با حقیقتی فراتر از کلمات محسوب می‌شد. در این دوران، کتاب به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به معنا و حقیقتی بالاتر از آنچه که در واقعیت دیده می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گرفت. در دوران رنسانس، نگرش انسان به کتاب و مطالعه به‌طور بنیادی تغییر کرد. کتاب دیگر فقط به دنیای دین محدود نمی‌شد؛ بلکه به ابزاری برای کشف حقیقت در عرصه‌های مختلف علمی و فلسفی تبدیل شد و در این راستا، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان استعاره کتاب در دنیای مدرن را نیز به‌عنوان ابزاری برای درک و آگاهی در نظر گرفت؟ تحولات علمی و کیهان‌شناسی این تغییرات را ممکن ساخت؛ به‌ویژه معرفی مدل خورشیدمحوری توسط «کوپرنیک»، انسان را از جایگاه مرکز کیهان خارج ساخت و او را به جایگاه جدیدی در جهان پیچیده و در حال تغییر سوق داد.

متولیان افزود: این مباحث، به‌ویژه دربارهٔ عشق به کتاب و تحول آن در ادوار مختلف، نشان‌دهنده تغییرات اساسی در درک انسان از علم، معنویت و موقعیت خود در جهان است. این تحلیل‌ها می‌تواند به درک بهتر تعامل انسان با دانش و کتاب در دنیای مدرن کمک کند و در نهایت افق‌های جدیدی را برای مفهوم کتاب و مطالعه در عصر حاضر باز کند.

به‌دنبال کاهش هزینه‌ها و افزایش تیراژ کتاب‌ها هستند. در این شرایط، تلاش برای تأمین منابع مالی از طریق یارانه‌ها به‌جای تمرکز بر تولید کتاب‌های با کیفیت، نتیجه‌ای جز کاهش کیفیت فعالیت‌های فرهنگی به‌همراه ندارد.

محبوب در بخش پایانی سخنان خود با ارائهٔ پیشنهاداتی برای بهبود وضعیت نشر و ارتقاء کیفیت کتاب‌ها در ایران، با تأکید بر لزوم تغییر نگاه بازیگران چرخهٔ نشر کشورمان گفت: به‌نظر می‌رسد سیاست‌گذاران بایستی شاخص‌های دیگری برای ارزیابی موفقیت صنعت نشر در نظر بگیرند و به‌جای تمرکز شمارگان کتاب، به کیفیت، محتوا و تأثیرگذاری واقعی کتاب‌ها توجه کنند. برای بهبود وضعیت نشر و کتابخوانی، باید به‌جای سیاست‌های حمایتی نادرست و تمرکز بر کمیت، بر کیفیت و توجه به نیازهای واقعی مخاطبان تمرکز کرد. این تغییر نگاه می‌تواند باعث بهبود وضعیت صنعت نشر و در نتیجه، افزایش کیفیت کتاب‌ها و ارتقاء سطح فرهنگ عمومی جامعه شود.

### رنسانس و آرمان عشق به خواندن

در ادامه دکتر متولیان که سال‌ها تجربهٔ مدیریت فرهنگی در حوزه‌های مختلف کتاب و نشر دارد در ابتدای ارائهٔ خود با اشاره به لزوم توجه و تدقیق در تاریخ‌نگاری کتاب و مطالعه، به‌ویژه در زمینه تحولات فرهنگی و علمی دوران رنسانس، گفت: پرسش اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود، پرداختن به اعتبار استعاره «جهان به‌عنوان کتاب» در دوران مدرن است.





بنیادینی وجود دارد که باید برای بهبود وضعیت نشر به آنها پاسخ داد. تعدادی از این پرسش‌ها چنین است؛ کتاب‌های ایرانی تا چه حد در داخل و خارج کشور خوانده می‌شوند؟ چرا حمایت‌های فرهنگی به شکلی ناهدمنند در زمینه نشر اعمال می‌شود و چرا ادبیات ایران در سطح بین‌المللی جایگاه مناسبی نیافته است؟

کشور چین، دومین بازار بزرگ نشر جهان شاکری در بخش پایانی بحث خود با ارائه نمونه‌هایی از الگوهای برخی کشورها، با اشاره به سیاست‌های حمایت‌گرانه حوزه نشر کشورهایی مانند چین، ترکیه و فرانسه، گفت: چین با استفاده از حمایت‌های دولتی و عضویت در نهادهای بین‌المللی و ترکیب آن با بخش خصوصی، به دومین بازار بزرگ نشر جهان تبدیل شده است و برنامه‌های ترکیه از جمله طرح «تدا» نیز به موفقیت این کشور در عرصه جهانی کمک کرده است. همچنین، فرانسه با ایجاد شبکه‌ای جامع از حمایت‌ها برای نویسندگان، ناشران و حتی منتقدان، چرخه نشر کارآمدی را به وجود آورده که باعث شده ادبیات فرانسه حضوری قوی در بازارهای جهانی داشته باشد. بنابراین با مقایسه‌های تطبیقی به‌نظر می‌رسد یکی از مشکلات اساسی نشر ایران، نبود استراتژی دقیق و هدفمند برای صادرات فرهنگی و عدم تصمیم‌گیری شفاف در خصوص جنبه‌های مفید پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی این حوزه است که مانعی برای حضور کتاب‌های ایرانی در بازارهای جهانی ایجاد کرده است. علاوه بر این موازی‌کاری در حمایت‌ها و نبود ساختارهای کارآمد و وجود سلاقی متغیر به‌دلیل تغییر مداوم مدیران، مانعی برای موفقیت کتاب ایران در سطح جهانی ایجاد کرده است. با این اوصاف به‌نظر می‌رسد نهادهای سیاست‌گذار با اجرای تغییرات اساسی و هم‌سو با دیگر حوزه‌ها، وجود ساختارهای پشتیبان، حمایت‌های منسجم و رعایت آداب مراودات در توسعه سکوه‌های کسب‌وکار بین‌المللی، بتواند به رشد صادرات فرهنگی از جمله ادبیات کشورمان در عرصه جهانی امیدوار بود.

## ایجاد زیرساخت‌ها و سکوه‌های بین‌المللی برای حمایت از نشر کتاب ایرانی

آخرین سخنران این نشست در ابتدای سخنانش با اشاره به مقاله «از نوشته‌شدن تا چاپ‌شدن» آلبرتو مورایا، به لزوم ایجاد شفافیت در چرخه تولید تا توزیع کتاب از یکسو و ضرورت توجه به اسناد بالادستی مانند «سند ملی خواندن» اشاره کرد و گفت: این دیدگاه «مورایا» در فرایند نوشتن و خواندن از این جهت مهم است که آیا کتاب چاپ‌شده واقعاً به هدفی که نویسنده یا جامعه از آن انتظار داشته، دست می‌یابد؟ آیا چالش‌های معمول بر سر اجرایی شدن اسناد بالادستی که به‌مثابه راهبردهایی برای تقویت فعالیت‌های فرهنگی عاملی به‌کار می‌روند، بیشتر حامی نوشتن هستند یا حامی چاپ شدن؟ و اینکه چرا کتاب ایرانی در نگاه بین‌المللی جایگاه خودش را ندارد؟ این‌ها پرسش‌های مهمی است که در بحث‌های مختلف فرهنگی و علمی، پاسخ‌های متفاوتی به آن داده شده است.

دکتر شاکری با اشاره به تجربه فعالیت خود در سال‌های گذشته افزود: به‌نظر می‌رسد که بسیاری از چالش‌های موجود در نشر کشورمان به نگرش‌های اجرایی و سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ و نشر باز می‌گردد که گاهی اوقات منجر به شکل‌گیری تصمیماتی می‌شود و با اهداف اولیه فرهنگ‌سازی و ترویج مطالعه مغایرت دارد. شاید در این زمینه، نیاز به بازنگری و توجه به رویکردهای نوین در سیاست‌گذاری فرهنگی و نشر وجود داشته باشد. اگر بخواهیم این بحث را ادامه دهیم، می‌توانیم به بررسی سیاست‌های اجرایی و چالش‌های خاص آنها در دوران مختلف پردازیم و نقش نهادها و افراد مختلف در این فرآیند را تحلیل کنیم.

شاکری در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به برخی مسائل کلیدی نشر کتاب و چالش‌های بین‌المللی‌سازی کتاب ایرانی و دغدغه‌های خود را درباره کمبود زیرساخت‌ها و سیاست‌های کارآمد در این حوزه بیان کرد و با تحلیل «حلقه‌های خواندن» و مدل‌های مختلف آن، نقش حیاتی نویسنده، ناشر و توزیع‌کننده را در مسیر کتاب، از نگارش تا رسیدن به دست مخاطب، را مهم خواند و یادآور شد که نهادهای متعددی در این زنجیره تأثیرگذار هستند و هر کدام می‌توانند در تقویت یا تضعیف ادبیات کشور نقش داشته باشند.

وی افزود: وضعیت فعلی نشر در ایران از چند بُعد نیازمند توجه و بازنگری است. در این میان پرسش‌هایی

## به مناسبت روز جهانی کودک برگزار شد منزلت کودکی در ایران از منظر حقوقی، تربیتی و ارتباطی

نشست تخصصی «منزلت کودکی در ایران از منظر حقوقی، تربیتی و ارتباطی» به مناسبت روز جهانی کودک (۲۰ نوامبر ۲۰۲۴) سیام آبان ماه از سوی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با سخنرانی سه پژوهشگر این پژوهشگاه؛ دکتر سپیده میرمجیدی (پژوهشگر حقوق کودک)، دکتر سیدنورالدین محمودی (پژوهشگر فلسفه تعلیم و تربیت) و دکتر منصور ساعی (پژوهشگر ارتباطات خانواده) برگزار شد.

ساعی تأکید کرد: نوامبر تاریخ مهمی است، زیرا در سال ۱۹۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل اعلامیه حقوق کودک را تصویب کرد و همچنین در همین ماه در سال ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرد. ملتها و جوامع، مادران و پدران، معلمان، پرستاران و پزشکان، رهبران دولت و فعالان جامعه مدنی، بزرگان مذهبی و جامعه، غولهای شرکتها و متخصصان رسانهها و همچنین خود جوانان و کودکان، می توانند نقش مهمی در مناسب سازی روز جهانی کودک برای آنها ایفاء کنند.

ساعی براساس اسناد یونسف درباره اهمیت روز جهانی کودک گفت: افزایش آگاهی جهانی، ترویج حقوق کودکان، حمایت از همبستگی جهانی، توانمندسازی کودکان به عنوان رهبران آینده، ترویج برابری و برخورداری، فراخوان به اقدام برای ذی نفعان و توجه توسعه پایدار مهمترین اهداف برزگداشت روز جهانی کودک در جهان است.

دکتر ساعی، دبیر نشست، در ابتدا به ریشه تاریخی روز جهانی کودک پرداخت و گفت: فلسفه و پیشینه برپایی روز جهانی کودک به سال ۱۹۲۴ برمی گردد که اولین نشست جهانی درباره رفاه کودک در روزهای پایانی ماه اگوست در ژنو سوئیس برگزار شد و امسال یعنی ۲۰۲۴ صدمین سال آن اعلامیه در ژنو مصادف بود.

او افزود: صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونسف)، در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۵۹ اعلامیه جهانی حقوق کودک را به تصویب سازمان ملل رساند. از آنجا که این اعلامیه در روز ۲۰ نوامبر تصویب شده بود، این روز را روز جهانی کودک نامیدند، اما این روز هرگز به عنوان روز جهانی از سوی همه کشورها به رسمیت شناخته نشد به طوری که در ایران هرساله روز ۱۶ مهر به عنوان روز کودک یا همان روز جهانی کودک جشن گرفته می شود.

### ریشه تاریخی روز جهانی کودک

به آینده گوش دهید. از حقوق کودکان دفاع کنید

او با اشاره به موضوع امسال (سال ۲۰۲۴) روز جهانی کودک گفت: موضوع روز جهانی کودک در سال ۲۰۲۴ این است که «به آینده گوش دهید. از حقوق کودکان دفاع کنید» او تأکید کرد از نظر یونسف حقوق کودکان، حقوق بشر است. این حقوق غیرقابل مذاکره و جهانی اند، اما در بسیاری از نقاط جهان امروز، حقوق کودکان مورد سوء تفاهم، بی توجهی یا حتی



قصاص بشود، همین تصمیم‌ها اتخاذ می‌شود و سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی، بالغ محسوب می‌شوند و حکم به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت می‌دهند.

او افزود: با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، اصل بر عدم قصاص افراد زیر ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم است. در صورتی که فرد زیر ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم باشد، قصاص نمی‌شود. اگرچه اصل بر عدم قصاص افراد زیر ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم تثبیت شده است، اما این اصل با سه استثناء همراه است که به تصویب قانون رسیده است. از نظر میرمجیدی سه استثناء شامل اثبات رشد و کمال عقل، اقدام به جرم با انگیزه‌های واهی و سابقه محکومیت قطعی به نفس هستند. وی در توضیح اثبات رشد و کمال عقل گفت: در صورتی که قاضی با بررسی مدارک و نظر متخصصان پزشکی قانونی به این نتیجه برسد که فرد زیر ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم ماهیت جرم انجام شده و حرمت آن را درک می‌کرده یا از رشد و کمال عقل برخوردار بوده، ممکن است حکم قصاص را صادر کند.

این پژوهشگر در مورد مقوله اقدام به جرم با انگیزه‌های واهی گفت: اگر فرد زیر ۱۸ سال به‌خاطر انگیزه‌های واهی و ناچیز مانند انتقام شخصی مرتکب قتل شده باشد، ممکن است مشمول قصاص شود. همچنین با اشاره به استثناء سابقه محکومیت قطعی به نفس کودکان افزود: در وضعیتی که فرد زیر ۱۸ سال در گذشته به جرم قتل عمد محکوم شده باشد و حکم قصاص او اجرا نشده باشد، در صورت ارتکاب جرم قتل عمد دیگر، ممکن است مشمول قصاص شود، اما امر مهم در این زمینه؛ ملاک سن مرتکب در این خصوص و مسئولیت و عدم مسئولیت وی، زمان وقوع جرم است، نه زمان رسیدگی به آن.

### مقوله کار کودکان

میرمجیدی با اشاره به مقوله کار کودکان گفت: تعدادی از کودکان به دلایل مختلف، از جمله فقر در خانوارها در اشکال مختلفی از «کار کودک» مانند کار در کارگاه‌ها مشغول به کار هستند. کار کودک به عنوان کارهایی تعریف می‌شود که کودکان را از دوران کودکی، ظرفیت توانایی و شأن‌شان محروم می‌کند و برای رشد فیزیکی و روانی آنها مضر است. کار کودک به دلیل آسیب‌های آن به‌لحاظ قانونی در قوانین بین‌المللی و داخلی نظیر قانون کار (۱۳۶۹) و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) منع و جرم‌انگاری شده است.

انکار و حمله قرار می‌گیرند. حفظ حقوق کودکان، قطب‌نمایی برای جهانی بهتر در امروز، فردا و آینده است. یونیسف تأکید کرده است که با گوش دادن به کودکان می‌توانیم حق آنها برای بیان نظراتشان را تحقق بخشیم، ایده‌هایشان برای جهانی بهتر را درک کنیم و اولویت‌هایشان را در اقدامات امروزمان بگنجانیم.

### کودکی در قوانین ایران؛ منزلت کودک در جامعه و خانواده



در ادامه نشست دکتر میرمجیدی، عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق، در سخنرانی خود عنوان «کودکی در قوانین ایران؛ منزلت کودک در جامعه و خانواده» در سه موضوع؛ سن مسئولیت کیفری کودکان (اعدام کودکان)، کار کودک و کودک‌آزاری به ارائه سخن پرداخت. وی در مورد سن مسئولیت کیفری کودکان گفت: در حالی که از منظر سازمان عفو بین‌الملل، سازمان یونیسف و صندوق نجات کودکان، کودک فردی است که زیر ۱۸ سال سن داشته باشد. در ایران بر اساس ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد لذا، سن مسئولیت کیفری با سن بلوغ شرعی گره خورده است. وی تأکید کرد: اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال تابع مقررات خاصی هستند. به این صورت که سنین صفر تا ۱۵ سالگی فاقد مسئولیت کیفری، سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی، نابالغ بوده و مجازات نمی‌شوند، اما مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی می‌شوند و اگر مرتکب جرائم حدی و

به‌همین دلیل است که بسیاری از کودک‌آزاری‌ها مغفول می‌مانند و درمانده می‌شوند و بعدها خیلی از آنها تبدیل به مجرم می‌شوند.

### ابهام در حدود شرعی تأدیب و محافظت

او تشریح کرد: قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در بند «ت» می‌گوید، هرگونه فعل یا ترک‌فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطا و آسیب قرار دهد، از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی و توهین یا تهدید نسبت به طفل و نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد. حال این پرسش مطرح است که سوءرفتارهایی هم داریم که جنبه تأیب داشته باشند؟! پاسخ قضات این است که عرف بگوید. عرف کجا ملاک است که جنبه تأدیب نداشته باشد؟ می‌گوید متعارف باشد، این جنبه تأدیبی و محافظت را چه کسی مشخص می‌کند؟ یعنی پدر، مادر یا اولیا، سرپرست، مراقب و پرستار که با توهین‌های لفظی با کودک صحبت می‌کند و موجبات تخریب و تضعیف اعتماد و عزت نفسش را فراهم می‌سازد. آیا رواست که به‌خاطر جواز تأدیب به این والد اجازه کودک‌آزاری را به اسم تأدیب و تربیت بدهیم؟ در واقع حدود شرعی تأدیب و محافظت خیلی مبهم است.

او تأکید کرد: براساس گفتمان حقوق بشری، در تمام اقدامات تقنینی و قضایی باید مصلحت طفل ملاک و مبناء باشد، پس قلمرو مصادیق کودک‌آزاری گسترش داده شد و گفته شد که این جنبه تأدیبی را باید برداریم اما درگفتمان محافظه‌کار، نمی‌توان این‌ها را وارد اطلاق کودک‌آزاری کرد. زیرا اجازه تأدیب، تربیت و تنبیه را به پدر و مادر داده و وارد کردن این قبیل اعمال اولیاء در محدوده کودک‌آزاری خلاف شرع است.

او با اشاره به وضع مجازات‌های حداقلی برای والدین آزارگر در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان گفت: درباره والدینی که به عمد یا بر اثر خشم ناگهانی مرتکب کودک‌آزاری می‌شوند، در فصل سه ماده نُه مجازات حداقلی از درجه پنج تا هشت یعنی سه تا ۱۰ سال حبس در نظر گرفته شده است. نکته مهم این است که بیشترین مصادیق کودک‌آزاری در خانواده است و در مقابل، کمترین مجازات هم برای والدین در نظر گرفته می‌شود.

او تأکید کرد: باوجود منع قانونی این کارها، برحسب گزارش‌های مختلف، کودکان کماکان در فعالیت‌های اقتصادی مورد سوءاستفاده و بهره‌کشی قرار می‌گیرند. سوءاستفاده از کودکان نشان‌دهنده ضعف در ضمانت اجرای قوانین و نبود سازوکار مناسب جهت نظارت مؤثر بر عدم استفاده از کار کودک است. به‌عبارتی ضعف در اجرای قوانین و عدم نظارت مؤثر بر کارگاه‌ها یکی از عمده دلایل شکل‌گیری کار کودک است. دکتر میرمجیدی به مهم‌ترین چالش‌های نظارت مؤثر بر عدم استفاده از کار کودک اشاره کرد و گفت: باوجود ممنوعیت به‌کارگیری افراد کمتر از ۱۵ سال تمام در ماده ۷۹ قانون کار مهم‌ترین چالش‌ها شامل مستثناء کردن کارگاه‌های خانوادگی از لزوم رعایت حداقل سن کار، لزوم اجازه کتبی دادستان برای ورود بازرسان کار به کارگاه‌های خانوادگی و عدم نظارت مؤثر دستگاه‌های متولی بر کارگاه‌ها هستند.

این پژوهشگر حقوق کودکان با اشاره به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در حوزه کار کودکان گفت: در ماده ۱۱ این قانون هرگونه معامله نسبت به طفل یا نوجوان جرم‌انگاری شده و مجازات درجه پنج در نظر گرفته شده و در صورت هدف بهره‌کشی اقتصادی از کودکان مجازات درجه چهار را پیش‌بینی کرده است. همچنین در ماده ۲۲ قانون، در صورت ارتکاب جرم موضوع ماده ۱۱ از سوی ولی، وصی، قیم، سرپرست به بیش از میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرر قانونی محکوم می‌شوند.

وی ادامه داد: در ماده ۱۵ نیز بهره‌کشی اقتصادی جرم‌انگاری شده است که در بند «ث» ماده می‌گوید: به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان یا وادار کردن با گماردن او به خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد و سپس در همین ماده ۱۵ مقرر شده است که هر شخصی برخلاف مقررات قانون کار مرتکب بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان موضوع ماد دو این قانون شود، به مجازات حبس درجه ششم قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

### سوءاستفاده‌های عاطفی یا بدرفتاری‌های روانی با کودکان

موضوع کودک‌آزاری یکی دیگر از محورهای بحث میرمجیدی بود. او گفت: غالباً سوءاستفاده‌های عاطفی یا بدرفتاری‌های روانی به نظر در میان شیوه‌های فرزندپروری در فرهنگ سنتی ما پنهان است. تشخیص آزار عاطفی، اثبات و مستندسازی آن دشوار است. شاید

## آموزش تفکر به مثابه رویکردی برای سلامت زندگی



حرکت‌شان را از مسائل فلسفی به سوی راه‌حل‌های فلسفی حفظ کنند و به آنها کمک می‌کند تا فرسنگ شمارهایی که به آنها نشان می‌دهد در کجای این مسیر قرار دارند را شناسایی کنند.

کودکان برای خلاقیت و هنر وقت مکفی ندارند این پژوهشگر فلسفه تعلیم و تربیت گفت: در مواجهه با چالش‌های فلسفی، روان‌شناختی و تربیتی که در حوزه تفکر خلاق وجود دارد، می‌توان به خلاقیت موقعیتی به‌عنوان راهکاری تربیتی رجوع کرد. در تعلیم و تربیت جاری کشورمان خلاقیت و زیبایی‌شناختی جایگاه شایسته خود را پیدا نکرده است؛ تحقیقات فراوانی حاکی از آن است که نسبت به دیگر رئوس برنامه درسی وقت مکفی به خلاقیت و هنر اختصاص پیدا نمی‌کند یا زمان آن به‌دیگر دروس تعلق می‌گیرد. از طرف دیگر در حوزه هنر سنجیدن خلاقیت با معیار زیبایی‌شناسی ارتباط دارد که تعیین معیارهای آن با دشواری مواجه است.

### برخی کودکان از مدرسه بیزار می‌شوند

او ادامه داد: کودکان با عطش کنجکاوی و اشتیاق یادگیری به مدرسه می‌روند، اما به تدریج این کنجکاوی و شور و شوق دانستن، محو می‌شود. ناتوانی مدرسه در برآوردن نیازهای کودکان موجب می‌شود برخی کودکان از مدرسه بیزار شوند. بر همین اساس، هدف آموزش فلسفه به کودکان، تغییر در نحوه تفکر، اندیشه، استدلال و پرورش آن در کودکان است. او در بخش دیگری از سخنان خود گفت: در جهان بینی دیویی درک «عمل» و مرکزی بودن آن در شناخت آدمی از اهمیت بالایی برخوردار است. یک چیز یا واقعه زمانی که به عمل مربوط می‌شود در حوزه موقعیت قرار می‌گیرد. ارتباط چیزی با عمل انسان به نگرش و اعتبار او بستگی دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که موقعیت در دیدگاه دیویی به انسان و اعتبار او بستگی دارد. از این رو باید توجه داشت که موقعیت از نظر دیویی امری فیزیکی نیست. بلکه این کلیت را باید در رابطه با علاقه و توجه متربی (آموزش گیرنده، کسی که آموزش می‌بیند) درک کرد. این تمامیت کیفیت است که بوسیله موقعیت ایجاد می‌شود.

دکتر محمودی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سخنرانی خود را با عنوان «آموزش تفکر در حلقه‌های کندوکاو برای کودکان ایران» ارائه کرد و گفت: در تمدن اسلامی تفکر و تدبیر جایگاه والایی دارد و فیلسوفان ما توجه وافری به تفکر داشتند و ارتقاء مرتبه وجودی آدمی را در اندیشه‌ورزی می‌دیدند. در شیوه سنتی آموزش و پرورش، معلمان در فرایند تدریس از روش آموزش تعلیمی استفاده می‌کنند، زیرا در انتقال اطلاعات به دانش‌آموزان ظاهراً شیوه‌ای عملی و کارآمد است. در این نوع از روش تدریس، معلمان کانون و محور اصلی کلاس محسوب می‌شوند و دانش‌آموزان در ردیف‌هایی منظم در کلاس مقابل معلم خود می‌نشینند و تمام اختیارات در دست معلم قرار دارد.

دکتر محمودی تأکید کرد: کم‌توجهی نظام آموزشی به آموختن راه و رسم اندیشه‌ورزی و تقویت ویژگی تأمل و دقت در کودکان و جوانان، لزوم توجه به تلاش‌ها و تجربیات موفق در این زمینه را ضروری می‌سازد.

او با اشاره به پیش‌فرض‌های پارادایم تأملی گفت: در این پارادایم آموزش، حاصل مشارکت کودک در حلقه کندوکاو با راهنمایی مربی است و از دانش‌آموزان انتظار می‌رود، متفکر و ژرف‌اندیش باشند. در این راستا فلسفه به‌عنوان روشی برای برانگیختن تفکر در نظریان «متیو لیپمن» مورد توجه قرار گرفت.

او با بیان اینکه نقطه پیوند فلسفه و تعلیم و تربیت، «انسان» است، گفت: یکی از واژه‌های کلیدی فلسفه برای کودکان مفهوم تجربه است. چارچوب کندوکاو فلسفی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا سمت و سوی

## حقوق ارتباطات کودکان در ایران



او با اشاره به حق ارتباطی مشارکت در تصمیم‌گیری گفت: کودکان باید بتوانند در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، اجتماعی و دولتی که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، مشارکت کنند. مشارکت آن‌ها در این فرآیند نه تنها به افزایش اعتماد به نفس و توانمندسازی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه تضمین می‌کند که تصمیمات به نفع و بهبود وضعیت زندگی کودکان گرفته می‌شود. کودکان باید از اطلاعات مضر و ناسالم (کتاب، اینترنت، تلویزیون و رادیو) محافظت شوند

این پژوهشگر همچنین بیان کرد: آزادی در دسترسی به رسانه‌ها یکی دیگر از جنبه‌های حق ارتباطات است. کودکان باید بتوانند از طریق رسانه‌های مختلف (کتاب، اینترنت، تلویزیون و رادیو) به اطلاعات درست و مناسب دسترسی داشته باشند. این امر به آن‌ها کمک می‌کند تا با دنیای اطراف خود بیشتر آشنا شوند و از حقوق خود آگاه شوند. همچنین محافظت از کودکان در برابر اطلاعات مضر در کنار حق دسترسی به اطلاعات، کودکان باید از اطلاعات مضر و ناسالم محافظت شوند. این شامل جلوگیری از دسترسی آن‌ها به محتوای نامناسب و مضر در رسانه‌ها و اینترنت می‌شود.

او افزود: فناوری‌های نوین، به‌ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌های جدیدی برای ارتباط و بیان نظر به کودکان داده است. آن‌ها می‌توانند از طریق این ابزارها با دیگران در ارتباط باشند، مطالب خود را منتشر کنند و از اخبار و اطلاعات مطلع شوند. با این حال، باید به کودکان آموزش داده شود که چگونه از این ابزارها به‌صورت ایمن و مسئولانه استفاده کنند.

او با اشاره به جایگاه حقوق ارتباطی کودکان در قوانین مرتبط با کودک در ایران، گفت: در ماده هشت سند ملی حقوق کودک و نوجوان مصوب ۱۳۹۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی که به حقوق فرهنگی، آموزشی و تربیتی کودکان اشاره می‌کند به‌طور ضمنی و نه صریح به حقوق ارتباطات کودکان اشاره دارد. در بند سه نیز می‌گوید، کودک و نوجوان حق دسترسی به اطلاعات، به‌ویژه اطلاعات مربوط به سلامت جسمی، روانی و رشد اخلاقی و معنوی متناسب با سطح درک خویش را دارد و حتی در ماده ۱۱ بند «د» همین قانون نیز به پیشگیری و مبارزه با جرائم جنسی علیه کودک یا نوجوان و ارائه آثار مستهجن به او از جمله از طریق فضای مجازی یا استفاده از او برای تهیه، توزیع، فروش و نگهداری این آثار اشاره دارد.

دکتر ساعی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سخنرانی خود با عنوان «حقوق ارتباطات کودکان؛ با نگاهی به چالش‌های ارتباطی و رسانه‌ای کودکان در ایران» گفت: کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل (۱۹۸۹)، که معمولاً به‌عنوان CRC یا UNCRC شناخته می‌شود، کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را تعیین می‌کند و کودک را به عنوان «هر انسان زیر ۱۸ سال (مگر اینکه طبق قانونی که بر کودک حاکم است، سن بلوغ زودتر به‌دست آید) تعریف می‌کند.

او بر مبنای کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل گفت: پیمان نامه یا کنوانسیون حقوق کودک دربرگیرنده ۵۴ ماده است که ۹ ماده آن از جمله ماده‌های ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۴ به حقوق ارتباطات کودکان مرتبط هستند.

ساعی تأکید کرد: طبق ماده ۱۲ و ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک، کودکان حق دارند آزادانه نظرات خود را بیان کنند و این نظرات باید در تمام موضوعاتی که به آن‌ها مربوط می‌شود، مورد توجه قرار گیرد. آن‌ها همچنین حق دارند اطلاعات، عقاید و افکار خود را از طریق هر وسیله ارتباطی مانند گفتار، نوشتار، هنر و رسانه‌ها بیان کنند.

او ادامه داد: براساس ماده‌های کنوانسیون حقوق کودک، کودکان باید به اطلاعات مناسب و باکیفیت دسترسی داشته باشند تا بتوانند درک بهتری از محیط اطراف خود پیدا کنند و تصمیمات آگاهانه بگیرند. این اطلاعات باید متناسب با سن و نیازهای آن‌ها باشد و از رسانه‌های مختلف به‌دستشان برسد.

## کنوانسیون جهانی حقوق کودک و قوانین ایران در حوزه ارتباطات کودکان، نقص دارند

ساعی با اشاره به دو نقص کنوانسیون جهانی حقوق کودک و قوانین ایران در حوزه ارتباطات کودکان گفت: هم کنوانسیون جهانی و هم قوانین کودک در ایران به ارزش، کمیت و کیفیت ارتباطات و تعاملات سالم میان فردی والدین و فرزندان و تأثیر ارتباطات بر شکل‌گیری فضا و ساخت خانواده سالم بی‌توجه بوده‌اند این در حالی است که خانواده نخستین قانون نهادی است که کودکان کمیت و کیفیت ارتباطات و تعاملات میان فردی را تجربه می‌کنند. در واقع حقوق ارتباطات تنها حقوق رسانه‌ای آنها نیست، بلکه حقوق برخورداری از تعاملات و ارتباطات میان فردی سالم نیز است.

او همچنین تأکید کرد که قوانین جهانی و ایرانی در حوزه حقوق ارتباطی کودکان، نیاز به بازنگری جدی در حوزه حقوق رسانه‌ای آنها به‌ویژه پرنسپل و اضافه کردن بخش حقوق کودکان در اینترنت، فضای سایبر و هوش مصنوعی، دارند.

ساعی با تأکید بر افزایش اهمیت و دغدغه حقوق ارتباطات کودکان در جهان افزود: اگر به موضوع و شعار روز جهانی کودکان در سال ۲۰۲۴ نیز توجه کنیم، «به آینده گوش بسپارید و از حقوق کودکان دفاع کنید»، نیز به نوعی بر حقوق ارتباطات میان فردی و رسانه‌ای تأکید شده است. یونیسف اعلام کرده است که در سال ۲۰۲۴، ما جهان را تشویق می‌کنیم تا فعالانه به امیدها، رؤیاهای دیدگاه‌های کودکان برای آینده گوش داده و حق مشارکت آنها را ترویج دهند. کودکان باید توانمند شوند تا نظراتشان را درباره جهانی که می‌خواهند در آن زندگی کنند، بیان کنند و این وظیفه همه ماست که به سخنانشان گوش دهیم و از دیدگاه‌های آنها حمایت کنیم.

دکتر ساعی افزود: در راستای اهمیت نقش نهاد خانواده در تأمین حقوق ارتباطی کودکان، یونیسف در سال ۲۰۲۴ یک بخش ویژه را به نقش نهاد خانواده به‌ویژه قدرت والدگری والدین در این زمینه را دارد. یونیسف اعلام کرده است که به‌عنوان والد یا سرپرست، شما نقش کلیدی در پرورش صدای کودک خود دارید. شما اولین سیستم حمایتی آنها هستید و آنها به شما برای راهنمایی و تشویق نگاه می‌کنند. با ایجاد محیطی امن که در آن کودک شما احساس راحتی داشته باشد تا افکارش را بیان کند، شما نسل آینده رهبران، اندیشمندان و عمل‌گرایان را شکل می‌دهید.

او افزود: همچنین در ماده شش قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی نیز با شمردن وظایف سازمان‌های مسئول در زمینه حقوق ارتباطی کودکان به‌طور ویژه بر لزوم توجه حقوق رسانه‌ای آنها در صداوسیما تأکید شده است و اشاره‌ای به فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی یا سایر نهادها و سازمان‌های سیاست‌گذاری و اجرایی مرتبط با حقوق ارتباطی کودکان ندارد. البته در ماده ۱۰ همین قانون که به جرائم و مجازات‌ها اختصاص دارد اشاره می‌کند که در دسترس قرار دادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان به یک یا چند مجازات درجه هشت قانون مجازات اسلامی و استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر، تا حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط همچنین واردات، صادرات، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آنها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده یا حمل و نگهداری آنها به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی را در پی دارد.

او ادامه داد: بند نُه همین ماده اشاره می‌کند که برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به‌منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی را به‌دنبال دارد.

این پژوهشگر ارتباطات خانواده مطرح کرد: در ماده ۱۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، هر کس هویت یا اطلاعات و اسرار طفل یا نوجوان بزه‌دیده یا در وضعیت مخاطره‌آمیز را افشاء یا جزئیات جرم ارتكابی توسط طفل و نوجوان یا علیه وی را از طریق رسانه‌های گروهی و با توزیع، تکثیر، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن تشریح کند، به‌گونه‌ای که موجب تجری دیگران، اشاعه جرم، آموزش شیوه ارتكاب آن یا بروز هرگونه ضرر یا آسیب به طفل یا نوجوان یا خانواده وی شود، به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

آنها با دقت گوش دهید، سؤالات پیگیری بپرسید و آنها را به کشف ایده‌هایشان تشویق کنید. حتی می‌توانید این افکار را ثبت کنید و این گفت‌وگو را هر سال تکرار کنید تا تکامل دیدگاه‌هایشان را ببینید. او همچنین به پروژه‌های خلاقانه خانوادگی از جمله تابلوهای آرزوها، هنر و نوشتن برای تقویت ارتباطات میان‌فردی والدین و کودکان در خانواده در بیانیه یونیسف اشاره کرد و گفت: تابلوی آرزوهای خانوادگی بسازید. در واقع با کمک عکس‌ها یا تصاویری از محیط پاک، فناوری پیشرفته، خانواده‌های خوشحال و غیره جمع‌آوری کنید و همراه با کودک خود تابلویی از آینده‌ای که آرزو دارد، بسازید.

ساعی در خاتمه سخنانش با بیان اینکه در بیانیه یونیسف برای والدین به خلق پروژه هنری یا نوشتاری در خانواده برای ایجاد فرصت‌های ارتباطی اشاره کرده است، گفت: منظور پروژه هنری یا نوشتاری این است که از کودک خود بخواهید نقاشی کند یا درباره آینده‌ای که تصور می‌کند، بنویسد. مثلاً مدارس چگونه خواهند بود؟ شهرها چگونه به نظر می‌رسند؟ با یک دفترچه آینده و نامه به آینده را ایجاد کنید و کودکان را تشویق کنید تا افکارش درباره آینده، از جمله موضوعات مهم مانند تغییرات اقلیمی یا فناوری‌های نوین را یادداشت کند و از کودکان بخواهید نامه‌ای به خودشان در ۱۰ یا ۲۰ سال آینده بنویسند و امیدها و آرزوهایشان را در آن ثبت کنند.

او با اشاره به اهمیت گوش دادن به حرف‌های کودکان در بیانیه روز جهانی کودک خطاب به والدین گفت: از نظر یونیسف گوش دادن به کودکان موجب تقویت اعتماد به نفس می‌شود. زیرا وقتی کودکان احساس کنند که شنیده می‌شوند، اعتماد به نفس آنها افزایش می‌یابد و می‌فهمند که افکار و ایده‌هایشان ارزشمند است. همچنین گوش دادن به کودکان به آنها کمک می‌کند، مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله را توسعه دهند. تأثیر دیگر گوش دادن به کودکان پرورش خلاقیت است. در واقع با دادن آزادی به کودکان برای بیان دیدگاه‌هایشان درباره آینده، خلاقیت آنها تقویت می‌شود.

او افزود: گوش دادن به کودکان موجب تقویت رابطه والدین و کودک می‌شود. گفت‌وگوی باز باعث ایجاد اعتماد می‌شود و کودکان را تشویق می‌کند که با ایده‌ها، نگرانی‌ها و آرزوهایشان به شما رجوع کنند.

چنین سؤالاتی را از کودکان بپرسید  
ساعی با بیان اینکه یونیسف بر اهمیت گفت‌وگوی خانوادگی درباره آینده تأکید کرده است، یادآور شد: زمانی را برای گفت‌وگوهای خانوادگی اختصاص دهید تا همه بتوانند دیدگاه‌هایشان درباره آینده را به اشتراک بگذارند. این گفت‌وگوها می‌تواند هنگام صرف غذا، یک جلسه خانوادگی در آخر هفته یا حتی در ماشین انجام شود. چنین سؤالاتی بپرسید که چه نوع جهانی را دوست دارید در آن زندگی کنید؟ چه چیزهایی را در جهان می‌خواهید تغییر دهید؟ به نظرتان چگونه می‌توان آینده بهتری برای همه ساخت؟ و به پاسخ‌های





ششمین نشست علمی گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده پژوهشکده علوم اجتماعی

## زنان، ترجمه و نشانه‌شناسی

استاد دانشگاه علامه طباطبائی ادامه داد: سخنرانی حاضر گزارش کوتاهی از یک طرح پژوهشی در حوزه مطالعات ترجمه و مطالعات زنان، با ابزار خرد-تاریخ نگاری است. در این طرح به بررسی انتخاب‌های ترجمه‌ای زنان در جریان تغییرات تاریخی پرداخته‌ایم. بازه زمانی از سال ۱۲۸۰ (تاریخ نخستین ترجمه چاپ شده زنان که شناسایی شده) تا ۱۳۹۰ (زمان پایان پژوهش) است. هدف به‌دست آوردن تصویری از حضور زنان در جامعه بوده است. بررسی موضوع‌هایی که زنان در دوران معاصر ایران ترجمه کرده‌اند و همچنین تعداد کتاب‌های ترجمه شده، ابزاری است برای ترسیم این تصویر. گزارش این تحقیق، علاوه بر چاپ و توزیع در فضای بومی، به‌صورت فصل اول کتابی چاپ شده که با همکاری لویس فون فلو، استار ترجمه دانشگاه اوتاوا، گردآوری و تالیف شده ، و با عنوان *Translating Women: New Voices, Different Horizons* در سال ۲۰۱۶ در انتشاراتی راتلیج چاپ شده است.

### استعاره زن در نشانه‌شناسی پسااستعماری

سخنران دوم نشست، دکتر افراشی با موضوع سخنرانی «استعاره زن در نشانه‌شناسی پسااستعماری» دکتر بحث خود را با تمرکز بر دو پرسش اصلی آغاز کرد. نخست آنکه چه ویژگی‌های مشترکی را میان زنان به تصویر کشیده شده در این آثار می‌توان یافت؟ و دیگر اینکه در قالب تحلیل‌های مرتبط با استعاره‌های شناختی آیا

ششمین نشست علمی گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با محور «زنان، ترجمه و نشانه‌شناسی» سیزدهم آبان‌ماه، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌دو صورت حضوری و مجازی برگزار شد. سخنرانان این نشست، دکتر فرزانه فرحزاد (استاد مطالعات ترجمه دانشگاه علامه طباطبائی) و دکتر آزیتا افراشی (استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بودند و دبیری علمی نشست نیز بر عهده دکتر سمیه کریمی (استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بود.

### ترجمه زنان در ایران

سخنران آغازین نشست دکتر فرحزاد با عنوان سخنرانی «ترجمه زنان در ایران» بودند. دکتر فرحزاد در راستای این بحث که ترجمه یکی از نشانه‌های بارز حضور اجتماعی افراد در جامعه است، گفت: ارتباط میان ترجمه و جامعه از دیرباز در مطالعات ترجمه مطرح و بررسی شده است. ترجمه پژوهان غربی ترجمه را نوعی رفتار اجتماعی می‌دانند. از نظر آنها مترجم به نظام اجتماعی تعلق دارد و در جامعه تعریف می‌شود. زنان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. میزان چاپ آثار توسط زنان، که شامل متون تألیفی و ترجمه است، نشانه بسیار روشنی از حضور اجتماعی زنان در جامعه است.



پیکره آثاری که به موضوعات مورد اشاره پرداخته‌اند، چنان گسترده است که به شکل‌گیری ژانری در هنر به نام هنر اوریتالیست انجامیده است. هنر اوریتالیست که در قرن نوزدهم میلادی به اوج رسید، به بازنمود شرق در هنر غربی می‌پردازد و در آن مرز خیال و واقعیت معمولاً مبهم است و جوهر آن استعاره است. بنابر این با توجه به ویژگی استعاری بودن هنر اوریتالیست، یکی از ابزارهایی که در این تحلیل‌های نشانه‌شناختی مورد استفاده قرار می‌گیرد، استعاره است.

می‌توان زن در این تصاویر را به مثابه حوزه مبداء برای مفهوم‌سازی‌های دیگری در نظر گرفت؟ استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در راستای دو پرسش مطرح شده شرح داد: نظریه‌پردازی پسااستعاری به صورت‌بندی تجربه استعمارشدگان از زندگی در دوران استعمار می‌پردازد. صورت‌بندی این تجربه، بی‌گمان امری چندوجهی است که حوزه‌های مختلفی مانند زبان، ترجمه، ادبیات، مناسبات اجتماعی، اقتصاد، تاریخ، سیاست، فرهنگ، هنر و جزء آن را فرا می‌گیرد. همچنین ذیل گروه‌های اجتماعی متفاوت در سرزمین‌های تحت استعمار، گروه‌های سنی، جنسیتی، صنفی، تحصیلی، اجتماعی و جغرافیایی را می‌توان برشمرد که این تجربه را زیسته‌اند. بخشی از تحلیل معنایی گفتمان پسااستعماری در قالب نشانه‌شناسی میسر می‌شود؛ به‌ویژه نشانه‌شناسی آثار هنری که به مکان‌ها و مردمان و شیوه زیست در دوران استعمار مرتبطند. دکتر افراسی ادامه داد: بحث حاضر از منظر نشانه‌شناسی به تحلیل نقاشی‌هایی می‌پردازد که در آن زنان در سرزمین‌های استعمارزده به تصویر کشیده شده‌اند.

گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده  
پژوهشگاه علوم اجتماعی، برگزار می‌کند:

مجلس نشستهای گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده پژوهشگاه علوم اجتماعی  
ششمین نشست

**«زنان، ترجمه و نشانه‌شناسی»**

سخنرانان:

**دکتر آرینا افراسی**  
استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
استعاره زن در نشانه‌شناسی پسااستعماری

**دکتر فرزانه فرحزاد**  
استاد مطالعات ترجمه دانشگاه علامه طباطبائی  
ترجمه زنان در ایران

دبیر علمی نشست: دکتر وحید قهرمان  
استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زمان: یکشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۳ ساعت: ۱۰ تا ۱۲  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.i.hcs.ac.ir/rooms/bxw-szr-alk-8jh/join>



## آرایش سازه در زبان سغدی

دیگر زبان‌های جهان از این منظر مشخص کند. او برای این‌که بتواند آرایش سازه‌ها در زبان‌های ایرانی را بررسی کند، برپایه جفت‌عنصرهای پیشنهادی درایر (۱۹۹۲) و بنا به ساخت نحوی زبان‌های ایرانی به ۲۴ مؤلفه دست یافت.

بررسی‌های اولیه نشان داد که ۲۲ جفت‌عنصر درایر و نه ۲۴ مؤلفه دبیرمقدم برای مطالعه آرایش سازه‌ها در زبان سغدی کافی نیست، بنابراین براساس پژوهش درایر و دبیرمقدم، ۲۸ مؤلفه ترتیب داده شد.

وی تصریح کرد: ۲۸ مؤلفه‌ی برگزیده برای مطالعه آرایش سازه‌ها در زبان سغدی، می‌تواند کمک شایانی به مطالعه نحوی زبان سغدی کند. در واقع می‌توان بر اساس مؤلفه‌هایی مشخص و ساختارمند متون سغدی را مورد مطالعه قرار داد و ترتیب قرار گرفتن سازه‌ها را در آن بررسی کرد. اهمیت این پژوهش که ساختارمند و متکی بر بسامد و آمار است در بررسی مقابله‌ای-مقیاسه‌ای گونه‌های متنی دینی (بودایی، مانوی و مسیحی) و غیردینی (نامه‌ها، کتیبه‌ها و اسناد و مدارک برجامانده) سغدی آشکار می‌شود. می‌توان مؤلفه‌های یادشده را اساس قرار داد و با آن نحو مقابله‌ای زبان سغدی را استخراج کرد. اگر بتوان برپایه چارچوب نظری یادشده به یک نتیجه در باب چگونگی ترتیب واژه‌ها یا آرایش سازه‌ها دست یافت، آن‌گاه می‌توان بر اساس الگوی اصلی، باردیگر فرضیات و ادعاها بیان شده درباره ترجمه بودن یا نبودن متون دینی، نفوذ ساخت زبان‌های ایرانی میانه غربی، سنسکریت و سریانی بر متون سغدی، و حتی سیر تطور نحو زبان سغدی را، از کهن‌ترین متون تا متأخرترین آن، بررسی کرد.

نشست «آرایش سازه در زبان سغدی» پنجم آبان‌ماه ۱۴۰۳ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. دکتر علی صابونچی که رساله دکتری‌اش را با عنوان «آرایش سازه‌ها در چند متن منشور سغدی مانوی (تمثیل دو مار، داستان‌های سغدی، کیهان‌شناخت، موعظه نوس روشن، موعظه روح و خواستوانیت)» در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی گذرانده است، سخنران این نشست بود.

دکتر صابونچی در آغاز نشست چارچوب نظری سخنرانی که متکی بر نظریه «هسته و وابسته (HDT)» و نظریه «سوی انشعاب (BDT)» درایر بود را معرفی کرد و شرح داد: درایر در سال ۱۹۹۲ مقاله‌ای با عنوان «همبستگی‌های آرایش واژه گرینبرگ (The Greenbergian Word Order Correlations)» نوشت و در آن دو نظریه یا عنوان «هسته و وابسته» و «سوی انشعاب» را مطرح کرد. او نخست نظریه هسته و وابسته را طرح و سپس با انتقاد قراردادن آن، نظریه جهت یا سوی انشعاب را به‌عنوان جایگزین نظریه اول طرح و معرفی کرد. حاصل طرح و معرفی این نظریه‌ها ارائه مجموعه‌ای ۲۲ جفت‌عنصری بود که چارچوبی برای بررسی آرایش سازه‌ها در زبان‌ها قرار گرفت. جفت‌عنصرهای بیست‌ودوگانه درایر بر اساس ارتباط همبستگی معناداری که میان آنها وجود دارد، به دو گروه جفت‌عنصرهای همبستگی و غیرهمبستگی تقسیم شدند.

وی بیان کرد: دبیرمقدم (۱۳۹۲) در کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی برای مطالعه و بررسی آرایش سازه‌ها زبان‌های ایرانی نو رویکرد درایر (۱۹۹۲) را اساس قرارداد و کوشید تا جایگاه زبان‌های ایرانی را در میان



## معرفی بخش عروض فارسی از کتاب «الابداع فی العروض»

است. با شناخت کتاب «الابداع فی العروض» معلوم می‌شود که «ابن فرخان» علاوه بر آن که پیرو مکتب یوسف عروضی بوده، از استاد خود فراتر رفته است؛ به طوری که در کتاب الابداع نکات عروضی متنوع و ظریفی دیده می‌شود که عروض دانان معاصر مانند ابوالحسن نجفی، بدون اطلاع از نظرات ابن فرخان به‌همان رسیده‌اند که برجسته‌ترین آن مربوط به رکن‌بندی وزن رباعی و توصیف اختیاران شاعری آن است. همچنین این کتاب حاوی نکات مهمی است که مسیر تحولات تاریخی عروض فارسی را نشان می‌دهد که تاکنون امکان دسترسی به آنها نبوده است. وی این اثر را گنج ارزشمندی برای علم عروض فارسی توصیف کرد که از بختیاری ما پس از گذشت قرن‌ها تک‌نسخه خطی بسیار ممتاز و باکیفیت عالی از آن در کتابخانه نورعثمانیه باقی مانده و به‌دست ما رسیده است. خوشبختانه دکتر عمر خلوف، متخصص عروض عربی و استاد دانشگاه ریاض، چندین سال از عمر خود را در تصحیح این کتاب بر اساس نسخه نورعثمانیه صرف کرده و با چاپ بسیار عالی آن را منتشر کرده است. البته آنجا که مصحح فارسی نمی‌داند و از طرف دیگر تصحیح بر اساس یک نسخه بوده است با تمام دقتی که به‌کار رفته، تصحیح اشعار فارسی با اشکالاتی روبه‌روست. همچنین نظرات ایشان در توضیح و تعلیق برخی مطالب کتاب در خصوص عروض فارسی صائب نیست.

در پایان نشست دکتر طیب‌زاده از دکتر قهرمانی‌مقبل درخواست کرد تا که این کتاب ارزشمند، با همت ایشان ترجمه شده و در اختیار علاقه‌مندان عروض فارسی قرار گیرد.

نشست علمی معرفی بخش عروض فارسی از کتاب «الابداع فی العروض» اثر ابن فرخان، قرن ششم (بر اساس تصحیح عمر خلوف و نسخه خطی کتابخانه نور عثمانیه) هشتم آبان‌ماه با سخنرانی علی‌اصغر قهرمانی‌مقبل، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. دبیر علمی این نشست نیز دکتر امید طیب‌زاده بود. دکتر قهرمانی در ابتدای سخنانش پس از معرفی کتاب «الابداع فی العروض» تألیف جمال‌الدین ابوسعید علی‌بن مسعود مشهور به ابن فرخان، عالم و شاعر قرن ششم هجری اهل کاشان، گفت: هر چند کتاب مذکور به زبان عربی نوشته شده است، اما بخش قابل توجهی از کتاب درباره علم عروض فارسی است که از نظر حجم مطالب و ارزش آن، مهم‌ترین کتابی است که درباره عروض فارسی از قرن ششم به دست ما رسیده است؛ به طوری که می‌توان این کتاب را در ردیف دوم کتاب مهم عروض فارسی یعنی «المعجم فی معاییر اشعار المعجم» (تألیف شمس‌الدین قیس رازی) و معیار اشعار (تألیف خواجه نصیرالدین طوسی) به‌شمار آورد که یک قرن پیش از آن دو تألیف شده است.

### سه مکتب عروضی فارسی قدیم

دکتر قهرمانی عروض فارسی قدیم را به سه مکتب عروضی تقسیم‌بندی کرد و شرح داد: مکتب یوسف عروضی، مکتب شمس قیس رازی و مکتب خواجه نصیر؛ که به‌نظر می‌رسد مکتب یوسف عروضی برای توصیف ویژگی‌های وزن شعر فارسی از دو مکتب دیگر کارآمدتر بوده و تناسب بیشتری با شعر فارسی داشته است، اما به‌دلیل از بین رفتن اغلب آثار عروضی مبتنی بر این مکتب، برای پژوهشگران عروض معاصر ناشناخته مانده



## بازگشت همکاران پژوهشگاه علوم انسانی از زیارت عتبات عالیات

تعدادی از اعضای این مرکز علمی- پژوهشی به زیارت عتبات عالیات مشرف شدند. اکثر همکارانی که به این سفر زیارتی اعزام شدند، «زیارت اولی» بودند که توانستند در این سفر پنج‌روزه از ۲۵ تا ۳۰ مهرماه ۱۴۰۳ در کنار دیگر شیعیان مشتاق زیارت حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام و حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام که یک سفر معنوی و انسان‌ساز به‌شمار می‌رود، به ارتقاء بینش خود نسبت به زیارت ائمه اطهار بپردازند.

همچنین مسئولان پژوهشگاه در خصوص برقراری ارتباط دوطرفه با مسئولان فرهنگی، حوزوی و دانشگاهی شهرهای کربلا، نجف و... به بحث و تبادل نظر پرداختند و مقرر شد، زمینه‌های همکاری بیشتر در این عرصه فراهم شود.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (ع)  
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ  
بِهِ الْخَيْرَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ  
السَّلَامُ وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ وَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ السُّوءَ  
قَذَفَ فِي قَلْبِهِ بَغْضَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ  
بُغْضَ زِيَارَتِهِ

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: هرکسی که خداوند خیرش را بخواهد، حب امام حسین علیه‌السلام و حب زیارتش را در قلب او می‌اندازد و هر که را خداوند بدیش را بخواهد، بغض نسبت به امام حسین علیه‌السلام و بغض زیارت آن حضرت را در قلب او می‌اندازد. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۴۹۶)

بازگشت همکاران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از زیارت عتبات عالیات به فضل پروردگار و با پیگیری مسئولان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی







## پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب به مناسبت شهادت سید حسن نصرالله

پیام تسلیت به مناسبت شهادت جناب سید حسن نصرالله رضوان الله علیه دبیرکل شهید حزب الله لبنان / اعلام ۵ روز عزای عمومی

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت شهادت مجاهد کبیر و پرچمدار مقاومت، حجت الاسلام سید حسن نصرالله ضمن تبریک و تسلیت شهادت رهبر کم نظیر حزب الله به سراسر جبهه مقاومت و امت اسلامی و اعلام پنج روز عزای عمومی در کشور، تأکید کردند: اساسی که او در لبنان پایه گذاری کرد و به دیگر مراکز قدرت، جهت بخشید، با فقدان سید عزیز مقاومت نه تنها از میان نخواهد رفت، بلکه به برکت خون او و دیگر شهیدان این حادثه، استحکام بیشتر خواهد یافت و ضربات جبهه مقاومت بر پیکر فرسوده و روبه زوال رژیم صهیونی کوبنده تر خواهد شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای  
به مناسبت شهادت سید حسن نصرالله، دبیرکل شهید حزب الله لبنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِنَّ اللَّهَ وَاَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

ملت عزیز ایران  
امت بزرگ اسلامی

مجاهد کبیر پرچمدار مقاومت در منطقه، عالم بافضیلت دینی، و رهبر مدبر سیاسی، جناب سید حسن نصرالله رضوان الله علیه، در حوادث دیشب لبنان به فیض شهادت نائل آمد و به ملکوت پرواز کرد. سید عزیز مقاومت پاداش دهها سال جهاد فی سبیل الله و دشواریهای آن را در خلال یک پیکار مقدس دریافت کرد. در حالی شهید شد که سرگرم طراخی برای دفاع از مردم بی پناه ضاحیه ی بیروت و خانه های ویران شده و عزیزان پریشده ی آنان بود، همچنانکه دهها سال برای دفاع از مردم ستمدیده ی فلسطین و شهر و روستای غصب شده و خانه های تخریب شده و عزیزان قتل عام شده ی آنان طراخی و تدبیر و جهاد کرده بود. فیض شهادت پس از اینهمه مجاهدت حق مسلم او بود. دنیای اسلام، شخصیتی با عظمت را؛ و جبهه ی مقاومت پرچمداری برجسته را، و حزب الله لبنان رهبری کم نظیر را از دست داد، ولی برکات تدبیر و جهاد چند ده ساله ی او هرگز از دست نخواهد رفت، اساسی که او در لبنان پایه گذاری کرد و به دیگر مراکز مقاومت، جهت بخشید، با فقدان او نه تنها از میان نخواهد رفت، که به برکت خون او و دیگر شهیدان این حادثه استحکام بیشتر خواهد یافت. ضربات جبهه ی مقاومت بر پیکر فرسوده و روبه زوال رژیم صهیونی، بحول قوه ی الهی کوبنده تر خواهد شد. ذات یلید رژیم صهیونی در این حادثه، به بیروزی دست نیافته است. سید مقاومت، یک شخص نبوده، یک راه و یک مکتب بود، و این راه همچنان ادامه خواهد یافت، خون شهید سید عباس موسوی بر زمین نماند، خون شهید سید حسن هم بر زمین نخواهد ماند.

اینجانب به پدر بزرگوار و همسر گرامی سید عزیز که پیش از او فرزندش سید هادی را نیز در راه خدا داده، و به فرزندان گرامیش و به خانواده های شهیدان این حادثه و به یکایک اقران حزب الله و به مردم عزیز و مقامات عالیله ی لبنان، و به سراسر جبهه ی مقاومت، و به مجموع امت اسلامی، شهادت نصرالله بزرگ و باران شهیدش را تبریک و تسلیت عرض میکنم و در ایران اسلامی پنج روز عزای عمومی اعلام مینمایم. خداوند آنان را با اولیائش محشور فرماید.

والسلام علی عباد الله الصالحین

سید علی خامنه‌ای

۱۴۰۳/۷/۷



راه و مکتب  
سید مقاومت  
ادامه خواهد یافت

ضربات جبهه ی مقاومت بر  
پیکر فرسوده و روبه زوال رژیم  
صهیونی کوبنده تر خواهد شد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَنَا اللَّهُ وَاَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

ملت عزیز ایران  
امت بزرگ اسلامی



مجاهد کبیر، پرچمدار مقاومت در منطقه، عالم بافضیلت دینی، و رهبر مدبر سیاسی، جناب سیدحسن نصرالله رضوان‌الله‌علیه، در حوادث دیشب لبنان به فیض شهادت نائل آمد و به ملکوت پرواز کرد. سید عزیز مقاومت پاداش دهها سال جهاد فی سبیل الله و دشواری‌های آن را در خلال یک پیکار مقدس دریافت کرد. در حالی شهید شد که سرگرم طراحی برای دفاع از مردم بی‌پناه ضاحیه بیروت و خانه‌های ویران‌شده و عزیزان پرپر شده آنان بود، همچنان‌که دهها سال برای دفاع از مردم ستمدیده فلسطین و شهر و روستای غضب‌شده و خانه‌های تخریب‌شده و عزیزان قتل‌عام‌شده آنان طراحی و تدبیر و

جهاد کرده بود. فیض شهادت پس از اینهمه مجاهدت حق مسلم او بود.

دنیای اسلام، شخصیتی باعظمت را؛ و جبهه مقاومت پرچمداری برجسته را، و حزب الله لبنان رهبری کم‌نظیر را از دست داد، ولی برکات تدبیر و جهاد چند ده ساله او هرگز از دست نخواهد رفت. اساسی که او در لبنان پایه‌گذاری کرد و به دیگر مراکز مقاومت، جهت بخشید، با فقدان او نه تنها از میان نخواهد رفت، که به برکت خون او و دیگر شهیدان این حادثه استحکام بیشتر خواهد یافت. ضربات جبهه مقاومت بر پیکر فرسوده و رو به زوال رژیم صهیونی، بحول و قوه الهی کوبنده‌تر خواهد شد. ذات پلید رژیم صهیونی در این حادثه، به پیروزی دست نیافته است.

سید مقاومت، یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود، و این راه همچنان ادامه خواهد یافت. خون شهید سیدعباس موسوی بر زمین نماند، خون شهید سیدحسن هم بر زمین نخواهد ماند.

این‌جانب به همسر گرامی سید عزیز که پیش از او فرزندش سیدهادی را نیز در راه خدا داده و به فرزندان گرامیش و به خانواده‌های شهیدان این حادثه و به یکایک افراد حزب‌الله و به مردم عزیز و مقامات عالی‌رتبه لبنان و به سراسر جبهه مقاومت و به مجموع امت اسلامی، شهادت نصرالله بزرگ و یاران شهیدش را تبریک و تسلیت عرض می‌کنم و در ایران اسلامی پنج روز عزای عمومی اعلام می‌نمایم. خداوند آنان را با اولیائش محشور فرماید.

والسلام علی عبادالله الصالحین

سیدعلی خامنه‌ای

۱۴۰۳/۷/۷



## سایر نشست‌های برگزار شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
با همکاری خانه خلاق و نوآوری علوم انسانی و فرهنگ برگزار می‌کند:

**سلسله نشست‌های نوآوری و فناوری در علوم انسانی و هنر**

**نشست پنجم**

**هوش مصنوعی و مدیریت منابع انسانی**  
(یادگیری ماشین به عنوان ابزاری برای تحلیلی داده‌های منابع انسانی)

سخنران:  
**دکتر الهام ابراهیمی**  
دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

**دبیر علمی:**  
**دکتر محمد نجاری**  
مدیر مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زمان: یکشنبه ۱ مهر ماه ۱۴۰۳ ساعت: ۱۰ تا ۱۲  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

پیوند ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/z14-3le-67c>

پژوهشگاه مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

**نشست نقد و بررسی کتاب**

**انگاره بت پرستی و پیدایش اسلام**  
اثر جلال‌الدین تینک

مترجمان کتاب:  
**دکتر اعظم پویا**  
(دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران)  
**دکتر مریم پیروان**  
(پژوهشگر فرانسوی)

نالدان:  
**دکتر نهد غروی نائینی**  
(استاد دانشگاه تربیت مدرس)  
**دکتر روح‌الله نجفی**  
(دانشیار دانشگاه خوارزمی)  
**دکتر زهرا محقیان**  
(استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

زمان: دوشنبه ۱۶ مهر ماه ۱۴۰۲ ساعت: ۱۰ تا ۱۲  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

جلسه بصورت حضوری و مجازی برگزار می‌گردد.  
پیوند ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/rooms/wj-rd3-9r2-xxv>

پژوهشگاه تاریخ و فلسفه علم برگزار می‌کند:

**جایگاه مغفول بیمارستان**  
**در تاریخ نگاری پزشکی**

سخنرانان:  
**دکتر غلامحسین مقدم حیدری**  
جایگاه پروبلیماتیک بیمارستان در طب اخطاطی  
**دکتر علیرضا منجمی**  
ظهور و افول طب رده بندی در بیمارستان  
**دکتر حمیدرضا نمازی**  
ناملی بر تاریخ نهاد درمان در ایران از دارالفنون تا کنون  
**دکتر امین متولیان**  
دارالشفاء از منظر تاریخنگاری غیر مادی

زمان: سه شنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۳ ساعت: ۱۵ تا ۱۷  
مکان:  
سالن اجتماع ساختمان تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه  
خیابان کریمخان زند، بین قرنی و ایرانشهر

مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
با همکاری خانه خلاق و نوآوری علوم انسانی و فرهنگ برگزار می‌کند:

**از ریشه سنت تا جوانه نوآوری**

دینار جمعی از استادان و دانشجویان مقطع دکتری دانشگاه فردوسی مشهد  
با استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی  
**دکتر تقی پورنامداریان**

و آشنایی با دستاوردهای نوآورانه و فناوریانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
با حضور:  
**دکتر محمد جعفر یاحقی** (چهره ماندگار زبان و ادبیات فارسی)  
**دکتر مهدی کرمانی** (مدیران دانشجویی فرهنگی دانشگاه فردوسی مشهد)  
**دکتر سید مهدی زرقانی** (استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد)

با همراهی:  
**دکتر نادیا حاجی‌پور**  
**دکتر زهرا حیاتی**  
**دکتر روح‌الله کریمی**  
**دکتر محمد نجاری**

زمان: یکشنبه ۶ آبان ۱۴۰۳ ساعت: ۹ تا ۱۵  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## سایر نشست‌های برگزار شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



### انتصاب

دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی احکامی جداگانه؛ دکتر نفیسه فقیهی مقدس را به‌عنوان سرپرست دبیرخانه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه دکتر مریم شریف نسب را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی پژوهش‌های ادبی، نظری، راهبردی و کاربردی» دکتر مریم عاملی رضایی را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی نقد و نظریه و مطالعات میان رشته‌ای» دکتر رمضان رضایی را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی ترجمه و کاربردهای اجتماعی ادبیات» دکتر سیدمحمدهادی گرامی را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی مطالعات حدیثی شیعه» دکتر طاهره کمالی زاده را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی فلسفه اسلامی و حکمت معاصر» دکتر غلامحسین مقدم حیدری را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی» دکتر علیرضا منصوری را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی فلسفه علم» دکتر مهدی بنایی جهرمی را به‌عنوان رئیس پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری دکتر اعظم قاسمی را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی فلسفه دین» دکتر آتوسا رستم‌بیک تفرشی را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی زبان‌شناسی همگانی» دکتر امید طبیب زاده قمصری را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی گویش‌شناسی» دکتر فرزانه گشتاسب را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران» دکتر حمیدرضا رادفر را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی آسیای غربی» دکتر مریم سادات فیاضی را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی آسیای شرقی» دکتر سیدروح‌اله شهابی را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی روان‌شناسی و مشاوره» دکتر سیدعلی اصغری را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی مطالعات فکرپروری کودکان و نوجوانان»، منصوب کرد.



ثڤو، شگاھ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



آرشیو خبرنامه در وبگاه پژوهشگاه



## فراخوان مقاله

### دوفصلنامه بررسی مسائل اقتصاد ایران

دوفصلنامه علمی «بررسی مسائل اقتصاد ایران» دارای رتبه الف کمیسیون مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نمایه شده در پایگاه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی از جمله پایگاه DOAJ، توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر می‌شود.

از استادان، پژوهشگران و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دعوت می‌شود مقاله‌های علمی خود در موضوعات و مسائل اقتصاد ایران را برای انتشار در این نشریه ارسال کنند.



برای اطلاعات بیشتر و بارگذاری مقاله به سامانه مجله به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<http://economics.ihcs.ac.ir>

دوفصلنامه بررسی مسائل اقتصاد ایران

سردبیر: خوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام‌رسان‌ها: @ihcss, @pajoheshgah